



در این شماره، پرونده ویژه‌ای با نام «برنامه‌ریزی کلان فرهنگی برای ستایشگری اهل بیت علیهم السلام با نگاهی بر سندهای بالادستی نظام» را به مخاطبان گرامی تقدیم می‌کنیم. از جمله مطالب این پرونده گفت‌وگو با «علی عظیمی»، رئیس هیئت مدیره بنیاد دعبل خزاعی است. در این پرونده چهار مجموعه فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده‌اند. «جایگاه عاشورا در دین و اسناد فرهنگی» نام مطلبی در این پرونده است که به قلم «رضا بابایی» به استحضار می‌رسد.

پرونده «شعر هیئت، محتوا و درون‌مایه» در این شماره، با گزیده‌ای از مقاله دکتر «محمد رضا سنگری» در دومین نشست تخصصی «شعر هیئت» آغاز می‌شود. در این پرونده با دکتر «اسماعیل امینی» درباره محتوای ادبیات آیینی گفت‌وگویی داریم. ضمیمه لوح فشرده «عبرات ۱۳»، حاوی اشعار و نعمات مناسبتی ماه شعبان است. ■

## بسم الله الرحمن الرحيم

### فهرست

برای اقامه دین خدا (رهنمودهای رهبری)..... ۲  
 عشق، ادب و اخلاص (نیم‌نگاهی به ۴۰ سال خدمت مرحوم حاج رضا انصاریان در آستان اهل بیت علیهم السلام)..... ۴  
**پرونده ویژه برنامه‌ریزی کلان فرهنگی برای ستایشگری اهل بیت علیهم السلام**  
**بانگهای بر سندهای بالادستی نظام**  
 برنامه‌ریزی کلان فرهنگی برای ستایشگری اهل بیت علیهم السلام..... ۶  
 برنامه‌ریزی فرهنگی بانگهای راهبردی (گفت‌وگو با علی عظیمی)..... ۱۰  
 ارزیابی سیاست‌ها در ستایشگری اهل بیت علیهم السلام..... ۱۳  
 برنامه‌ریزی فرهنگی..... ۱۴  
 جایگاه عاشورا در دین و اسناد فرهنگی..... ۱۵  
 معرفی نهادهای فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام..... ۱۹  
**پرونده شعر هیئت، محتوا و درون‌مایه**  
 شعر هیئت، محتوا و درون‌مایه..... ۲۲  
 زبان حال در سوگ سروده‌های عاشورایی..... ۲۴  
 محتوای ادبیات آیینی (گفت‌وگو با اسماعیل امینی)..... ۲۸  
 رفرع عشق (معرفی کتاب)..... ۲۹  
 قدرت نامحدود شعر مداحی..... ۳۰  
 انتظار به مثابه یک روش راهبردی..... ۳۱  
 عبرات..... ۳۲  
 اشعار مناسبتی ماه شعبان..... ۳۳  
 نظر سنجی..... ۳۶

### نشریه داخلی بنیاد دعبل خزاعی

مدیر مسئول: علی عظیمی

مشاور تحریریه: حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی انصاری

سر دبیر: امیر عیسی ملکی

طراحی و صفحه‌بندی: علی اصغر خان محمدی

با سپاس از:

مجید مبینی، مسعود دینانی، حسن بختیاری، متین رضوانی پور، میثم ملانجفی، مسعود اسکندری، پوریا شیرآشینی، فاطمه غریبی، الهام غریبی، مجتبی روشن‌روان، مسعود توحیدی، بهنام حمیدی، محمد حسینی، بهنام گلشنی، معصومه توحیدی

آدرس: خیابان بهشتی، خیابان قنبرزاده، خیابان عشق‌یار (نیلوفر)،

خیابان سیزدهم، پلاک ۲۶

کد پستی: ۱۵۳۳۹۴۳۱۱۱

صندوق پستی: ۵۶۵۶-۱۴۱۵۵

تلفن: ۸۸۵۴۸۵۹۷-۸۸۷۶۷۱۷۸

پایگاه اطلاع‌رسانی: [www.deabel.com/news](http://www.deabel.com/news)



### هو الحبيب

به هوش که کربلا هنگامه به مسلخ کشاندن نفس  
 آماره و هواهای ظلمانی نفس است.

کربلا آموزشگاه ادبار به خود و اقبال به خداست.  
 و تا انسان بار سفر از خیمه سیاه نفس بدر فرما بر نبسته  
 و در کربلا قتل عشق را به نظاره ننشیند به یقین راه و  
 رسم موحد زیستن را نخواهد آموخت.

در این تجلی‌گاه رفیع، مادحان و ذاکران اند که با  
 افتخار در یافت لقب روضه‌خوان، باربستگان از شب  
 دیجور را به سوی کاروان نور راه نمایند

و نشریه «دعبل» بر آن است، مجلسی از روضه فراهم  
 آورد تا در بساط آن روضه‌خوانان با نوای حزین خویش  
 بنالند و جویندگان راه، گرم بگریند و در یک کلام  
 محملی از اشک در عزای کشته‌اشک‌ها فراهم آورد.

گویند رمز عشق مگویند و مشنوبید

مشکل حکایتی ست که تقریر می‌کنند ■

شیعیان دیگر هوای کربلا دارد حسین ...

و اینک حسین است که بار سفر بسته و در ورای  
 قلب‌های محبان نشسته، جان‌های عاشق را به تیر  
 محبت هدف ساخته و برای رفتن به وادی کرب و بلا،  
 بلی‌گویان را صلامی دهد که:

هر که دارد عطش کرب و بلا بسم الله

اگر حبیب خدا سعادت جوینان را به گفتن کلمه  
 توحید فرا خواند، انگشت اشارت متوجه حضرت حسین  
 ساخت که

حسین منی و انا من حسین

هر که راهی طریق توحید است و سرمایه از اخلاص  
 بر گرفته است، بداند که کربلا دانشگاه گسستن از علایق  
 فصول و رهیدن از موانع وصول است.

لااله الا الله گویان بسیارند؛ اما احرار و تارکین  
 نفسانیات بسیار کم



درس حسین بن علی به امت اسلامی این است که برای اقامه عدل برای مقابله با ظلم باید همیشه آماده بود

## برای اقامه دین خدا

امروز خوشبختانه ملت ایران این درس را از حسین بن علی آموخته است. سی و چند سال است که قاطبه ملت ایران در این راه حرکت می کند؛ حالا بالاخره یک نوادر و یک شواذی هم گوشه کنار هستند؛ اما حرکت قاطبه ملت ایران در جهت و حرکت حسین بن علی است. سرنوشت آن بزرگوار شهادت بود اما درس او فقط درس راه شهادت نیست. این حرکت حرکت بابرکتی است، گاهی ممکن است مثل ماجرای حسین بن علی علیه السلام منتهی به شهادت بشود، اما این حالت، این روحیه، برای اقامه دین خدا و همه برکاتی که بر اقامه دین خدا مترتب است مفید است. ملت ایران با این روحیه وارد میدان شد، یک بنای ظلم ملی و بین المللی را در ایران ویران کرد؛ به جای آن بنای اسلامی پایه گذاری کرد. این جور نیست که حالا هر کس راه حسین بن علی را رفت، حتماً آخر کار بایستی به صورت ظاهر، به شکل دنیایی، ناکامی باشد؛ نه خیر، این راه را، این درس را در مقابل چشم بشریت گذاشته اند، می گویند اگر دنیا هم می خواهی، اگر عزت هم می خواهی، در این راه است؛ باید حرکت کنی. ملت ایران این را تجربه کرده است؛ این را باید قدر دانست.

ملت ایران حسینی و عاشورایی وارد میدان شده، در یک انقلاب عظیم و شاید بشود گفت بی نظیر در این سده های طولانی که جلوی چشم ما است - لااقل کم نظیر - پیروز شد. ملت ایران این روش را اتخاذ کرد، تا امروز روز به روز پیش رفت. البته دشمن ها با وسائل تبلیغاتی شان، با بلندگوهای شان حاضر نیستند صریحاً اعتراف بکنند به پیشرفت ملت ایران؛ اما مردم دنیا کور که نیستند، می بینند دیگر؛ ایران دوران طاغوت کجا، ایران جمهوری اسلامی کجا؟ ایران سال ۵۷ کجا، ایران سال ۹۲ کجا؟ در علم، در سیاست، در امنیت، در تسلط بر حوادث منطقه، در تأثیر در حوادث جهان، در امید و اعتماد به نفس، در پیمودن راه عزت و سعادت، امروز کجا، دیروز کجا؟ امروز ملت ایران دارد می تازد به طرف جلو. و ان شاء الله روز به روز

با جوانان، با فرزند شش ماهه - وارد میدان می شود. این یک حادثه عجیبی است؛ یک منظره پرشکوهی است در تاریخ که در مقابل چشم بشریت گذاشته شده است. امام حسین علیه السلام خود را برای یک چنین روزی آماده می کرد.

البته زندگی حسین بن علی علیه السلام - در طول تاریخ زندگی پنجاه و چند ساله آن بزرگوار - همه درس است. دوران کودکی او درس است، دوران جوانی او درس است، در دوران امامت امام حسن علیه السلام رفتار او درس است، بعد از شهادت امام حسن علیه السلام رفتار او همه درس است. این جور نبود که کار امام حسین فقط در آن روز آخر باشد، لکن حادثه کربلا این قدر عظمت دارد، این قدر درخشنده است که مثل خورشیدی همه نورهای دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد؛ و الا خطابه امام حسین علیه السلام خطاب به علما و بزرگان و صحابه و تابعین در منی - که در کتب حدیث ذکر شده است - یک سند تاریخی است؛ نامه آن بزرگوار خطاب به علما و بزرگان و پایه ها و ارکان دینی در زمان خودش؛ «ثُمَّ أَنْتُمْ آيَتُهَا الْعَصَابَةُ، عَصَابَةٌ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ» - که در کتب معتبر حدیث نقل شده است - یک سند تاریخی مهم است؛ رفتارهای آن بزرگوار، برخوردش با معاویه، نامه اش به معاویه، حضورش در کنار پسر در دوران کوتاه خلافت امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام، همه اینها قدم به قدم درس است؛ منتها حادثه عاشورا چیز دیگری است. امروز روز ولادت این بزرگوار است. در این روز باید از حسین بن علی درس آموخت؛ درس حسین بن علی علیه الصلاة والسلام به امت اسلامی این است که برای حق، برای عدل، برای اقامه عدل، برای مقابله با ظلم، باید همیشه آماده بود و باید موجودی خود را به میدان آورد؛ در آن سطح و در آن مقیاس، کار من و شما نیست؛ اما در سطوحی که با وضعیت ما، با خلقیات ما، با عادات ما متناسب باشد چرا؛ باید یاد بگیریم.

روز میلاد حضرت ابا عبدالله الحسین علیه الصلاة والسلام روز با عظمتی است. به فرمایش مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقای تبریزی ملکی - عالم فقیه عارف بزرگوار - عظمت روز سوم شعبان را باید به عنوان پرتوی از عظمت حسین بن علی به حساب آورد و به شمار آورد؛ روز بزرگی است. در این روز کسی متولد شد که سرنوشت اسلام، به او، به حرکت او، به قیام او، به فداکاری او، به اخلاص او بسته بود. این بزرگوار در تاریخ بشریت، یک حرکتی را - که نظیر و شبیهی ندارد - ارائه به تاریخ کرد و در مقابل چشم بشریت گذاشت که هرگز فراموش نخواهد شد؛ الگو است. فداکاری برای هدف الهی، در آن حجم، در آن مقیاس عظیم؛ فداکاری به معنای دادن جان خود، جان عزیزان؛ اسارت حرم اهل بیت، با آن وضع، با آن فجاعت؛ تحمل این حادثه سخت، برای اینکه اسلام بماند، برای اینکه ظلم ستیزی به عنوان یک اصل در تاریخ اسلام و در تاریخ بشریت به یادگار بماند؛ این چیزی است که دیگر نظیری برای آن نمی شود پیدا کرد.

خیلی ها در راه خدا شهید شدند، در رکاب پیغمبر، در رکاب امیر المؤمنین، در رکاب انبیاء الهی، هیچ کدام با حادثه کربلا قابل مقایسه نیست. فرق است بین آن کسی که در میان هلله و تحسین یاران و همراهان به امید فتح و پیروزی وارد میدان می شود، می جنگد و بعد شهید می شود و به خاک هلاک می افتد - که البته اجر بسیار بالایی دارد - و بین آن جماعتی که در یک دنیای تاریک و ظلمانی، در هنگامی که همه سرجنیانان بزرگ دنیای اسلام از همراهی با آنها سر باز می زنند؛ بلکه آنها را بر این اقدام ملامت هم می کنند، امید باری از هیچ کس نیست، کسی مثل عبدالله بن عباس آنها را منع می کند، کسی مثل عبدالله بن جعفر آنها را منع می کند، یاران و مخلصان و علاقه مندان در کوفه از همراهی با او سر باز می زنند، تنهای تنها، فقط با تعداد معدودی از یاران مخلص، و با خانواده - با همسر، با خواهر، با خواهر زاده ها، با برادرزاده ها،





این ادامه خواهد داشت؛ این را به شما عرض بکنم؛ همه قرائن این را نشان می دهد. خب این یک فصل است. در کنار این فصل، این را هم عرض بکنیم که با قطع نظر از سوم شعبان، ما وارد ماه شعبان شدیم. ماه عبادت، ماه توسل، ماه مناجات؛ و اَسْمَعُ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، و اَسْمَعُ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ. فصل مناجات با خدای متعال، فصل مَرْتَبَطُ کردن این دل های پاک با معدن عظمت، با معدن نور؛ این را قدر باید دانست.

این مناجات شعبانیه یک تحفه ای است که در اختیار ما قرار داده شده است. خب ما دعا خیلی داریم، همه این دعاها هم پر از مضامین عالی است، اما بعضی یک برجستگی خاصی دارند. من از امام بزرگوار (رضوان الله علیه) سؤال کردم، گفتم در میان این دعاهایی که از ائمه علیهم السلام رسیده است، شما به کدام دعا بیشتر علاقه مندید و دل بسته اید؟ فرمودند به دعای کمیل و مناجات شعبانیه؛ به این دو دعا.

امام یک دل متوجه به خدا بود، اهل توسل بود، اهل تضرع بود، اهل خشوع بود، اهل اتصال با مبدأ بود؛ وسیله بهتر در چشم او، این دو دعا بود؛ دعای کمیل، مناجات شعبانیه. وقتی انسان مراجعه می کند به این دو دعا، دقت می کند، می بیند چقدر هم شبیه همند این دو دعا؛ شباهت های زیادی به هم دارند؛ مناجات انسان خاشع، مناجات انسان متوکل به خدا؛ كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقْفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ قَدْ أَظْلَمْتُهَا حَسَنٌ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ، فَقُلْتُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ تَعَمَّدَتْنِي بِعَفْوِكَ.

امید؛ امید به مغفرت الهی، به رحمت الهی، به توجه الهی، بلند همی در درخواست از پروردگار؛ الهی هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَ أَنْزِلْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ. ماه شعبان یک چنین ماهی است؛ دل های پاک، دل های نورانی، دل های جوان، از این موقعیت بهره بگیرند، استفاده کنند، رابطه تان را با خدا قوی کنید.

در این راه عظمت و عزتی که ملت ایران در پیش

ضعیف اند که ظلم می کنند؛ چون دستشان با سلاح آشناست، این سلاح را بی محابا به کار می برند؛ ظالمانه، متجاوزانه، خودسرانه؛ خب این خودش عقب رفت است، هم عقب رفت در معیارهای معنوی، هم عقب رفت در محاسبات مادی. روز به روز تمدن غرب دارد مشکلات بیشتری در اطراف خود می تند، و این مشکلات اینها را از پا خواهد انداخت؛ این به خاطر قطع ارتباط با مبدأ هستی است؛ این به خاطر قطع ارتباط با معدن نور و عظمت است؛ فَتَّصِلْ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ، وَ تَصْبِرْ أَوْ رَأْحْنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ. اینها لازم است. امروز برای ملت ایران این زمینه آماده است. ■

دارد، توجه به خدا و توکل به خدا و ارتباط با خدا، یک نقش بزرگ و اساسی دارد. عده ای غافلند، همه اش روی محاسبات مادی محض محاسبه می کنند؛ در محاسباتشان معنویت و کمک الهی و توکل به خدا و حسن ظن به وعده الهی کانه هیچ راهی ندارد. خب این محاسبات مادی را مستکبرین عالم هم دارند می کنند؛ بهتر از شما هم می کنند. چرا روز به روز عقب می روند؟ چرا دچار این همه مشکلات می شوند؟ چرا مجبور می شوند ظلم کنند؟ چرا مجبور می شوند لشکر کشی کنند - به افغانستان، به عراق، به پاکستان - انسان های بی گناه را بکشند؟

«وَ إِنَّمَا يَحْتَجُّ إِلَى الظُّلْمِ ضَعِيفٌ»؛ «آن کسی که ضعیف است احتیاج دارد به این که ظلم بکند».

گزیده ای از بیانات در دیدار افشار مختلف مردم، ۱۳۹۲/۰۲/۲۲



نیم‌نگاهی به ۴۰ سال خدمت مرحوم حاج رضا انصاریان در آستان اهل بیت علیهم السلام

## عشق، ادب و اخلاص

محمد حسینی

خلاصه برای آرام کردن مردم و قلب خودم شروع کردم به زمزمه این واژه‌ها:

حسین آرام جانم

حسین روح و روانم

خلاصه این را تکرار کردم تا کم‌کم همه آرام شدیم. ارادت ویژه ایشان و توسلاتشان به خانم زینب کبری سلام الله علیهاست. ایشان درباره این ارادت و آثار آن می‌گویند: «مرثیه‌های حضرت زینب سلام الله علیها و علی اصغر علیه السلام را هیچ‌گاه به پایان نمی‌برم؛ آن قدر این ذکر مصیبت برابم سنگین است که همیشه آن را نیمه رها کرده و ذکر مداحی را ختم می‌کنم. نسبت به بی‌بی زینب کبری سلام الله علیها حساسیت و ارادات خاصی دارم و معمولاً برای رفع گرفتاری‌هایم نیز دست توسل به دامن این حضرت می‌زنم؛ که اسوه صبر و مقاومت در کربلا هستند؛ و معتقدم هیچ ذکری نمی‌تواند عظمت مصیبت وارده بر این بانوی بزرگوار را بیان کند. آن همه شهید عزیزتر از جانش را به محضر پروردگار تقدیم می‌کند و وقتی جلوی اعداء می‌ایستد به جای ناله محکم می‌گوید که چیزی جز زیبایی ندیده‌ام است.»

حاج رضا انصاریان در سحر میلاد امام و مرادش، امام حسین علیه السلام، در بیست و دوم خرداد ۱۳۹۲ ش. مصادف با سوم شعبان ۱۴۳۴ ق. در ۵۹ سالگی پس از ۴۰ سال خدمت در آستان اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در گذشت و دار فانی را وداع گفت.

مراسم تشییع پیکر مرحوم حاج رضا انصاریان با حضور خانواده ایشان، روحانیان، جمعی از مدیران اجرایی استان خراسان و مسئولان آستان قدس رضوی، شخصیت‌های فرهنگی، مداحان، خادمین حرم مطهر، خیل ارادتمندان

همقدم قافله سالار عشق

ساقی عشاق و علمدار عشق

سرور و سالار سپاه حسین

داده سر و دست به راه حسین و ...

خلاصه حال خوبی در مردم پیدا شد. بعد از تمام شدن مداحی این بندگان خدا آمدند پیش من و گفتند شما کجا بودی تا حالا؛ از فردا هم بیایید در خدمتتان باشیم؛ و بعد هم از من دعوت کردن که شام میهمانشان باشم. آنجا بود که برای اولین بار شله‌مشهدی خوردم.

انصاریان در تمام طول عمر خویش در خدمت اهل بیت علیهم السلام بود و سال‌ها در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام به خدمت زائران و عاشقان امام هشتم اهتمام ورزید. حاج رضا انصاریان با نواهای معنوی و قرائت روضه‌ها، زیارت‌نامه‌ها، ادعیه و همچنین مرثیه‌سرایی در رسای اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، سهم فراوانی در اظهار ارادت و شیفتگی محبان و ارادتمندان به خاندان عصمت و طهارت دارد.

انصاریان درباره این توفیقات ارزشمند می‌گوید: «توفیق خواندن زیارت امین الله، جامعه کبیره و نوحه «حسین آرام جانم» را هم داشته‌ام که این مورد اخیر را که در زیارت عرفه صحن امام خمینی خواندم و الان همه مداحان آن را زمزمه می‌کنند، خودش قصه‌ای دارد. زمانی در کربلا بودم، یک مداح آذری با لهجه شیرینی که داشت، سراغم آمد و گفت که من همیشه آرزو داشتم در کنار شما چند خطی بخوانم، گفتم که بخوان و این جوان با چنان لحن حزینی شعرش را خواند که احوال همه را دگرگون کرد. از او خواستم شعرش را ترجمه کند؛ ولی گفت: نه؛ اینجا جای ترجمه نیست. شما نمی‌توانید طاقتم بیاورید،

«حاج رضا انصاریان» از ستایشگران و ذاکران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و صاحب اثر «صلوات خاصه و بسه یادماندنی امام رضا علیه السلام» است. انصاریان در سال ۱۳۳۳ ش. در شهرستان خوانسار متولد شد، در پنج‌سالگی همراه با خانواده به شهر قم عزیمت کرده و تا سال ۱۳۵۴ ش. در محضر مبارک حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها روزگار گذرانده است. در جوانی به علت مشکلات سیاسی‌ای که با حکومت پهلوی پیدا کرد، تصمیم به مهاجرت گرفت و رهسپار مشهد شد.

انصاریان در گفت‌وگویی با «خبرگزاری مهر» درباره سابقه مداحی برای اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید: «سال ۵۴ یعنی همان سال‌های اول ورودم به مشهد بود، که چرخ زندگی‌مان هم خیلی به‌سختی می‌چرخید، تسوی کوچکه دنبال روضه‌ای می‌گشتم تا بروم آنجا چند قطره اشک بریزم تا سبک شوم. حاج آقای داشت رد می‌شد با لهجه قشنگ مشهدی‌اش گفت که «مخی بری روضه بیا با هم برم»، همراهش رفتم. جمعیت توی مجلس موج می‌زد، کمی که گذشت دیدم خبری نیست. از او پرسیدم که این روضه مداح ندارد؟ و وقتی دیدم که ظاهر آروم روضه‌خوان مشکلی برایش پیش آمده و نمی‌آید، از آنها خواستم بگذارند من مداحی کنم. آن زمان خفقان بود و برپایی روضه و این جور مجالس درد سر ساز می‌شد. خلاصه بنده خدا گفت که «مخی بخنی، یگ چیزی نگی کار دست ما بدی» گفتم نه؛ و شروع کردم به خواندن «ای حرمت قبله حاجات ما

یاد تو تسبیح و مناجات ما

تاج شهیدان همه عالمی

دست علی، ماه بنی هاشمی





## پیام تسلیت آیت‌الله صافی گلیایگانی به مناسبت درگذشت حاج رضا انصاریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انا لله وانا اليه راجعون  
جناب مستطاب آقای حاج محمد تقی انصاریان زید عزّه، درگذشت خادم با اخلاص و مداح و شاعر اهل بیت علیهم السلام مرحوم مغفور جناب آقای حاج آقا رضا انصاریان موجب تأسف و تأثر فراوان اینجانب گردید.

آن مرحوم که سال هاست افتخار خدمتگزاری به آستان ملک پاسبان حضرت علی بن موسی الرضا علیه الاف التحية والثناء را داشت و در درگاه قبله احرار و سلطان آزادگان حضرت سید الشهداء علیه الصلاة والسلام عرض ادب و اخلاص می نمود و در امر تعظیم شعائر دینی و ترویج و نشر معارف ولایبی همت والاداشت، و الحق از موالیان دلسوخته حضرت مولی الموالید امیر المؤمنین (علیه الصلاة والسلام) بود.

اینجانب مصیبت تأثر بار فقدان این نوکر با اخلاص اهل بیت را به جامعه محترم مداحان اهل بیت علیهم السلام و خاندان مکرم انصاریان و فامیل های وابسته، اخوان محترم به ویژه مادر مؤمنه، صالحه و داغدار ایشان تسلیت گفته و از خداوند متعال مزید غفران و رحمت الهی برای آن مرحوم و صبر جمیل و اجر جزیل برای بازماندگان محترم مسألت دارم. ■

سوم شعبان المعظم ۱۴۳۴  
لطف الله صافی

به ساحت مقدس اهل بیت عصمت و طهارت و زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام از مهدیه مشهد تا صحن آزادی حرم مطهر برگزار شد. پیکر این مداح با اخلاص و صاحب نوای همیشگی ماندگار «صلوات خاصه امام رضا علیه السلام» در جوار مولایش آرمید. طبق دستور «آیت الله واعظ طیبی»، تولیت آستان قدس رضوی، پیکر ایشان در پایین پای حضرت رضا علیه السلام دفن شد؛ تا پس از سال ها عرض ارادت خالصانه به پیشگاه آن امام رئوف، برای همیشه میهمان مولای خود بماند.

مراسم تشییع حاج رضا انصاریان با خطبه خوانی به مناسبت درگذشت آن مرحوم در صحن آزادی حرم مطهر برگزار شد و پس از طواف مضجع منور، «آیت الله وحید خراسانی» با خیل عظیم زائران و مجاوران، بر جنازه آن مرحوم نماز میت اقامه کردند. پخش صلوات خاصه با صدای آن مرحوم به همراه روضه ای با نوای گرم و دلنشین از ایشان در رثای حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام حاضران در حرم مطهر رضوی را متأثر کرد.

صلوات خاصه از اجراهای بسیار دلنشین انصاریان است که اغلب ارادتمندان اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لحظات معنوی و خاطر هانگیزی با آن داشته اند. متن صلوات خاصه به شرح زیر است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ بِنِ مَوْسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى  
الإمام التقي النّبوي وَ حَجَّتِكَ عَلَيَّ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثُّرَى الصِّدِّيقِ  
الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرَةً تَأْتِمُرُ بِأَكْبَرِ مَنَاقِبِهِ مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ  
أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِكَ.

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا، امام پسندیده با تقوای بی عیب، و حجتت بر هر که بر زمین، و هر که زیر زمین است، آن راستگوی شهید، درودی بسیار و کامل، و پاک و به هم پیوسته و پیاپی و در پی هم، مانند برترین درودی که بر یکی از اولیای فرستادی.

«علی خوش چهره» از مداحان پیش کسوت مشهد، درباره حاج رضا انصاریان می گوید: «آقای محمدرضا انصاریان قبل از انقلاب، در سال ۱۳۵۴ ش. یا ۱۳۵۵ ش. بود که از شهر قم به مشهد آمدند. آن سال ها در کار قماش مشغول شدند. همان سال ها ایشان اولین بار به همراه بنده به جلسه آقای «مؤید» آمدند و در آنجا صدایشان مورد توجه دوستان قرار گرفت و بعد از آن هم سال ها در خدمت ایشان بودیم، ایشان در این سال ها در جلسه آقای مؤید، مکتب الرضا، جلسات صنف قماش و ... حضور داشتند و بارها به عنوان مداح کاروان به سفر حج مشرف شده بودند. صلوات خاصه با صدای ایشان نمکی دارد که به دل همه شنوندگان می نشیند و در سطح کشور هم توجه بسیاری را به خود جلب کرده است.»

عشق، ادب و اخلاص، سه ویژگی مهم ایشان بود. مداحی را از سنین کودکی، وقتی کلاس پنجم ابتدایی بود آغاز کرد بعد از چندی، به جلسات استاد المادحین مرحوم «حاج ملا حسین مولوی» که انسان وارسته و دریایی از شعر و ادبیات فارسی و عربی، اشیا با آیات و روایات و آگاه به مبانی تفسیر قرآن بود راه پیدا کرد. در کنار تلمذ در محضر استاد مولوی، چند سالی را هم از محضر استاد «ستایشگر» استفاده کرد؛ ایشان در حقیقت، مکمل تمام برنامه های حاج رضا انصاریان در مداحی بودند. به گفته انصاریان، این بزرگان بر حفظ شعر تأکید بسیار داشتند و عقیده شان این بود که مداح باید بر مستمع مسلط باشد، حتما شعر را حفظ کند، اعمال سلیقه در امر انتخاب شعر و مطلب تاریخی را مهم و ضروری می دانستند، شعر باید با آیات، روایات، مقاتل و کتب تاریخی معتبر مطابقت داشته باشد و تأکید داشتند که شعر باید از نظر ادبی قوی و پرمغز باشد.

به نظر ایشان اکثر کتاب های شعری که امروز چاپ می شود، اثری بر آن مترتب نیست و فایده ای ندارد! چرا که می بینیم؛ مثلاً از یک شعر، در ۱۰ کتاب دیگر هم استفاده می شود و همه شعرها تکراری است!

ایشان در انتخاب شعر بسیار توجه کرده و وسواس به خرج می دادند. بعد از جست و جو در کتاب های شعر، شعری را انتخاب می کردند که با طبع و فکرشان هماهنگ باشد. معمولاً شعرها را خدمت استادان برده و از نظر ادبی و روایی درباره شعر سؤال می کردند. مرحوم حاج رضا انصاریان در این زمینه می گوید: «من احساس شرم می کنم وقتی یک مداح، شعر معمولی ساده را اشتباه می خواند؛ یا شعرها و بعضی تعبیرهایی را به کار می برد که هرگز نمی توان در مورد حجت خدا به کار برد. من نمی دانم آنهاهی که روضه دروغ می سازند یا شعرهای سخیف در مداحی می خوانند، آیا نمی دانند که این، گناه بزرگی است؟!»

مرحوم حاج رضا انصاریان از ۲۵ سال قبل، پس از آقایان: حسین زاده، ماهر خسار و کهربائی، به عنوان مداح پیش کسوت مشهد از سوی تولیت آستان قدس رضوی به افتخار خادمی نائل شدند؛ و به عنوان کشیک سوم حرم مشغول به خدمت بودند. خدایش بیامرزد. ■

منبع: خبرگزاری مهر، ماهنامه خیمه و روزنامه شهر آرد مشهد

## برنامه‌ریزی کلان فرهنگی

## برای ستایشگری اهل بیت علیهم السلام با نگاهی بر سند‌های بالادستی نظام

پس از تهیه و تدوین اسناد: «قانون تشکیل هیئت علمی»، «مرام‌نامه ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام» و «سیاست‌های راهبردی بنیاد دعبل خزاعی» - که متن اسناد اول و دوم در شماره‌های پیشین به استحضار رسیده و سند سیاست‌های راهبردی بنیاد در این شماره به استحضار می‌رسد - یکی از دغدغه‌های بنیاد همسویی اقدامات خدماتی، فرهنگی، علمی و رسانه‌ای بنیاد با برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی و مخصوصاً اسناد بالادستی نظام بوده است.

در پرونده پیش رو قصد داریم با نیمی نگاهی به برخی سند‌های بالادستی نظام که به نوعی مرتبط با موضوع ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند، امکان سنجش و ارزیابی اقدامات بنیاد دعبل خزاعی و سایر نهادهای مرتبط با مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم السلام را فراهم کنیم.

از جمله مطالب این پرونده، گفت‌وگو با «علی عظیمی»، رئیس هیئت مدیره بنیاد دعبل خزاعی است. «مروری بر اسناد بالادستی نظام، مرتبط با اقدامات و فعالیت‌های حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام»، «ارزیابی سیاست‌ها در ستایشگری اهل بیت علیهم السلام» و «جایگاه عاشورا در دین و اسناد فرهنگی» مطالبی است که در این پرونده به آنها پرداخته‌ایم.

«هیئت جوانان حضرت علی اکبر»  
 مهدیه منتظران (ع)





مروری بر اسناد بالادستی نظام، مرتبط با اقدامات و فعالیت‌های حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام

# برنامه‌ریزی کلان فرهنگی برای ستایشگری اهل بیت علیهم السلام

محمد حسینی

## اصل سوم قانون اساسی

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد؛ ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر

## سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران

سندی جهت تبیین افقی برای توسعه ایران در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده است. اجرای این چشم‌انداز از سال ۱۳۸۴ ش. و در قالب چهار برنامه توسعه پنج‌ساله آغاز شده است. این چشم‌انداز افق جهت‌گیری کلی فعالیت‌های کشور را در ابعاد مختلف در ۲۰ سال آینده مشخص می‌کند. سال ۱۴۰۴ ش. (۲۰۲۵ م.) افق چشم‌انداز است.

امور فرهنگی، علمی و فن‌آوری

- ۱- اعتلا و عمق و گسترش دادن معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام
- استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل
- تقویت فضایل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده
- برنامه‌ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی

## اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

نظام، به دنبال جایگاه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام در این اسناد هستیم. بی‌تردید تعیین مختصات ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در ساختار کلی فرهنگی و آموزشی، می‌تواند به برنامه‌ریزی‌های فرهنگی جزئی‌تر در هر یک از نهادهای فعال در این حوزه کمک کند. در ادامه گزیده‌ای از اصول و بندهای مرتبط با این موضوع در برخی اسناد بالادستی نظام به استحضار می‌رسد:

## اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا عدل خدا در خلقت و تشریح امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

- اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،
- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،
- نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،
- قسط و عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

تجلیل از مقام والای اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و به‌ویژه سوگواری در عزای ائمه علیهم السلام با کارکردهای مختلف رسانه‌ای، تبلیغی و ... در وجوه مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی زندگی شیعیان ریشه دارد. در طول تاریخ تشیع، شیعیان با گرمی داشت ایام ولادت و با سوگواری در عزاداری‌های اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در پی تبیین ولایت ائمه معصومین علیهم السلام بوده‌اند. در این میان با تغییر و تحولاتی که بنا بر اقتضایات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آداب و رسوم برگزاری سوگواری‌ها به وجود آمده است، لزوم «برنامه‌ریزی فرهنگی» برای جلوگیری از تحریف در محتوای اصیل این آیین‌ها احساس می‌شود. برخی دانشمندان علوم انسانی معتقدند، فرهنگ حاصل اقدامات خودآگاهانه یک اراده حاکم بر جامعه نیست؛ بلکه حاصل مناسبات و کنش متقابل اجتماعی است؛ به این ترتیب امکان تغییرات محتوایی آگاهانه و به عبارت دیگر برنامه‌ریزی فرهنگی به صورت واحد و یک‌دست منتفی است. اما از منظری دیگر، «فرهنگ» به معنای مجموعه‌ای از نمادها، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و هنجارها و «برنامه‌ریزی» به معنای مداخلات هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در مناسبات اجتماعی، می‌تواند زمینه مناسبی را برای تولید فکر، تعیین راه، تنظیم روش و هماهنگی اعمال و انواع مناسبات در جامعه فراهم کند. بنابراین نقش نسبتاً کلیدی برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام‌مندی عرصه‌های مختلف فکری و نرم‌افزاری و ضرورت توجه به مهارت‌های برنامه‌ریزی فرهنگی و تناسب برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در نهادهای مختلف و همسویی آنها با اسناد بالادستی نظام بر کسی پوشیده نخواهد ماند. در این مجال، با مروری بر برخی اسناد بالادستی

## مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی

سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی متخذ از جهان بینی و انسان شناسی اسلامی است و مبتنی بر مبانی و مفاهیمی از این قبیل است:

- حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی و نقش و تأثیر بنیادی اعتقاد به اصول و فروع دینان مانند وحی، نبوت، امامت، عدالت، معاد، تبری و تولی در جامعه اسلامی

- تربیت‌پذیری آدمی و به فعلیت درآمدن استعدادها و خلاقیت‌های وی در طریق پی‌ریزی بنای جامعه‌ای موحد، عدالت‌خواه، دانش‌طلب، متکی بر جهاد و اجتهاد، متصف به اعتدال و واقع‌بینی و نیز بهره‌مند از مباحثات و مبادلات فکری، نقادی‌ها و تحقیقات علمی، عبرت‌آموزی‌ها و تجربه‌اندوزی‌های تاریخی

- اصالت ارزش‌های معنوی و فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی و جایگاه والای تقوی، علم و جهاد در تعیین مرتبه کرامت و فضیلت انسان‌ها

- تأثیرپذیری انسان از عوامل مثبت و منفی محیط اجتماعی و آفات و موانع فرهنگی آن و مسئولیت نظام اسلامی در سالم‌سازی محیط، تحقق قسط و عدل، تأمین حق مشارکت مردم در همه امور با توجه به لزوم زدودن علل و عوامل زمینه‌ساز کفر و نفاق، فقر و فساد، ظلم و استبداد، سلطه و استکبار

## منبئات در سیاست فرهنگی

۱- تلقی نادرست از زهد و ترک دنیا به صورتی که مغایر با تحرک و رشد و آینده‌نگری و پیشرفت اجتماعی باشد.  
۲- بی‌اعتنایی به نظم عمومی و بدبینی تاریخی که نسبت به دولت وجود داشته است.

۳- تصور مغایر بودن شریعت اسلامی با هر گونه نوآوری و مبیانت داشتن تقوا و تعهد با تخصص

۴- مخفی شدن فساد عقیده و اخلاق  
۵- گرایش به راه‌حل‌های شتابزده و خشونت‌آمیز در مورد مشکلات اجتماعی و معضلاتی که نیازمند به تحقیق و تدبیر است.

۶- تشبیه به شرع برای فرار از قانون و بالعکس  
۷- توجیه تخلف از نظم اجتماعی به بهانه عدم سوءنیت

۸- خودداری از قدرشناسی اجتماعی به بهانه پاداش اجتماعی و توقع ایثار

۹- عدم توجه کافی به مراتب خصایل مختلف انسان‌ها و خوب یا بد دانستن آنان به‌طور مطلق

۱۰- عدم توجه به نقش عوامل و مسایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی در اصلاح جامعه و اکتفا کردن به وعظ و نصیحت در هدایت و تربیت دینی و اجتماعی

۱۱- مدون نبودن فلسفه سیاسی و نظریه مدیریت در جامعه با وجود مبادی و مواد اولیه لازم در منابع فقه اسلامی

۱۲- برداشت نادرست از بعضی مفاهیم دینی  
۱۳- تحت‌الشعاع قرار گرفتن حق در مقابل شخصیت

۱۴- رواج بعضی خرافات در پوشش سنن قومی یا عقاید دینی

۱۵- نقد ظاهری سنت‌های خودی با تمسک به ظواهر، سنت‌ها و افکار بیگانه

۱۶- ریاکاری، نفاق، تملق و خطر گسترش آن به صورت اخلاق اجتماعی

۱۷- پرده‌داری، حرمت‌شکنی، قانون‌شکنی و جوسازی به عنوان یک وظیفه دینی یا حرکت انقلابی

۱۸- سوءظن به مردم و میل به تجسس در زندگی شخصی آنان و تفسیر نادرست اعمال آنها و متهم کردن آنان



مناسبت‌های مذهبی

مصوب ششصد و سومین جلسه، مورخ ۱۳۸۶/۰۲/۱۱ ش. در شورای عالی انقلاب فرهنگی تاریخ ابلاغ: ۱۳۸۶/۰۳/۰۶ ش. شماره ابلاغ: ۱۱۲۳۸/د ش

### شرح:

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۰۳ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۱ ش. سیاست‌های سامان‌دهی شئون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی را به شرح ذیل تصویب کرد:

### مقدمه:

نهضت حسینی علیه‌السلام و حماسه عاشورا، تجدید حیات اسلامی و اوج و قله تاریخی مقابله با ستم و ستمگر و احیاء حق‌طلبی و عدالت‌خواهی است که همان روح فرهنگ تشیع است. این واقعه عظیم همواره چون مشعلی فرا راه شیعه، مسلمان‌ها بلکه بشریت در عرصه مواجهه با الحاد، استبداد و استکبار بوده است. بدین سبب همیشه این سرمایه بزرگ و سترگ، در معرض آسیب تحریفات نظری و انحرافات رفتاری بوده است. در روزگار مانیز آفات و انحرافات که مایه وهن این حماسه عظیم است در زمینه مراسم تعزیت و مجالس سوگواری، رخ داده و موجب نگرانی علما، فرهیختگان و ارادتمندان سیدالشهداء علیه‌السلام گشته است.

پدیده‌های ناشایست و ناخوشایندی از قبیل:

(الف) ارتکاب حرکات خلاف موازین شرعی و مخالف جوهر دینی و قدسی حماسه عاشورا

(ب) تظاهر به رفتارهای موهن و غیر معقول و نامناسب با روح عقلائی و حماسی نهضت حسینی علیه‌السلام همچون «قمه زنی»

(ج) استفاده از تصاویر، شمایل و نشانه‌های غیر واقعی ائمه و اولیاء علیهم‌السلام و چاپ گسترده آنها که خلاف قداست و حرمت معصومین و شأن عزاداری آنها است.

(د) ذکر اکاذیب و نسبت مطالب خلاف واقع به ساحت اهل بیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم

... خواندن نوحه‌ها و آوازها و اجراء موسیقی‌های مبتذل و خلاف شئون که باعث مخدوش شدن فضای فکری حماسی و جنبه‌های حزن‌انگیزی و عبرت‌آموزی محرم شده و به این مراسم مقدس جنبه تفننی و تفریحی بخشیده و سبب از بین بردن خاصیت و خصلت آیینی مبتنی بر هویت ایرانی و اسلامی آن می‌گردد.

بنا به مراتب فوق، سیاست‌ها و خط مشی‌های اجرایی ذیل تبیین و معرفی می‌شوند.

۱۹- بی‌اعتنایی به امور و ارزش‌های ملی در جامعه و نیز بی‌حرمتی به فرهنگ و سنن اقوام و ملل دیگر

۲۰- نهی از منکر با توسل به منکرات دیگر

۲۱- بی‌توجهی نسبت به ارزش‌های معنوی، مبانی و مواضع اصولی و غفلت از فریضه دینی - اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر

۲۲- کار خود را ملاک خوب و بد دانستن و قوانین را بنا بر رأی خود تفسیر و اجرا کردن و در مقابل کسی مسئول نبودن

۲۳- غفلت از سوابق غربزدگی و ریشه‌های التقاط و عدم توجه کافی به حل مسائل عصر با رجوع به معارف دینی و مطرح نبودن شیوه‌های درک و فهم فرهنگ‌های دیگر و طرق ارتباط با آنها

۲۴- عوامزدگی و عوام‌فریبی با تکیه بر باورها، عادات و شیوه‌های نادرست رایج در جامعه به نام طرفداری از محروم یا دفاع از دیانت

۲۵- عدم اهتمام به تعاطی افکار و تبادل آراء و تمسک به روش‌های غیر منطقی در برخورد با افکار دیگران و ترجیح راه‌حل‌ها و برخورد‌های سلبی در موارد غیر ضروری

۲۶- بازخواست نکردن از کسانی که قوانین را بنا بر رأی خود تفسیر و اجرا می‌کنند.

برخی امکانات که لزوم آن در این سند پیش‌بینی شده است:

■ افزایش امکانات فرهنگی و هنری مناسب در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، انجمن‌ها و دفاتر و مراکز فعالیت‌های مذهبی و تبلیغی به معنای اخص

■ حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و هنری مراکز مذهبی و تبلیغی در جهت سیاست فرهنگی کشور و افزایش میزان بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌ها و امکانات موجود آنها

### تبصره (ج)

- مراکز و دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی که به نحوی از بودجه دولتی و امکانات عمومی استفاده می‌کنند، موظف‌اند فعالیت‌های فرهنگی خود را در چهارچوب سیاست فرهنگی کشور انجام دهند.

اصول سیاست فرهنگی طی جلسات متعدد مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نهایتاً در جلسه شماره ۲۸۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ به تصویب نهایی رسید.

سیاست‌های ساماندهی شئون فرهنگی در





**فصل اول: سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی**

۱. غنابخشی فکری و محتوایی مجالس و مراسم سوگواری در جهت ارتقاء و تعمیق بصیرت و معرفت افشار و آحاد جامعه درباره فلسفه، عمق و ابعاد و تعلیمات و تبعات حماسه حسینی علیه‌السلام و مقابله با تحریفات و آکاذیب پدید آمده در این زمینه  
 ۱-۱. اهتمام بیشتر به توسعه اندیشه‌ها و نظرات امام راحل، مقام معظم رهبری و متفکران بزرگ از جمله استاد شهید مرتضی مطهری درباره محرم و آیین‌های عزاداری سالار شهیدان علیه‌السلام  
 ۱-۲. تهیه برنامه‌های منظم و منسجم رسانه‌ای برای نقد و بررسی شعر و مداحی و تعزیه خوانی و همچنین مناظره فکری فقهی توسط متخصصان  
 ۱-۳. ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی برای تدوین و ترویج برنامه‌ها و مراسم سوگواری مناسب در بیرون از مرزهای کشور به منظور ایجاد بصیرت و ارتقاء معرفت دینی و خنثی‌سازی نسبت‌های دروغین معاندین و مخالفین فرهنگ و حماسه عاشورای حسینی با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی  
 ۱-۴. تبیین و تشریح فلسفه، ضرورت و نقش تاریخی قیام عاشورا و ارائه تحلیل‌های مناسب از فرآیند شکل‌گیری نهضت حسینی و نفی تحلیل‌های ناصواب غیر منطقی با واقعه عاشورا و شعایر حسینی از طریق رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما با همکاری دستگاه‌های ذیربط فرهنگی

۲. صیانت از روش‌های اصیل و سنتی عزاداری و بررسی راهکارهای تقویت و توسعه آن، متناسب با روح حماسی عاشورا و ذوق، سلیقه و گرایش‌های نسل امروز  
 ۲-۱. اصلاح و صیانت تعزیه‌خوانی و آموزش گروه‌های تعزیه‌خوان

۲-۲. معرفی سبک‌ها، آداب و اشعار و روش‌های اصیل و صحیح عزاداری و تجلیل از پیشکسوتان و مجالس نمونه  
 ۲-۳. نوآوری و تبلیغ سبک‌های جدید متناسب با شئون مراسم سوگواری  
 ۲-۴. برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء کیفیت مداحی و آشناسازی مداحان با سیره زندگانی و مراثی و مقاتل ائمه معصومین علیه‌السلام

۳. زدودن خرافات و انحرافات پدید آمده و رفتارهای موهن و خلاف موازین در زمینه مراسم و برنامه‌های سوگواری

۳-۱. بررسی و انجام مطالعات پیرامون خرافات و بدعت‌ها در نحوه شکل‌گیری و چگونگی نفوذ آن در مراسم و مجالس سوگواری و راه‌های مقابله و رفع آن  
 ۳-۲. برگزاری جلسات کارشناسی و کارگاه‌های آموزشی مستمر با مداحان، روضه‌خوانان و مسئولین هیئت‌های مذهبی توسط سازمان تبلیغات اسلامی و صدا و سیما جمهوری اسلامی

۴. شناسایی و مقابله ریشه‌ای با عناصر و جریان‌های سازمان‌یافته و منحرف تأثیرگذار در مراسم سوگواری ائمه معصومین به‌ویژه سالار شهیدان علیه‌السلام  
 ۴-۱. شناسایی عناصر منحرف و برنامه‌ریزی برای مواجهه مناسب و قانونی با آنان و خطوط فکری جریان‌های سازمان‌یافته و هدایت‌شده و مقابله سنجیده مؤثر با آنها با همکاری دستگاه‌های مسئول قضایی و امنیتی کشور

۴-۲. استفاده از ظرفیت اعزام مبلغ در جهت روشنگری و بدعت‌زدایی

۵. ایجاد ساز و کارهای مناسب جهت ساماندهی و تقویت هیئت‌های مذهبی، مداحان، مدیحه‌سرایان و نهادهای متصدی امر عزاداری  
 ۵-۱. تجلیل از خادمان فرهنگ عاشورایی اعم از سخنرانان، مداحان، شاعران، نویسندگان و مسئولین هیئت‌های مذهبی  
 ۵-۲. انتشار نشریه تخصصی به صورت مستمر، ویژه هیئت‌های مذهبی به منظور تقویت ارتباط و انتقال مفاهیم و موضوعات لازم و نیز متون و مقاتل معتبر  
 ۵-۳. پشتیبانی و تغذیه فکری مبلغین و سخنرانان مذهبی

**فصل دوم: اجرا**

۱. سازمان تبلیغات اسلامی موظف است با همکاری دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی به‌ویژه سازمان صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها نسبت به اجرای سیاست‌ها و خطوط مشی فوق اقدام و گزارش آن را سالانه به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نماید.

۲. ادارات کل استانی سازمان تبلیغات اسلامی موظفند سالانه، گزارش برنامه‌های خود را در جهت تحقق ساماندهی شئون فرهنگی مراسم سوگواری تهیه و برای بررسی و تصمیم‌گیری متناسب با منطقه در چارچوب این طرح به شورای فرهنگ عمومی استان ارائه نمایند. سازمان تبلیغات اسلامی نیز مکلف است، گزارش کلان‌کسوری را به شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت بررسی و تصمیم‌گیری‌های تکمیلی و روزآمد ارائه نماید. این سیاست‌ها مشتمل بر یک مقدمه و دو فصل در جلسه ۶۰۳ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۱ ش. شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

برنامه چهارم توسعه ماده ۱۰۶

دولت مکلف است، به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورهای فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی-ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:

الف) بسط آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی، در میان اقشار مختلف مردم و زمینه‌سازی اقدام‌های لازم، برای ایجاد فضای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن

ب) گسترش فعالیت‌های رسانه‌های ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، سالم‌سازی فضای عمومی، اطلاع‌رسانی صحیح و تحقق سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم، با فراهم آوردن زمینه‌های مناسب انتشار گزارش‌های عملکرد دستگاه‌ها و افزایش امکان دسترسی جامعه به آموزش‌های عمومی، فنی حرفه‌ای، ترویجی و آموزش‌های عالی از طریق شبکه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ج) حمایت از پژوهش‌های راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیت‌های قرآنی  
 د) تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز  
 ه) تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان ایرانگردی و جهانگردی و میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم  
 و) تداوم نهضت قرآن‌آموزی  
 ز) تقویت سهم کتاب‌خوانی در حوزه دین در کشور، خصوصاً مناطق محروم و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی

ح) تهیه طرح جامع، با رویکرد گسترش فرهنگ وقف

۵. امور خیریه  
 ط) به‌کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی  
 ی) حمایت از برنامه‌ریزی، نیازسنجی و ارائه آموزش‌های ضروری به مبلغین دینی در جهت بهبود کیفیت تبلیغات دینی  
 ک) استمرار اجرای طرح ترویج فرهنگ ایثار و شهادت  
 ل) ساماندهی تبلیغات رسانه‌ای، بهبود محتوای کتب درسی، استقرار محیط و ساختارهای حقوقی در جهت حفظ و ارتقای هویت اسلامی-ایرانی، تقویت نهاد خانواده بر اساس تعلیم میراث معنوی جامعه ایرانی

م) تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی در کلیه سطوح اجتماعی برای آموزش، گسترش و تعمیق فرهنگ کار و نظم اجتماعی، شناخت ارزش‌ها و رعایت آن در انجام کلیه فعالیت‌ها  
 ن) تهیه طرح جامع مطالعه و اجرای همگرایی مذاهب، حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم، برای تقویت همگرایی بیشتر میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی در کشور

س) توسعه مشارکت‌های مردمی در عرصه فرهنگ دینی، برنامه‌ریزی و اقدام‌های لازم برای حمایت از هیأت‌های مذهبی و تشکل‌های دینی با رویکرد بهبود کیفیت فعالیت‌ها و پرهیز از خرافات و انحرافات  
 ع) حوزه‌های علمیه از تمامی تسهیلات و معافیت‌هایی که برای سایر مراکز آموزشی و پژوهشی تعیین گردیده یا می‌گردد برخوردار خواهند بود.

ف) به منظور ارتقای پژوهش در خصوص بنیادهای نظری، دینی نظام و پاسخگویی به مسائل مستحدثه در جمهوری اسلامی ایران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم موظف است در برنامه چهارم ساماندهی مناسب را با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های علمی حوزه دین پژوهشی را به انجام رساند.

**برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)**

فصل اول: فرهنگ اسلامی-ایرانی  
 ماده ۳. به منظور تعمیق ارزش‌های اسلامی، باورهای دینی و اعتلای معرفت دینی و تقویت هنجارهای فرهنگی و اجتماعی و روحیه کار جمعی، ابتکار، ترویج فرهنگ مقاومت و ایثار، تبلیغ ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی و گسترش خط و زبان فارسی، دولت مکلف است حمایت‌های لازم را از بخش غیر دولتی اعم از حقیقی و حقوقی در موارد زیر به عمل آورد:

الف) برنامه‌های اجرایی دینی، مذهبی، هنری، فرهنگی، آموزشی و علمی  
 ب) طراحی، تولید، توزیع، انتشار و صدور خدمات و محصولات فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، صنایع دستی و میراث فرهنگی  
 ج) توسعه تولیدات و فعالیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و هنری دیجیتال و نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای و نیز حضور فعال و تأثیرگذار در فضای مجازی  
 د) توسعه و راه‌اندازی مؤسسات، هیئت‌ها و تشکل‌های فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، دینی و قرآنی  
 ...

ماده ۴. در اجرای منشور توسعه فرهنگ قرآنی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت موظف است حداکثر تا پایان سال دوم برنامه، اسناد راهبردی توسعه حوزه‌های آموزش عمومی، تبلیغ و ترویج، پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور را بر اساس پیشنهاد شورای توسعه فرهنگ قرآنی تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران تقدیم کند. ■

حمایت از اهل بیت علیهم السلام فقط یک موضوع تاریخی و تئوری نیست

# برنامه ریزی فرهنگی با نگاهی راهبردی

گفت‌وگو با علی عظیمی

پوریا شیرآسیانی

از اولین اقدامات فرهنگی در بنیاد دعبل خزاعی، تشکیل یک هیئت علمی است که تحت سند «قانون تشکیل هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی» مأموریت‌های راهبردی، پژوهشی و ستادی بن هیئت را دنبال می‌کند. از اولین اقدامات هیئت علمی، تهیه و تألیف «مرام‌نامه ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام» است که در پیشانی آن می‌خوانیم: مرام‌نامه ستایشگری، عهدنامه ذاکران و مداحان اهل بیت علیهم السلام است تا هدف و مقصد مدیحه‌هماره فرارو باشد و غفلت و انحراف از این صراط مستقیم دامن‌گیر نشود. مرام‌نامه ستایشگری و ذاکری معیار و شاخص رفتار مداحان و ذاکران و تعهد و التزام به ساحت ستودگان اهل بیت علیهم السلام است. پیش از این در شماره‌های اول و پنجم، متن مرام‌نامه و مطالب تکمیلی به استحضار رسیده است. حین تهیه و تدوین اسناد: «قانون تشکیل هیئت علمی»، «مرام‌نامه ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام» و «سیاست‌های راهبردی بنیاد دعبل خزاعی» - که متن این اسناد در شماره‌های پیشین به استحضار رسیده است - یکی از دغدغه‌های بنیاد همسویی اقدامات خدماتی، فرهنگی، علمی و رسانه‌ای بنیاد با برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی و مخصوصاً اسناد بالادستی نظام بوده است.

در گفت‌وگویی با «علی عظیمی»، رئیس هیئت مدیره بنیاد دعبل خزاعی، درباره این موضوع و موضوعات مرتبط پرسیده‌ایم. در ادامه پاسخ ایشان به سؤالات «دعبل» را بخوانید:







**دعبل** مالیدن به سر و صورت، جایی دیگر با سنگ زنی، جایی با تشبث گذاری و به همین ترتیب در سراسر جغرافیای عالم تشبث آداب و رسوم متنوع و متعددی را می بینیم. با این توضیح آیا تغییرات محتوایی و قالبی آگاهانه در آداب و رسوم آیین های مرتبط و متأثر از زمان و مکان نیاز هست یا خیر؟

وقتی تاریخ شکل گیری مدح و مداحی را بررسی می کنیم، به مستندات قطعی شیعی درباره آن پی می بریم و متوجه می شویم که خرده فرهنگ های آن نیز در یک چارچوب کلی قرار گرفته است؛ مثلاً گل مالیدن به سر و صورت در یک منطقه، مصداقی از محزون شدن است که در روایات آمده است.

در روایات تأکید بسیاری روی بکاء شده است. حال اگر فرهنگی در آداب و رسوم خود، از این وجه عزاداری غفلت کرده، می توان آن را تثبیت کرد. یعنی در عین حفظ آداب و رسوم محلی و منطقه ای مخصوص آن فرهنگ، می توان آن را بارور و در جهت درست و معطوف به اهداف اصیل آن هدایت، تکمیل و تقویت کرد. معیار و سنجش عملکرد درست با توجه به معارف ارزشی به دست می آید. هر فرهنگی را با معارف ارزشی آن می سنجدند. بنابراین قطعاً فرهنگ های منطقه ای از بین نمی رود؛ ولی آیا تکمیل می شود؟ بله، باید سیر تکاملی در آن فرهنگ وجود داشته باشد؛ تا ما را به آنچه مد نظر ائمه علیهم السلام است، برساند. برای این سیر تکاملی، برنامه ریزی فرهنگی باید با نگاهی راهبردی تدوین شود.

**دعبل** سیاست های راهبردی بنیاد دعبل خزاعی و قانون تشکیل هیئت علمی، تا چه اندازه با ملاحظات مهارت های برنامه ریزی فرهنگی تدوین شده اند؟

برنامه ریزی های فرهنگی باید با نگاهی راهبردی و در هر مرحله با دانش و کاربست مهارت های آن تدوین شود. ما از ابتدا به صورت منسجم و غیر منسجم این کار

معصوم علیهم السلام است. اینکه چه چیزهایی باید به آن اضافه شود یا از آن کاسته شود، به طور دقیق مد نظر امامان معصوم بوده است. در زمان غیبت نیز بزرگان دینی با دقت همین رویه را پیش گرفته اند؛ به این ترتیب یک جامعه شیعی با فرهنگی تحت هدایت امامان معصوم شکل گرفته است.

**دعبل** آنچه شما فرمودید ناظر بر احکام شریعتی و اصول مکتبی تشبث است که به طور طبیعی و به حکم شرع و عقل از مراجع عظام، فقیهان، فیلسوفان و متکلمان شیعی دریافت می شود؛ اما بخشی از آداب و رسومی که متأثر از مقتضیات زمانی و مکانی هستند، چه؟ آیا برنامه ریزی فرهنگی و دانش و مهارت های مربوط به آن در این مباحث و مسائل مبتلابه آنها موضوعیت ندارد؟

من مخالفتی ندارم؛ اما فرهنگ شیعی از قالب های مرسومه که در فرهنگ های مختلف وجود دارد، شکل نگرفته است. فرهنگ شیعی دارای نگرشی حکیمانه از سوی اهل بیت علیهم السلام است. اگر نگاهی تاریخی داشته باشید، متوجه می شوید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از ایشان حضرت علی علیه السلام به خاندان و اصحابشان توصیه می کنند که در صورت وقوع شرایطی خاص به سمت طبرستان و خراسان بروید. در زمان حکومت عباسی تحت شرایط خاصی علویان به سمت ایران راهی می شوند؛ و به این ترتیب فرهنگ ناب علوی در این کشور شکل می گیرد؛ به همین ترتیب ارتباط قلبی با ائمه علیهم السلام در قالب توسل، توجهات و ابراز ارادت کردن، فرهنگ مدح و مداحی برای اهل بیت علیهم السلام را شکل می دهد.

**دعبل** ولی در حال حاضر یک فرهنگ واحد برای مدح و مداحی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وجود ندارد. توسلات و توجهات به ائمه علیهم السلام در قالب های متنوعی ابراز می شوند؛ مثلاً در منطقه ای این توسلات با گل

**دعبل** با توجه به مفهوم «برنامه ریزی فرهنگی» که به عقیده برخی از دانشمندان علوم انسانی، بیشتر از سایر حوزه های مرتبط با این موضوع تابع سلیقه ها و نگرش های متفاوت است، آیا برنامه ریزی فرهنگی در حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز با ملاحظه های این عقیده باید انجام شود یا در این حوزه علاوه بر این، ملاحظات دیگری نیز وجود دارد؟

این مقوله ویژگی هایی دارد که آن را از موارد عام متمایز می کند. ما در مورد مدح و مداحی صحبت می کنیم که گوشه ای از فرهنگ شیعی است؛ در نتیجه ما را وارد فضای بزرگتری می کند. فرهنگ شیعه با عوامل مختلفی ارتباط دارد. در این حوزه، شخصیت ها، حجم ها، معادلات سیاسی و موارد مختلف و مهم

برنامه ریزی های فرهنگی باید با نگاهی راهبردی و در هر مرحله با دانش و کاربست مهارت های آن تدوین شود

دیگری تأثیر گذار هستند. کشور ایران کشوری شیعی است که نمونه آن در جایی وجود ندارد. فرهنگ شیعی در جامعه ما درونی شده و جای خود را مستحکم کرده است. ما از دوران کودکی با مسائل بسیاری برخورد می کنیم و همین طور که نوجوان و جوان می شویم، در مواجهه مستقیم با موضوعات و مسائل گوناگون و حین عمل به موازین و احکام، فرهنگ شیعی در ما شکل می گیرد. شاید در ابتدا فکر کنیم آنچه انجام می دهیم از عرف جامعه نشئت می گیرد؛ اما دقیق تر که می نگریم، همه این فرهنگ در لایه لای روایات جاری است. منظورم این است که ما مسیری را طی می کنیم که بزرگان برای ما ترسیم کرده اند.

ائمه علیهم السلام به فرهنگ شیعی نگاه حکیمانه داشته اند. رفتارهای شیعی ناشی از هدایت های امامان

را انجام داده‌ایم؛ مثلاً بنا بر ضرورت‌های این حوزه، تداوم مدیریت در بنیاد دعبل خزاعی وجود دارد. کسانی که از ابتدا در تأسیس بنیاد نقش داشته‌اند، ضرورتی را در کشور احساس کردند و بر اساس آن ضرورت اساسنامه‌ای تدوین کردند. این اساسنامه شامل نگاه‌های راهبردی است. بعد از مدتی در مقاطع مختلف برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفت. همه این برنامه‌ها با آن نگاه راهبردی صورت می‌گیرد؛ مثلاً شکل‌گیری هیئت علمی از ابتدای تأسیس بنیاد دعبل خزاعی مد نظر بوده است.

حال بعد از شکل‌گیری هیئت علمی باید دید به کجا خواهد رسید. روی این برنامه باید ملاحظات جدی صورت گیرد؛ تا متوجه شویم که آیا با طی این مسیر به هدف مورد نظرمان خواهیم رسید؟ یا این مسیر با هدف و مقصد ما زاویه دارد؟ قطعاً هیئت علمی باید این موضوع را در نظر داشته باشد.

در آینده نیز ممکن است کار گروه‌های تخصصی شعر آیینی را با استادان این حوزه داشته باشیم؛ چون قسمتی از محتوای نظری اقدامات فرهنگی را هیئت علمی تهیه و تدوین می‌کند و قسمت‌هایی از آن نیز نیازمند استادان و متخصصانی است که آن حوزه‌ها نیاز دارند؛ مثلاً همین موضوع شعر و ادبیات. به این ترتیب هیئت علمی کار خود را انجام می‌دهد و کار گروه‌های تخصصی دیگر هم موجب تقویت فعالیت‌ها و اقدامات می‌شوند.

در حقیقت فعالیت‌های ما در بنیاد دعبل خزاعی با یک برنامه‌ریزی فرهنگی در افقی که سندهای «سیاست‌های راهبردی بنیاد دعبل خزاعی» و «قانون تشکیل هیئت علمی» نشان می‌دهند، با نگاهی راهبردی و کلان پیگیری و انجام می‌شوند.

**فعالیت‌های ما در بنیاد دعبل خزاعی با یک برنامه‌ریزی فرهنگی در افقی که سندهای «سیاست‌های راهبردی بنیاد دعبل خزاعی» و «قانون تشکیل هیئت علمی» نشان می‌دهند با نگاهی راهبردی و کلان پیگیری و انجام می‌شوند**

**دعبل در اسناد بالادستی نظام مثل قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی، برنامه‌های توسعه و ... درباره غنابخشی فکری و محتوایی در حوزه فرهنگ و در برخی موارد مشخصاً درباره مجالس سوگواری نکاتی آمده است؛ به نظر شما این موارد نیاز به تفسیر و توضیح دارند یا خیر؟ آیا حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در این اسناد به اندازه کافی مورد توجه بوده؟ یا باید اصول و بندهای مرتبط با این حوزه تقویت و تکمیل شوند؟**

ستاد انقلاب فرهنگی طی یک مأموریت جهت تدوین مهندسی فرهنگی، بخش‌های مهم و تأثیرگذار فرهنگی را در یک کتابچه تعریف کرده است. در جلسه‌ای که با مسئول این پروژه در ستاد انقلاب فرهنگی داشتیم، متوجه شدیم بخش بسیار مهم مدح و مداحی مغفول مانده است؛ پس از توضیحات لازم مقرر شد این بخش را بنیاد دعبل خزاعی که از استعداد لازم جهت این کار برخوردار است، تهیه و ضمیمه کند. قطعاً ملاحظات حضرت تعالی در سؤالان در تدوین این بخش مورد نظر خواهد بود.

**دعبل یکی از دریافت‌های «برنامه‌ریزی فرهنگی» نقشی است که در نظام‌مندی عرصه‌های فکری و نرم‌افزاری جامعه دارد. به نظر شما در حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، «مرام‌نامه ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام» که در بنیاد دعبل خزاعی تهیه و تدوین شد، تا چه میزان می‌تواند به ایفای این نقش کمک کند؟**

تهیه و تدوین مرام‌نامه ستایشگران کار بسیار بزرگی بود و نیاز آن احساس می‌شد. این کار تا به حال به صورت امری مورد اتفاق و اجماعی در بین جامعه مداحان عرضه شده و مورد پذیرش قرار گرفته است. این موضوع از توفیقاتی است که شامل حال بنیاد دعبل خزاعی شده است.

مرام‌نامه ستون فقراتی برای انجام کارهای دیگر است. اگر ما یک پایه و بنیانی را برای انجام کارهای خود نداشته باشیم، کارها متوقف می‌شود و گاهی ممکن است اصطکاک داشته باشند. ممکن است اقدامات مختلف به جای هم‌افزایی یکدیگر را خنثی کنند. با ارائه این مرام‌نامه به جامعه مداحان و مورد پذیرش قرار گرفتن آن، می‌توان نتیجه و آینده کار را مشخص کرد و حرکت خود را ادامه داد. تهیه مرام‌نامه کار بسیار مبارکی بود. قطعاً و یقیناً این کار بسیار مثبت بود و زمینه را برای کارهای بعدی فراهم می‌کند.

**دعبل برای اینکه «مرام‌نامه ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام» بیشتر در دسترس مخاطبان آن قرار گیرد، چه تدبیری اندیشیده‌اید؟**

بندبند مرام‌نامه جای کار دارد. ما باید ویتیرینی داشته باشیم که در منظر دید همه مداحان قرار گیرد؛ و باید چینی‌شی که در آن ویتیرین انجام می‌دهیم بر اساس اصول مرام‌نامه باشد؛ بنابراین در بنیاد دعبل خزاعی تلاش بسیاری داشتیم تا پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد به عنوان سایتی محوری مطرح شود و مقبول جامعه مداحان باشد؛ تا اگر مداحان بخواهند خود را در فضای مداحی قرار دهند، نیاز داشته باشند اخبار و محتوای سایت را مطالعه کنند. اگر این روند ادامه یابد، این سایت به درگاه مورد نیاز جامعه مداحان تبدیل می‌شود و این به عنوان مثال یک راه برای عرضه مرام‌نامه و سایر محصولات و خدمات بنیاد به مخاطباتش است.

**دعبل در بند سوم سند سیاست‌های راهبردی بنیاد می‌خوانیم: «جامعه هدف بنیاد دعبل، ستایشگران اهل بیت اعم از ذاکران، مداحان و شاعران مذهبی هستند؛ کیفیت و کمیت ارائه خدمات به این گروه‌ها به شکلی خواهد بود که هویت دعبل در جمع همه این گروه‌ها تعریف شود؛ نه یکی از آنها؛ الان این گونه نیست و کفه مداحان نسبت به شاعران آیینی سنگین‌تر است. برنامه‌ای برای تحقق این بند از سند در دست اقدام هست؟**

موضوع شعر برای مداحان اهمیت زیادی دارد. مداحان برای تأثیرگذاری مطلوب و درست باید محتوای خوبی را به دور از خرافه و افراط و تفریط در دسترس خود داشته باشند. بخش شعر آیینی بنیاد دعبل خزاعی در آینده

به هویتی مستقل دست می‌یابد و در کنار هیئت علمی فعالیت خواهد کرد. تلفیق اقدامات این دو باید خروجی ما را در حد استاندارد تأمین کند. ما روی این دو قسمت در حال فعالیت هستیم.

اهمیت موضوع شعر در این است که مثلاً اگر در آینده احتیاج داشته باشیم مسائل مبتلابه جامعه شیعه در سطح بین‌الملل بیان شود، زبان شعر بستر بسیار مناسبی است؛ مثل بحث لبنان و علوی‌ها، احتجاج با وهابیت و سلفی‌ها با نگاه شیعی و موضوعاتی از این قبیل؛ چون حمایت از اهل بیت علیهم‌السلام فقط یک موضوع تاریخی و تئوری نیست، حمایت کردن از آرمان‌هایی است که هر زمان جلوه و ظهور و بروز خود را دارند. گاهی این ظهور بروز در حزب‌الله لبنان و زمانی در مقاومت علویان است. شاید امروز این توان را نداشته باشیم، ولی در آینده باید به آنها بپردازیم. اینها در دستور کار بنیاد هست و ان شاء الله پیگیری می‌شود.

**یکی از بخش‌های مهم و تأثیرگذار که می‌تواند فرهنگ را شکل دهد بخش مدح و مداحی است**

**دعبل از اولین موضوعاتی که در نشست‌های هم‌اندیشی در بنیاد دعبل خزاعی روی آن تأکید شده، تقسیم کار و تلاش برای هم‌افزایی نهادهای فعال در این حوزه است. آیا این هنوز جزو اولویت‌های بنیاد هست؟**

مخاطب ما جامعه شیعی و برنامه‌هایمان ملی است. اگر با نگاهی فراخ‌تر به موضوع نگاه کنیم، آرمان‌های شیعی مرز ندارد و بین‌المللی است. مداحی و توسل و ابراز ارادت به اهل بیت علیهم‌السلام فراتر از مرزهای ما قرار دارد؛ بنابراین برای اینکه به اهدافمان دست یابیم، قطعاً نمی‌توانیم بین خودمان و فعالیت‌هایمان تفکیک کنیم؛ بلکه باید نیروهای همسورا بباییم و هم‌افزایی و جریان‌سازی کنیم. ما باید شرایط را فراهم کنیم تا نیروهای مستعد و علاقه‌مند فضاهای خالی را پر کنند. نیروها باید منسجم شوند و هر یک مسیر معینی را طی کنند؛ بنابراین ما هر چه سرمایه‌گذاری کنیم، اگر انسجامی وجود نداشته باشد، فایده‌ای نخواهد داشت. ما باید واسطه باشیم تا هماهنگی را در جامعه ایران و جوامع شیعی بین‌المللی گسترش دهیم.

**دعبل برای تکمیل مباحثی که مطرح شد، اگر نکات و ملاحظات هست، بفرمایید.**

جدای از تدبیرهایی که قصد انجام آن را داریم، به خود نیز تذکر می‌دهم که این کار گوشه‌ای از کل فعالیت‌هایی است که فکر می‌کنیم مد نظر اهل بیت علیهم‌السلام است. در نتیجه اگر مطیع باشیم و هوای نفس نداشته باشیم و رضای اهل بیت علیهم‌السلام را در نظر بگیریم، توفیق نیز خواهیم داشت. این نکته را باید مد نظر داشته باشیم که اخلاص در این کار ضامن انجام آن است. اگر اخلاص را از دست بدهیم، موفق نخواهیم بود. اگر می‌دانیم که یک نفر کاری را می‌تواند بهتر از ما انجام دهد، باید به او کمک کنیم. ما می‌توانیم آنچه را روی زمین مانده است، با یک یا علی و یا حسین بلند کنیم و با خلوص نیت آن را انجام دهیم. اگر این طور باشد خدمات توسعه می‌یابد؛ ولی اگر این طور نباشد مشکلات رفع نخواهد شد. ■





ارزش‌ها الهام‌بخش هنجارها و هنجارها جهت‌دهنده رفتارها هستند

# ارزیابی سیاست‌ها در ستایشگری اهل بیت علیهم السلام

مجید مبینی

زمینه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام مطرح کرده است: الف) ارتکاب حرکات خلاف موازین شرعی و مخالف جوهر دینی و قدسی حماسه عاشورا (ب) تظاهر به رفتارهای موهن و غیر معقول و نامناسب با روح عقلانی و حماسی نهضت حسینی علیهم السلام همچون قمه زنی (ج) استفاده از تصاویر، شمایل و نشانه‌های غیر واقعی ائمه و اولیاء علیهم السلام و چاپ گسترده آنها که خلاف قداست و حرمت معصومین و شأن عزاداری آنها است. (د) ذکر اکاذیب و نسبت مطالب خلاف واقع به ساحت اهل بیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (ه) خواندن نوحه‌ها و آوازها و اجرای موسیقی‌های مبتذل و خلاف شئون که باعث مخدوش شدن فضای فکری، حماسی و جنبه‌های حزن‌انگیزی و عبرت‌آموزی محرم شده و به این مراسم مقدس جنبه تفننی و تفریحی بخشیده و سبب از بین بردن اصابت و خصلت آیینی مبتنی بر هویت ایرانی و اسلامی آن می‌گردد.

طراحی سیاست در ستایشگری اهل بیت علیهم السلام در ادامه، فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام، شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از شناخت مسئله و نیز طی کردن مراحل تعیین دستور کار، تجزیه و تحلیل و گزینه‌سازی و انتخاب گزینه، در بخش طراحی سیاست، پنج محور اصلی را برای حل مسائل و مشکلات موجود ارائه کرده است. این محورها عبارتند از: «فنابخشی فکری، حفظ عزاداری سنتی در عین نوآوری، مقابله با خرافات و رفتارهای موهن، مقابله با جریان‌ها و عناصر منحرف در عزاداری، تقویت برگزاری عزاداری، ابعاد هر یک از این محورهای پنجگانه، به صورت اجمال چنین است:

## ۱. غنابخشی فکری:

طرح اندیشه‌های امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و شهید آیت‌الله مطهری در مجالس نقد شعرهای مداحی در رسانه ایجاد پایگاه اینترنتی برای تبلیغ مراسم سوگواری و دفاع از آن در بیرون از مرزها تبیین فلسفه عاشورا در رسانه

اسلامی ایران موظف است ... همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
  ۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها ...»
- با توجه به تأکید قانون اساسی مبنی بر وظیفه حاکمیت در زمینه اعتدالی معنوی افراد جامعه، شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام به سیاست‌گذاری فرهنگی در عرصه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام نموده است.
- هر نوع سیاست‌گذاری دارای بخش‌های ذیل است:
۱. شناخت، درک و بیان مسئله
  ۲. تعیین دستور کار
  ۳. تجزیه و تحلیل و گزینه‌سازی
  ۴. انتخاب گزینه
  ۵. طراحی سیاست
  ۶. اجرا و به کارگیری خط مشی
  ۷. ارزیابی

با توجه به تعریف فرهنگ ستایشگری اهل بیت علیهم السلام را می‌توان یک هنجار برآمده از ارزش محبت به اهل بیت علیهم السلام دانست و از این رو ستایشگری اهل بیت بخشی از فرهنگ اسلامی است و قابلیت آن را دارد که سیاست‌گذاری فرهنگی درباره آن اعمال شود

این مراحل هفت‌گانه را می‌توان در قالب سه مرحله تدوین و تنظیم، اجرا و ارزیابی تعریف کرد. در ادامه با توجه به این مراحل، سیاست‌گذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه مجالس اهل بیت علیهم السلام بیان می‌شود که بخش عمده‌ای از آن معطوف به مداحی است.

شناخت مسئله در ستایشگری اهل بیت علیهم السلام در مرحله شناخت مسئله، شورای عالی انقلاب فرهنگی مسائل ذیل را به عنوان بخشی از مشکلات و مسائل موجود در

سیاست‌گذاری عمومی یا خط‌مشی‌گذاری عمومی، به «هر آنچه دولت (حکومت) تصمیم به انجام یا عدم انجام آن می‌گیرد» اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup> سیاست‌گذاری عمومی بر نام‌ریزی و تصمیم‌گیری سازمانی متفاوت است، چرا که سیاست‌گذاری اقدامی است که از سوی حکومت انجام می‌گیرد و کلان‌نگر و بلندمدت است، اما بر نام‌ریزی و تصمیم‌گیری سازمانی عموماً در محدوده وظایف یک سازمان است و خردنگر و کوتاه مدت است.

یکی از انواع سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری فرهنگی است. سیاست‌گذاری فرهنگی به اراده حکومت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است. (همان)

فرهنگ را می‌توان این‌گونه نیز تعریف کرد: «نظامی (سیستمی) است متشکل از اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها، نمادها، فناوری‌های اجتماعی و فناوری‌های مادی که این اجزاء با یکدیگر در تعامل اند و رابطه‌ای متقابل دارند.» تفاوت ارزش و هنجار آن است که ارزش، مفهومی ذهنی بوده و در مرحله نظر قرار دارد، در حالی که هنجار مفهومی کاربردی‌تر داشته و در مرحله عمل قرار دارد.<sup>۲</sup> به عنوان مثال، احترام به والدین یک ارزش است و صدا نزدن والدین با نام کوچک و جلوتر از آنها راه نرفتن، هنجارهایی مبتنی بر آن ارزش است. ارزش‌ها الهام‌بخش هنجارها هستند و هنجارها، جهت‌دهنده رفتارها هستند.

با توجه به تعریف فرهنگ، ستایشگری اهل بیت علیهم السلام را می‌توان یک هنجار برآمده از ارزش محبت به اهل بیت علیهم السلام دانست و از این رو، ستایشگری اهل بیت علیهم السلام بخشی از فرهنگ اسلامی است و قابلیت آن را دارد که سیاست‌گذاری فرهنگی درباره آن اعمال شود.

اما با توجه به اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی، حکومت تا چه حد مجاز به سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ از جمله سیاست‌گذاری ستایشگری اهل بیت علیهم السلام است؟

اصل سوم قانون اساسی می‌تواند بیان‌کننده محدوده اختیارات و وظایف فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در این عرصه باشد. در این اصل آمده است: «دولت جمهوری

ترویج اسلام برای فعالان حوزه فرهنگ دینی ارزش محسوب می‌شود

# برنامه‌ریزی فرهنگی ۱

## دینا قاسمی



روز عاشورا، نظیر: زنجان، اردبیل، بازار تهران، یزد و (... گفت و گوها و مباحث کارشناسی و سخنرانی‌های مذهبی در ساعات گوناگون و بخش برنامه‌ها از حرم رضوی و یا کربلائی معلا و ... نمونه‌های بارز برنامه‌ریزی است؛ که هر ساله با تغییراتی، سیاست‌گذاری‌ها را با توجه به اهداف کلی و ارزش‌های شیعی جامعه ما عملیاتی و اجرایی کند.

در یک جمع‌بندی کلی رابطه بین چهار مفهوم سابق‌الذکر مطابق نمودار زیر قابل مشاهده است.



با عنایت به آنچه گفته شد، بنیاد دعبل خزاعی به عنوان یکی از مجموعه‌های فعال در حوزه ستایشگری اهل‌بیت علیهم‌السلام تلاش می‌کند با رویکردی علمی، مطابق با ارزش‌ها و آرمان‌های شیعی، ضمن تعریف اهداف کلان خود در ارتباط با جامعه‌مادحان اهل‌بیت صلوات الله علیهم اجمعین، سیاست‌هایی را متناسب با مخاطبان خود تدوین و اجرا کند. تأسیس هیئت علمی بنیاد زیر نظر استادان مجرب دانشگاه و برگزاری جلسات مداوم علمی و نشست‌های تخصصی از جمله سلسله‌نشست‌های «شعر هیئت» در سال ۱۳۹۲ ش. بخشی از برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته ذیل سیاست کلی ورود علمی به حوزه مزبور است.

در یادداشت‌های بعدی موضوعات و محورهای مرتبط با این حوزه را بیشتر تشریح می‌کنیم. ■

بناست در این ستون به موضوع برنامه‌ریزی فرهنگی به عنوان بخش مهمی از فعالیت‌های فرهنگی بپردازیم. ناگفته پیداست که عدم توجه کافی به برنامه‌ریزی فرهنگی موجب هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی می‌شود. موازی‌کاری نهادهای گوناگون در حوزه فرهنگ (در اینجا مقصود فعالیت‌های حوزه دین و تبلیغ دینی است). نمونه‌ای روشن از عدم برنامه‌ریزی فرهنگی در کشورمان است. قرار است زین پس در این ستون نکاتی در ارتباط با برنامه‌ریزی فرهنگی جهت بهره‌برداری دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ به‌ویژه تبلیغ دین طرح نماییم.

### ارزش، هدف، سیاست، برنامه‌ریزی

گام نخست برای درک بهتر محتوای این سلسله یادداشت‌ها، تعریف برخی مفاهیم پایه‌ای است. «ارزش» عبارت است از ترجیحات و اولویت‌هایی که انسان‌ها در منش زندگی خود چه مادی و چه معنوی قایل می‌شوند. این اولویت‌ها ناشی از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی هستند. به عنوان مثال ترویج اسلام برای فعالان حوزه فرهنگ دینی ارزش محسوب می‌شود. دومین مفهوم پایه‌ای «هدف» است. هدف عبارت است از مقاصد کلی و البته دقیق که در زمینه‌های گوناگون دنبال می‌شوند؛ تا ارزش‌های خاص را محقق کنند. به بیان دیگر اهداف مجموعه‌ای از معیارهای کلی و منطقی بر ارزش‌ها هستند. اهداف ماهیتاً خردتر و متنوع‌تر از ارزش‌ها هستند. مجموعه‌ای از اهداف در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ممکن است به ارزشی خاص رهنمون شوند. گرمی‌داشت عاشورا و امام حسین علیه‌السلام از سوی هیئات مذهبی در این منظر هدفی است که ترویج آموزه‌های دین اسلام را به عنوان ارزش دنبال می‌کند.

سیاست‌گذاری در حد کلان عبارت است از مجموعه راهکارهایی کلی که برای دستیابی به هدف خاص طرح می‌شوند

«سیاست» هادر درجه‌ای پایین‌تر از هدف قرار می‌گیرند. رابطه سیاست با هدف همچون رابطه هدف با ارزش است. برای دستیابی به یک هدف خاص اجتماعی یا سیاسی می‌توان به اتخاذ سیاست‌هایی مبادرت ورزید. بنابراین سیاست‌گذاری در حد کلان عبارت است از مجموعه راهکارهایی کلی که برای دستیابی به هدف خاص طرح می‌شوند. تلویزیونی شدن و رسانه‌ای شدن عزاداری‌های شیعه نمونه‌ای واضح از سیاست‌گذاری در این حوزه است. مثال دیگر بهره‌برداری از قابلیت‌های رسانه‌های نوین در هیئات مذهبی است؛ پیامک برای دعوت به هیئت و بلوتوث برای ارسال فایل‌های صوتی و تصویری در هیئات، حتی هیئت‌های سنتی!

در نهایت این سیاست‌ها به سیاست‌های خرد تبدیل می‌شوند که مجریان آن و حوزه‌های مربوط را که بار سیاست بر دوش آنهاست، نشان می‌دهند؛ و سپس برنامه‌ریزی‌های خرد توسط مدیران به اجرا در خواهند آمد. چگونگی پوشش تلویزیونی هیئات گوناگون (در

### ۲. حفظ عزاداری سنتی در عین نوآوری:

اصلاح و گسترش تعزیه‌خوانی معرفی شیوه عزاداری صحیح و تجلیل از پیشکسوتان و مجالس نمونه نوآوری و تبلیغ سبک‌های جدید آشناسازی بیشتر مداحان با اهل‌بیت علیهم‌السلام

### ۳. مقابله با خرافات و رفتارهای موهن:

مطالعه پیرامون خرافات (شکل‌گیری و نفوذ در مجالس، مقابله) جلسات آموزشی برای مداحان و مسئولان هیئت‌ها

### ۴. مقابله با جریان‌ها و عناصر منحرف:

شناسایی جریان‌ها و عناصر منحرف برنامه‌ریزی برای مقابله با آنان مانند استفاده از مبلغان برای روشنگری، استفاده از دستگاه‌های امنیتی و قضایی

### ۵. تقویت عزاداری:

تجلیل از خادمان فرهنگ عاشورایی (مداح، سخنران، مسئول هیئت، شاعر، نویسنده و ...) انتشار نشریه تخصصی پشتیبانی فکری مبلغان به طور خلاصه سیاست‌های ارائه‌شده را می‌توان در چارچوب حفظ عزاداری سنتی، ارتقای کمی و کیفی آن و نیز مقابله با آسیب‌های فکری و عملی دانست.

اجرای سیاست‌ها در ستایشگری اهل‌بیت علیهم‌السلام پس از طراحی سیاست، نوبت به اجرای سیاست‌ها می‌رسد که شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی را مسئول اصلی اجرای سیاست‌های اعلام شده دانسته است: «سازمان تبلیغات اسلامی موظف است با همکاری دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی به‌ویژه سازمان صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها نسبت به اجرای سیاست‌ها و خطوط مشی فوق اقدام و گزارش آن را سالانه به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نماید.»

### ارزیابی سیاست‌ها در ستایشگری اهل‌بیت علیهم‌السلام

آخرین مرحله از سیاست‌گذاری، ارزیابی است. هر چند که این مرحله نیز همانند مراحل پیشین، بر عهده سیاست‌گذار است، اما هر یک از افراد و مجموعه‌های مرتبط با حوزه ستایشگری اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز می‌توانند ضمن تلاش برای اجرای سیاست‌ها، به ارزیابی آن نیز بپردازند و پیشنهادها را برای بهبود اجرا شدن آن ارائه دهند که برای نمونه به دو مورد ذیل اشاره می‌شود.

انتشار نشریات تخصصی یکی از سیاست‌های اعلام‌شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای حل مسائل و مشکلات عرصه ستایشگری اهل‌بیت علیهم‌السلام مطرح شده است، اما به نظر می‌رسد بسنده کردن به تعداد انگشت شمار نشریات این عرصه، نخواهد توانست آن‌گونه که لازم است تحول‌آفرین باشد، بنابراین افزایش کمی و کیفی نشریات این عرصه پیشنهاد می‌شود. همچنین برخی از سیاست‌های طراحی‌شده، ناظر به استفاده از رسانه‌ها و به‌طور خاص صدا و سیما است که به نظر می‌رسد در اجرا با کاستی‌هایی همراه بوده است، از این رو لازم است که با تقویت بخش رسانه‌ای بنیاد دعبل، اقدام به تهیه و تولید برنامه‌هایی برای پخش از صدا و سیما نمود. ■

پی‌نوشت:

- ۱- مجید وحید، سیاست‌گذاری فرهنگی، فصلنامه سیاست، ش ۳، پاییز ۱۳۸۶، ص ۲۸۷
- ۲- value
- ۳- Norm
- ۴- حسام‌الدین آشنا و حسین رضی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ش ۴، تابستان ۱۳۷۶، ص ۲۰۷





درباره جایگاه محتوای عاشورا، همین قدر می‌گوییم که عین دینداری و عبادت خدا است

# جایگاه عاشورا در دین و اسناد فرهنگی

رضا بابایی

**دو.** صیانت از روش‌های اصیل و سنتی عزاداری و بررسی راهکارهای تقویت و توسعه آن، متناسب با روح حماسی عاشورا و ذوق، سلیقه و گرایش‌های نسل امروز...  
**سه.** زدودن خرافات و انحرافات پدیدآمده و رفتارهای موهن و خلاف موازین در زمینه مراسم و برنامه‌های سوگواری، از طریق برگزاری جلسات کارشناسی و کارگاه‌های آموزشی مستمر با مداحان، روضه‌خوانان و مسئولین هیئت‌های مذهبی توسط سازمان تبلیغات اسلامی و صدا و سیما جمهوری اسلامی.  
**چهار.** شناسایی و مقابله ریشه‌ای با عناصر و جریان‌های سازمان‌یافته و منحرف تأثیرگذار در مراسم سوگواری ائمه معصومین به‌ویژه سالار شهیدان علیه‌السلام...

**پنج.** ایجاد ساز و کارهای مناسب جهت ساماندهی و تقویت هیئت‌های مذهبی، مداحان، مدیحه‌سرایان و نهادهای متصدی امر عزاداری...

این مصوبه، سپس سازمان تبلیغات اسلامی را مأمور به اجرا و عملیاتی کردن اهداف و برنامه‌های پیش‌گفته کرده است. نیز سازمان مذکور می‌بایست در این راه، از امکانات و همفکری دیگر ارگان‌های فرهنگی کشور، همچون دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، به‌ویژه سازمان صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها بهره‌گیرد.

۴. ذکر اکاذیب و نسبت مطالب خلاف واقع به ساحت اهل بیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم  
۵. خواندن نوحه‌ها و آوازها و اجرای موسیقی‌های مبتذل و خلاف شئون

پس از این، سند مذکور برای جلوگیری از آسیب‌های بالا، راهکارهای زیر را پیشنهاد می‌کند:  
**یک.** غنابخشی فکری و محتوایی مجالس و مراسم سوگواری در جهت ارتقاء و تعمیق بصیرت و معرفت اقشار و احاد جامعه درباره فلسفه، عمق و ابعاد و تعلیمات و تبعات حماسه حسینی علیه‌السلام و مقابله با تحریفات و اکاذیب پدیدآمده در این زمینه؛ با اهتمام بیشتر به توسعه اندیشه‌ها و نظرات امام راحل، مقام معظم رهبری و متفکران بزرگ از جمله استاد شهید مرتضی مطهری درباره محرم و آیین‌های عزاداری سالار شهیدان، و نیز تهیه برنامه‌های منظم و منسجم رسانه‌ای برای نقد و بررسی شعر و مداحی و تعزیه‌خوانی و همچنین مناظره فکری فقهی توسط متخصصان، و ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی برای تدوین و ترویج برنامه‌ها و مراسم سوگواری مناسب در بیرون از مرزهای کشور به منظور ایجاد بصیرت و ارتقای معرفت دینی و خنثی‌سازی نسبت‌های دروغین معاندین و مخالفین فرهنگ و حماسه عاشورای حسینی با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی...

در ششصد و سومین جلسه شورای انقلاب فرهنگی در (۱۳۸۶/۰۲/۱۱) که درباره شئون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی بوده است، سندی متولد می‌شود که آغاز آن این‌گونه است: «نهضت حسینی و حماسه عاشورا، تجدید حیات اسلامی و اوج و قله تاریخی مقابله با ستم و ستمگر و احیای حق‌طلبی و عدالت‌خواهی است که همان روح فرهنگ تشیع است. این واقعه عظیم همواره چون مشعلی فرا راه شیعه، مسلمان‌ها بلکه بشریت در عرصه مواجهه با الحاد، استبداد و استکبار بوده است. بدین سبب همیشه این سرمایه بزرگ و سترگ، در معرض آسیب تحریفات نظری و انحرافات رفتاری بوده است. در روزگار ما نیز آفات و انحرافات رفتاری بوده حماسه عظیم است، موجب نگرانی علما، فرهیختگان و ارادتمندان سیدالشهداء علیه‌السلام شده است.» سپس شماری از عواملی که «موجب نگرانی علما، فرهیختگان و ارادتمندان سیدالشهداء علیه‌السلام شده است» را نام می‌برد. بدین شرح:

۱. ارتکاب حرکات خلاف موازین شرعی و مخالف جوهر دینی و قدسی حماسه عاشورا
۲. تظاهر به رفتارهای موهن و نامناسب با روح عقلانی و حماسی نهضت حسینی، همچون «قمه زنی»
۳. استفاده از تصاویر، شمایل و نشانه‌های غیر واقعی ائمه و اولیاء و چاپ گسترده آنها



به گمان نویسنده این مقاله، مشکلات و آسیب‌های «مناسبت‌های مذهبی» با چنین مصوبه‌هایی و حتی با عمل به آنها، کاهش چشمگیری نمی‌یابد. زیرا مشکل و آسیب اصلی در جایی دیگر است. تا آنکه که ریشه تحریفات سوزانده نشود، مبارزه با یک‌یک آنها مانند جنگیدن با یک‌یک جانوران مودی است. هر یک از ما قادر است هر جانور مودی یا هر عامل مزاحمی را نابود کند؛ اما تا آنکه که لانه و آشیانه این جانوران، آباد است، مبارزه با تحریفات، آب در هاون کوبیدن است. اگر غیر از این بود، باید تألیف کتاب‌هایی همچون لوه لوه مرجان محدث نوری و فریادهای شهید مطهری، کار را تمام می‌کرد؛ اما آفات و تحریفات همچنان پا بر جا و استوار در میان بسیاری از برنامه‌های مذهبی ما جا خوش کرده‌اند و سر آن ندارند که دست از این درخت و شاخه‌های سبز آن بردارند. ریشه و لانه آفات، که جای آن در مصوبه مذکور خالی است، به گمان نگارنده، غفلت از سه نکته مهم است: **یک.** جایگاه‌شناسی عاشورا **دو.** تحریفات سلبی **سه.** دشمن‌شناسی واقعی

**یک. جایگاه‌شناسی عاشورا**

جای خالی جایگاه‌شناسی عاشورا و نهضت کربلا، رخنه‌ای است که از راه آن، آفت‌ها و آسیب‌ها هجوم می‌آورند. البته این گونه هم نیست که با شناخت جایگاه عاشورا، همه مشکلات حل و فصل می‌شود؛ اما این اطمینان وجود دارد که تکلیف بخش عظیمی از آنها روشن گردد. به سخن دیگر، تا جایگاه عاشورا در دین به درستی تبیین نشود، هجوم بی‌در پی تحریفات ادامه دارد و کوشش‌های روشنگرانه آگاهان، کمترین نتیجه را می‌دهد. بهترین و مؤثرترین آفت‌زدایی، بستن رخنه‌ها و

**بی‌اعتنایی برخی عزاداران به نماز اول وقت در روز عاشورا یا زیر پا گذاشتن حقوق همسایه و رهگذران در روزهای عزاداری که گه‌گاه رخ می‌دهد از دیگر نمودهای گسستگی میان برخی عزاداری‌ها با روح دینداری است**

سوراخ‌ها است، نه مبارزه تن‌به‌تن با یک‌یک آفت‌ها. رخنه اصلی که راه ورود آفات و آسیب‌ها را به فرهنگ عاشورایی باز کرده است، جدا کردن عاشورا از مجموعه دین و تبدیل آن به منطقه خودمختار است. بدین ترتیب، این منطقه مقدس، دچار حکومت‌های ملوک‌الطوایفی شده است و هر روز، گروهی از حاکمان بر آن حکم می‌رانند و قانون و برنامه‌های خود را در آن به اجرا می‌گذارند. تنها راه نجات این سرزمین پاک، برگرداندن آن به جایگاه اصلی خود است. بنابراین در حال حاضر، شاید بهترین و لازم‌ترین گفت‌وگوها، مباحثی باشد که عاشورا را از حالت جزیره به در آورد و جای و جایگاه آن را در جغرافیای دین نشان دهد.

بر خلاف «هدف‌شناسی نهضت عاشورا»، که کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره آن نوشته‌اند، ۱ متأسفانه درباره جایگاه عاشورا در تفکر دینی، جز شعر و شعار، تحقیق مهمی وجود ندارد. یعنی ما دقیقاً نمی‌دانیم که عاشورا در کدام مدار منظومه دین قرار دارد و وظیفه ما درباره آن چیست. نگاه پیشتر مؤمنان و دینداران به عاشورا، نگاه جزیره‌ای است و به اصطلاح تکس را در کانتکس نمی‌بینند. به همین دلیل است که گاهی عزاداری‌های ما با برخی برنامه‌ها یا نظریه‌هایی گره می‌خورد که وجهه دینی و شیعی ندارند. برای مثال، وقتی به یکی از مؤلفان گفتند که برخی از مطالب کتاب شما درباره مصائب

اهل بیت علیهم السلام در هیچ یک از منابع معتبر تاریخی و دینی نیامده است، گفت: «بر اهل بیت علیهم السلام آنقدر ظلم شده است که این مطالبی که من نوشته‌ام، در مقابل آنها چیزی نیست.» این سخن که مشابه آن را دیگران نیز گفته‌اند و بلکه نوشته‌اند، به این معنا است که ما برای احقاق حق ائمه اطهار علیهم السلام حق داریم در گزارش تاریخ‌نگاری و حتی آموزه‌های دینی درباره حقیقت‌گویی تاریخ‌نگاری و پرهیز از خلاف نباشیم. بنابراین می‌توانیم برای جبران کوتاهی‌هایی که در حق آنان شده است، گاهی سخنانی بگوییم و بنویسیم که سند و مدرک معتبر ندارد. شاید از این رهگذر اندکی از مافات، جبران شود؛ مثل اینکه کسی بگوید چون در جامعه به من ظلم شده است، من حق دارم به اموال عمومی دستبرد بزنم؛ چنین مواجبه‌ای با عاشورا، فرسنگ‌ها دور از فرهنگ دینی است؛ اگر چه اشک‌های بسیاری از مردم بگیرد و سوگواری‌های ما را گرم‌تر کند. بی‌اعتنایی برخی عزاداران به نماز اول وقت در روز عاشورا یا زیر پا گذاشتن حقوق همسایه و رهگذران در روزهای عزاداری که گه‌گاه رخ می‌دهد، از دیگر نمودهای گسستگی میان برخی عزاداری‌ها با روح دینداری است. جدایی جسم از روح، آن را آفت‌پذیر می‌کند. جسم بی‌روح، هر قدر آفت‌زدایی شود، همچنان آفت‌پذیر است و به همین دلیل است که کوشش‌های مجاهدانه و بی‌دریغ بزرگان دینی برای پیراستن عاشورا از آفت تحریفات، تا کنون نتیجه دلخواه نداده است؛ زیرا هنوز نخستین گام برداشته نشده است. گام نخست، این است که بدانیم عاشورا، جزئی از مجموعه بزرگی است که حیات آن در پیوستاری آن است. جایگاه عاشورا را در دین از دو منظر می‌توان دید: محتوا و قالب. به عبارت دیگر، عاشورا را دو گونه می‌توان بررسی



واقعه تلخ را به محاق برد. اما در مجالس سوگواری، بیش از روح عاشورا، سخن از کالبد آن است و همین زمینه را برای هر آفتی هموار می‌کند.

اگر عاشورا، جایگاه بلندش را و امداد محتوای خود (اخلاقی، معنویست، عدالت خواهی...) است، هر چیزی غیر از آن باید در حاشیه قرار گیرد؛ حتی مظلومیت امام حسین علیه السلام؛ اما اگر اهمیت آن، وجهه بیرونی آن، یعنی حوادث روز عاشورا و جنایات یزیدیان و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام، باشد، عدالت و شجاعت و... در حاشیه می‌خزد. سپس، ما می‌مانیم و مشتاقان حادثه‌های تلخ که هنری جز گریاندن مردم ندارد. آیا تاکنون از خود پرسیده‌ایم چرا ملت‌ها که پیش از همه برای علی علیه السلام گریسته است، چندان علی‌خو و علی‌گونه نیست؟ چرا مردمی که بر یک‌یک مصیبت‌های ابی عبدالله علیه السلام عمری گریسته‌اند، در شجاعت و مروت و فداکاری، تفاوت معناداری با دیگر اقوام و ملل ندارند؟ پاسخ این است که ما عاشورا را به عاشورا محدود کرده‌ایم و آن را جدا از دیگر بخش‌های دین می‌بینیم. به همین دلیل، مثلاً دروغ را مبطل عزاداری نمی‌دانیم؛ آنچنان که مثلاً گفتار را مبطل نماز می‌دانیم.

برای اینکه هیچ فاصله‌ای میان عزاداری و دینداری نباشد، باید بدانیم که اهمیت و اصالت عاشورا، نخست در محتوای دینی آن است، سپس در رویدادهای تاریخی آن. اما اکنون رویدادها بیش از مفاهیم، اهمیت یافته است. نکته دیگر درباره جایگاه‌شناسی عاشورا این است که هر یک از دو نظریه بالا، پیامدهای مخصوص به خود را دارد. زیرا اگر نظریه نخست را بپذیریم و بگوییم رویارویی مستقیم و نبرد مسلحانه، قاعده است و امامان دیگر نیز همین قصد را داشتند ولی به دلایل مختلف نتوانستند قیام کنند، باید نتیجه بگیریم که پس بر خورد عاشورایی ایستگاه اول است و در برابر هر ناهنجاری و بیدادی، باید سریعاً به همین روش اقدام کرد، حتی اگر روش‌های دیگری نیز وجود داشته باشد. اما بنا بر نظریه دوم، بر خورد از نوع عاشورایی با ظلم، آخرین مرحله مبارزه است. مراحل پیشین، عبارت‌اند از کار فرهنگی و جامعه‌سازی و گسترش فضیلت‌ها در میان مردم و تربیت انسان‌هایی که ظلم را نپذیرند. در نظریه دوم، پیروان ائمه اطهار علیهم السلام فقط در صورتی قیام می‌کنند و دست به اسلحه می‌برند که راه‌های دیگر بسته باشد. پس، اهمیت عاشورا به محتوای آن است، نه به روش ویژه آن که ضرورت تاریخی بوده و هر امام دیگری نیز در آن هنگامه، همان روش را برمی‌گزیده است. اکنون بنگریم که محور عزاداری‌ها و کتاب‌ها و اشعار و برنامه‌ها، محتوای عاشورا است، یا قالب آن؟ بی‌شک در تاریخ ما، روش عاشورایی، محتوای آن را تحت الشعاع قرار داده است و به همین دلیل عاشورا، هدف حمله آفت‌ها و آسیب‌هاست.

### دو. تحریفات سلبی

تحریفات عاشورا دو گونه است: افزودنی و کاستنی. به سخن دیگر: تحریف بالزیاده و تحریف بالنقصه. تحریفات افزودنی، آن دسته از اخبار کذب و تحلیل‌های ناصواب است که بر نهضت سیدالشهداء علیه السلام افزوده‌اند و می‌افزایند. اما تحریف سلبی، یعنی کاستن و نگفتن آنچه باید بگویند، که بسیار مهم‌تر از نوع نخست است. به بیان دیگر، آسیب اصلی در «گفته‌ها» نیست؛ در «نگفته‌ها» است. اهل منبر و ذاکران و مداحان، معمولاً در مجالس عزاداری مسائل خاصی را مطرح می‌کنند، از جمله فسق یزید، مظلومیت امام علیه السلام، قساوت شمر و ابن سعد و مانند آنها. این موضوعات و مسائل، همواره و با حجم فراوان در همه منبرهای عاشورایی بیان می‌شود؛ در حالی که مسائل اصلی عاشورا اینها نیست. به همین دلیل، آسیب‌شناسی عاشورا را باید از «آنچه نمی‌گویند»

## عاشورا هم محتوا است و هم روش محتوای آن تن ندادن به حکومت جور است و روش آن جنگ مسلحانه و قیام شهادت‌طلبانه

مطلق تأیید می‌کنند.

۲. وقوع عاشورا؛ اگر روش عاشورایی، یعنی قیام و انقلاب، نتیجه‌بخش نبود، امام حسین علیه السلام این روش را بر نمی‌گزید.

۳. ضرورت مبارزه با ظلم؛ وقتی مبارزه و مخالفت با ظلم را جزء اهداف دین دانستیم، به هر روشی که ممکن است باید اقدام کرد.

### دلایل گروه دوم:

۱. احادیث؛ روایاتی وجود دارد که اقدام مسلحانه را بر سایر اقدامات ترجیح نمی‌دهد؛ مگر در صورت ضرورت، مانند داستان عاشورا.

۲. سیره عمومی امامان و پیامبران و مصلحان علیهم السلام؛ در میان همه پیامبران و ائمه اطهار، شیوه غالب، پرهیز از رویارویی مسلحانه است؛ مگر در صورتی که هیچ راه دیگری برای اصلاح امور باقی نمانده باشد.

۳. کم‌فایده‌گی تغییر حکومت‌ها از راه جنگ و شورش، بدون تغییرات بنیادین فرهنگی در طبقات زیرین و میانۀ اجتماع؛ بر پایه این دلیل، تغییر حکومت‌ها، جزء تغییرات

## برای اینکه هیچ فاصله‌ای میان عزاداری و دینداری نباشد باید بدانیم که اهمیت و اصالت عاشورا نخست در محتوای دینی آن است سپس در رویدادهای تاریخی آن

بنیادین محسوب نمی‌شود. از این رو، حضرات معصومین نیز حتی المقدور می‌کوشیدند که سر مایه‌های خود را صرف اصلاحات زیربنایی کنند؛ مگر در صورتی که به جنگ در میدان‌های نظامی، مجبور می‌شدند.

در اینجا بنای داوری نداریم؛ اما بر پژوهشگران است که به دقت بررسی کنند که آیا روش عاشورایی در دین اسلام، قاعده است یا خیر، و اگر قاعده است، استثنای آن چیست. همچنین اگر روش ائمه پس از امام حسین علیه السلام قاعده است و امام حسین علیه السلام تاگزیر از قیام و جنگ رویاروی بود، چرا درباره روش‌های امامان پس از ایشان، کمتر سخن می‌رود؟ اینها نکات و پرسش‌هایی است که پاسخ به آنها نیاز به تأملات بیشتر در متون دینی و وقایع تاریخی دارد. اما اهمیت این بحث، بسیار بیش از چیزی است که ظاهراً به نظر می‌آید؛ زیرا اگر جایگاه عاشورا به درستی شناخته نشود، همواره در معرض کج‌فهمی، خرافات و تحریفات قرار می‌گیرد. به عقیده نگارنده، منبع تحریفات، نبودن عاشورا در جایگاه واقعی خود است. اگر عاشورا در جای حقیقی خود قرار گیرد و ما به درستی بدانیم که قیام حسینی در کجای دین و روش‌های دینی قرار می‌گیرد، بهتر می‌توانیم با خرافات مبارزه کنیم و بنیان‌های تحریف، سست می‌شود. اینکه قرن‌ها است با تحریفات عاشورا مبارزه می‌شود ولی همواره بر شمار آنها افزوده می‌گردد، از همین جانشناخت‌ها می‌گیرد. اگر امروز هم همه تحریفات عاشورا را شناسایی کنیم و آنها را از ساحت مقدس قیام کربلا بزداییم، فردا تحریفات دیگری پیدا می‌شود و تا ابد باید سرگرم این مبارزه باشیم. اما اگر عاشورا در جایگاه واقعی خود قرار گیرد، خود به خود، در برابر بیشتر خرافات و تحریفات بیمه می‌شود. آنچه عاشورا را به متن دین پیوند می‌دهد، روح عدالت‌طلبی آن است، نه حوادث تلخی که در این روز رخ داد. آنچه رخ داد، با همه اهمیتی که دارد، نباید روح این

کرد: نخست از این منظر که محتوای عاشورا (ایستادگی در برابر ظالم) چه جایگاهی در دین دارد و دوم اینکه روش عاشورایی (درگیری مسلحانه و خونین) از چه جایگاهی در دین برخوردار است. در واقع منظر دوم، بررسی شیوه و روش عاشورا است؛ یعنی جایگاه این روش مبارزه با ظلم، چیست؟ برای مثال، وقتی می‌خواهیم درباره جایگاه نماز، گفت‌وگو کنیم، نخست در پی آن هستیم که بدانیم محتوای نماز (عبادت خداوند) چه درجه‌ای از درجات دینداری را به خود اختصاص می‌دهد و سپس به این مسئله می‌پردازیم که این روش خداپرستی در میان سایر روش‌ها چه جایگاهی دارد. عاشورا، هم محتوا است و هم روش. محتوای آن، تن ندادن به حکومت جور است و روش آن، جنگ مسلحانه و قیام شهادت‌طلبانه.

درباره جایگاه محتوای عاشورا، همین قدر می‌گوییم که عین دینداری و عبادت خدا است. محتوای عاشورا، مبارزه با ظلم است و برای دیندار چه چیزی واجب‌تر از آن؟ اما عاشورا افزون بر این محتوا، «روش» نیز تلقی می‌شود. درباره روش‌شناسی عاشورا به اندازه کافی گفت‌وگو نشده است.

جایگاه‌شناسی عاشورا، از منظر ساختار، شکل و روش، زمینه بحث‌های بسیاری است که در اینجا به چند مسئله اشاره می‌شود. در این اشارات، قصد نگارنده آن است که این موضوعات را مطرح و برای تحقیق بیشتر، به محققان بزرگوار پیشنهاد کند؛ یعنی قصد داوری و حل مسئله را ندارم. بیشتر طرح سؤال و زمینه‌سازی برای پژوهش‌ها و نگارش‌های مرتبط با آن است.

پرسش اول این است که محتوای عاشورا مهم است یا روش آن؟ آیا ما اکنون بیشتر به محتوای عاشورا می‌پردازیم یا به شکل عاشورا که عبارت است از جنگ و شهادت و قیام مسلحانه؟ اگر نزد ما شکل و روش عاشورایی مهم‌تر از محتوای آن شود، بزرگداشت عاشورا، کمکی به روحیه ظلم‌ستیزی نمی‌کند. اگر ندانیم که این قیام چه محتوایی داشت و فقط به قساوت یزیدیان و مظلومیت حسینیان توجه کنیم، از یاد می‌بریم که چرا حسین علیه السلام مظلوم بود و چرا قیام کرد و چرا خاندان او اسیر شد.

پرسش دوم، این است که آیا روش عاشورایی، در سیره و شیوه پیشوایان دینی، قاعده بود یا استثنا. به سخن دیگر، آیا امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام هم می‌خواستند کار امام حسین علیه السلام را بکنند و چون نتوانستند کار فرهنگی کردند، یا امام حسین علیه السلام می‌خواست کار امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را بکنند، ولی چون نگذاشتند، مجبور به خروج از مدینه و قیام خونین شد؟

دیدگاه غالب در میان دینداران و عزاداران، این است که عاشورا، قاعده است و غیر آن، استثنا و از روی ناچاری؛ یعنی دیگر امامان بزرگوار علیهم السلام همه قصد قیام عاشورایی داشتند؛ اما چون زمینه و زمانه را مساعد نمی‌دیدند، به درس و بحث و گفت‌وگو با مردم مشغول شدند. در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند که رسالت اصلی پیشوایان دینی و معنوی، کار فرهنگی و زیرساختی است؛ مگر اینکه مبارزه فیزیکی و رو در رو بر آنان تحمیل شود. به عبارت دیگر، گروه اول می‌گویند همه امامان علیهم السلام قصد قیام داشتند، اما زمینه را برای این کار مساعد نمی‌دیدند. گروه دوم می‌گویند: اگر یزید بر بیعت پافشاری نمی‌کرد و امام مجبور به خروج از مدینه نمی‌شد، آن امام بزرگوار نیز شیوه دیگر امامان را در پیش می‌گرفت و از راه فرهنگ‌سازی و تربیت افراد و جامعه، به مسئولیت‌های خود می‌پرداخت.

### دلایل گروه اول:

۱. احادیث؛ برخی از روایات این روش مبارزه را به‌طور



مجالس حسینی، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که فقط شیعیان از آن برخوردارند. این نعمت را نباید هدر داد؛ بلکه باید به کمک آن، مهم‌ترین مسائل اسلام و جامعه را مطرح کرد.

#### سه دشمن‌شناسی واقعی

در بخشی از مصوبه شورای انقلاب فرهنگی (مورخ ۱۳۸۶/۰۲/۱۱) آمده است: «بصیرت و ارتقای معرفت دینی و خنثی‌سازی نسبت‌های دروغین معاندین و مخالفین فرهنگ و حماسه عاشورای حسینی با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی...» این عبارت، این‌گونه القا می‌کند که مرکز شایعه‌سازی و تحریف‌گری در واقعه عاشورا، دشمنان بیرونی و مخالفین است. این سخن تا حدی درست است؛ اما واقعیت آن است که دروازه ورود شایعات و خرافات، جهل و نادانی ما است، نه اقدامات دشمن. آن مقدار خرافه و انحراف که از دریچه افکار و اقدامات دشمنان وارد حوزه‌های دینداری ما می‌شود، در قیاس با آنچه ما بر اثر منفعت‌طلبی و ناآگاهی، به دست خود می‌سازیم، بسیار اندک است. دشمن بیرونی را مسبب این وضع دانستن، دادن نشانی غلط به افکار عمومی است. ■

پی‌نوشت:

- ۱- مانند حماسه حسینی، نوشته استاد شهید مطهری، همچنین بنگرید به: محمد اسفندیاری، عاشورا شناسی، پژوهشی درباره هدف امام حسین علیه السلام، نشر صحیفه خرد، ۱۳۸۸.
- ۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸.

✿ مجالس حسینی یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که فقط شیعیان از آن برخوردارند این نعمت را نباید هدر داد بلکه باید به کمک آن مهم‌ترین مسائل اسلام و جامعه را مطرح کرد

نزدیک‌تر شدن به خدا، سخنرانان و مداحان باید برای مردم توضیح بدهند که چه دست و حجتی از تبلیغات حکومتی باعث شده بود که مؤمنان چنین خطایی بکنند و قساوت با حسین علیه السلام و خاندانش را به جایی برسانند که تاریخ همچنان انگشت به دهان است؟ فقط انگیزه‌های دینی می‌تواند مردمی را به این مقدار از جدیت و سلحشوری برساند که هیچ رحمی به مخالفان خدا و دین (!) نکنند. چرا امام حسین بیش از ۷۲ نفر را (نصف آنها هم از خاندان و خویشان امام بودند) نتوانست همراه خود کند؟ اگر دلیلش، فقط دنیازدگی مردم باشد، به این معنا است که اسلام پس از ۶۱ سال، بیش از ۷۰ نفر را نتوانست تربیت کند و اگر دلایل دیگر دارد - که دارد - آن دلایل چیست؟ چه فرهنگ و تصویری از حکومت بر ذهن و فکر مردم حاکم شده بود که به آن راحتی فریب دستگاه‌های تبلیغی اموی را خوردند و فرزند پیامبرشان را قربتاً الی الله (نه برای دنیا) کشتند؟ در سخنرانی‌ها به تفصیل درباره شجاعت و رشادت حسین و یارانش می‌گویند، اما از کوشش بسیار و شگفت امام برای جلوگیری از جنگ و پرهیز از خون‌ریزی، یا نمی‌گویند یا اشاره‌وار از آن می‌گذرند. مسائل اصلی عاشورا اینهاست، نه میمون‌بازی یزید یا زیبایی علی اکبر علیه السلام یا بی‌وفایی کوفیان یا قساوت شمر و سنان.

شروع کنیم، نه از چیزهایی که می‌گویند. تحریفات اصلی عاشورا، مبالغه در قدرت حضرت عباس علیه السلام یا شمار کشتگان لشکر کوفه نیست. تحریف اصلی، جدایی انداختن میان روح و کالبد عاشورا است. مثلاً مداحان و سخنرانان در ایام عاشورا، وقتی می‌خواهند از زشتی اعمال یزید بگویند، به بوزینه‌بازی و شراب‌خواری او اشارات فراوان می‌کنند، اما اجبار به بیعت و سلب آزادی از امام حسین علیه السلام که زشت‌ترین کار یزید بود و همین کار یزید، امام علیه السلام را به قیام واداشت، جایگاه مهمی در سخنرانی‌ها ندارد. یا مثلاً از وعده حکومت ری به ابن سعد، فراوان می‌گویند، اما از انگیزه دینی (!) کوفیان برای جنگ با حسین علیه السلام چندان نمی‌گویند. می‌دانیم که همه افراد آن لشکر عظیم به هوس غنائم جنگی یا وعده زر و سیم، به کربلا نیامده بودند؛ بلکه جنگ با حسین را واقعاً جنگ با مخالف اسلام و دین خدا می‌دانستند و حسین را آفازاده‌ای می‌پنداشتند که می‌خواهد از نسبتش با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سوءاستفاده کند و قدرت را به دست گیرد! مسئله اصلی کوفیان، فقط پیمان شکنی نبود؛ مسئله اصلی در کوفه، فریب‌خوردگی و اعتماد به نشانه‌های جعلی بنی امیه بود. فتوای قضات بلندپایه حکومتی، مانند شریح، و هیاهوی سخنرانان مذهبی در مساجد کوفه و سوءاستفاده ابن زیاد از زبان و شاعران دینی، کوفیان را خام کرد و آنان را به جنگ با فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واداشت.

انگیزه دینی و اعتقادات مذهبی کوفیان، در همه رجزخوانی‌ها و شعارهایی که می‌دادند، پیدا است. امام سجاد علیه السلام نیز، چندی پس از عاشورا، فرمود: «کل یقتربون الی الله بدیمه» «خون پدرم را ریختند فقط برای



# معرفی نهادهای فعال

## در حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام

### بهنام گلشنی



با سایر تشکلهای فعال در عرصه آموزش را در ارائه متون و روشهای آموزشی، نظارت بر آموزشهای انجام شده، تعیین سطح و صدور گواهی آموزش، معرفی استاد و تربیت مربیان آن تشکلهای تعریف خواهد کرد.

از ظرفیتهای ارزشمند حوزههای علمیه و دانشگاهها ۹. ساماندهی و انتشار (مکتوب و چندرسانه‌ای) در حوزه اهداف عالی بنیاد

همانگی نهادهای، مجموعهها و سازمانهای فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نتیجه تمرکز بخشی در حوزه برنامه‌ریزی و تحصیل اهداف نهادهای خواهد داشت. ارزشها و آرمانهای مشابه این نهادها، افق همسویی را در اقدامات آنها موجب خواهد شد؛ بنابراین برای پرهیز از موازی کاری و اتلاف وقت و انرژی، لازم است که با یک تقسیم کار مناسب و منطقی و متناسب با امکانات و توانمندیهای نرم افزاری و سخت افزاری این مجموعهها، شرایط برای همکاری و هم افزایی مطلوب فراهم شود. در این مجال با معرفی و اشاره به اهداف و برخی اقدامات چهار مجموعه فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، امیدواریم گامی رو به جلو برای تحصیل این مطلوب برداریم. در شماره‌های آتی و متناسب با موضوعات آنها، سایر نهادهای فعال در این حوزه نیز معرفی و اهداف و اقداماتشان به استحضار خواهد رسید.

### بنیاد دعبیل خزاعی

بنیاد علمی، فرهنگی و آموزشی دعبیل، نهادی حمایتی، خدماتی و غیر انتفاعی است که می‌کوشد جامعه ستایشگران و ذاکران اهل بیت صلوات الله علیهم را در عرصه‌های معنوی و مادی همراهی کند. بنیاد دعبیل از نظر حقوقی، به‌طور مستقل و در قالب مؤسسه فرهنگی، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ثبت شرکتها به ثبت رسیده است. دفتر مرکزی این بنیاد در تهران بوده و به کمک ۳۱ نمایندگی خود در مراکز استانها، اهداف خود را پی می‌گیرد.

### اهداف

در اساسنامه بنیاد دعبیل خزاعی به اهداف زیر به‌عنوان موضوع فعالیت این بنیاد -تصریح شده است:

۱. شناسایی ستایشگران، شعرا و ذاکران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام
۲. انجام خدمات تأمین اجتماعی (از قبیل بیمه درمانی، عمر و پس انداز، تکمیلی و پزشکی و بازتوانمندی) و ارائه تسهیلات ضروری به آنها و افراد تحت تکفل ایشان
۳. مشارکت دادن جامعه ستایشگران، شعرا و ذاکران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تأمین بخشی از هزینه‌های مؤسسه از راه‌های گوناگون (از قبیل پرداخت بخشی از هزینه‌ها و اعطای امتیازات تألیف کالاهای فرهنگی خویش به بنیاد)
۴. شناسایی منابع مالی و تأمین هزینه‌های بنیاد از طریق آنان (از قبیل سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و خیرین و سایر کمک‌های مردمی)
۵. پشتیبانی علمی و معنوی از ستایشگران، شعرا و ذاکران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای اعتلا و تعمیق فرهنگ مکتب عصمت و طهارت علیهم السلام
۶. کمک به ایجاد تشکلهای فرهنگی در راستای اهداف عالی بنیاد برای تولید فرآورده‌های فرهنگی
۷. ساماندهی و تقویت محافل اثر گذار فرهنگی برای ارتقای بنیة فرهنگی ستایشگران، ذاکران و شاعران اهل بیت علیهم السلام
۸. انجام پژوهش‌های بنیادین و ویژه برای تهیه متون فاخر ادبی، برای استفاده ستایشگران و ذاکران و استفاده بهینه

### سیاست‌های راهبردی بنیاد

- ۱- حوزه‌های فعالیت دعبیل در اساسنامه، چهار ساحت فرهنگی، علمی، خدماتی و رسانه‌ای - به صورت متعادل - تعریف می‌شود. سیاستها و برنامه‌های عملیاتی دعبیل به شکلی تدوین خواهد شد که هویت دعبیل در مجموع در همه ابعاد تعریف شود؛ نه صرفاً یکی از ابعاد.
- ۲- بنیاد دعبیل مؤسسه‌ای غیر انتفاعی و عام‌المنفعه است. ارائه خدمات به‌ویژه از نوع رفاهی و تأمین اجتماعی نه با هدف دولتی کردن جامعه ستایشگران و نه با هدف کسب انتفاع صورت می‌گیرد.
- ۳- جامعه هدف بنیاد دعبیل، ستایشگران اهل بیت علیهم السلام اعم از ذاکران، مداحان و شاعران مذهبی است. کیفیت و کمیت ارائه خدمات به این گروه‌ها به شکلی خواهد بود که هویت دعبیل در جمع همه این گروه‌ها تعریف شود - نه یکی از آنها.
- ۴- اولویت کمی و کیفی ارائه خدمات با کسبانی خواهد بود که استعداد نقش آفرینی بیشتر در ساحت «فرهنگی» ستایشگری و تعبیر وضعیت شاخص معرفت دینی و منش اصیل ستایشگری داشته باشند. نوجوانان و جوانان از جمله مصادیق افراد توصیف شده هستند.
- ۵- اولویت فعالیت‌های علمی بنیاد دعبیل، تولید فکر، تدوین نظام معنایی، تدقیق واژگان، گفتمان‌سازی، پالایش زبان و تولید محتوا در ساحت ستایشگری است. ابزار تحقق این سیاست تشکیل هیئت علمی بنیاد دعبیل خواهد بود که علاوه بر تولید معرفت و دانش، به عنوان پل ارتباطی بین مولدین محتوا در حوزه و دانشگاه با جامعه ستایشگری عمل خواهد کرد.
- ۶- اولویت فعالیت‌های آموزشی بنیاد، تدوین متون آموزشی، تدوین روش آموزش و برگزاری دوره‌های تربیت مربی خواهد بود. با توجه به فعالیت مؤسسات و تشکلهای متعدد در برگزاری دوره‌های آموزشی عام، به مربیان آموزش دیده و آشنا به روش‌های آموزش - به‌ویژه در مناطق دور از مراکز استانی - نیاز وجود دارد. بنیاد دعبیل با شناسایی افراد مستعد در سطح کشور و آموزش آنها بر اساس متون و روش‌های از پیش تعیین شده این نیاز را مرتفع خواهد کرد. همچنین بنیاد، همکاری خود

- ۷- اولویت‌ها در سیاست‌های رسانه‌ای بنیاد عبارتند از: رعایت عدالت رسانه‌ای در رابطه با نخبگان ستایشگری و همچنین موضوعات مرتبط
- ۸- شناسایی خلاءها، خطاها و عنادهای رسانه‌ای مربوط به عرصه ستایشگری و اتخاذ استراتژی‌های متناسب با هر یک از حوزه‌ها
- ۹- معرفی نخبگان واقعی و پرهیز از ستاره‌محوری برای این منظور بنیاد دعبیل، هم از ظرفیت‌های رسانه‌ای خود و هم - با برقراری ارتباط منظم و مستمر - از ظرفیت سایر رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌هایی که به صورت تخصصی در عرصه ستایشگری فعالیت می‌کنند، استفاده خواهد کرد.

- ۸- بنیاد دعبیل پرداخت ضعیف، نمایشی و خالی از محتوا به منش ستایشگری - در سیاست‌گذاری‌ها، طرح‌ها و تولیدات فرهنگی - را عامل بخش عمده‌ای از آسیب‌های موجود در این عرصه می‌داند. به همین دلیل اولویت فعالیت‌های فرهنگی بنیاد دعبیل، توصیف و ترویج دقیق منش اصیل و اثر گذار ستایشگری اهل بیت علیهم السلام در مشورت با اهالی علم و نظر و پیران این عرصه خواهد بود؛ برای این منظور پیگیری امور زیر در دستور کار بنیاد است:

- ۱- راه اندازی و ساماندهی شبکه توزیع منسجم و گسترده در سطح کشور
- ۲- شناسایی طرح‌ها و محصولات فرهنگی که مروج منش اصیل ستایشگری هستند و معرفی و توزیع آنها در شبکه توزیع
- ۳- برگزاری مراسم یادبود و گرامی داشت
- ۴- استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و همچنین ظرفیت طرح‌های تربیت مربی برای آشنایی نسل فعلی و آتی با نخبگان صاحب‌منش

- ۹- با توجه به رویکرد ائمه هدی علیهم السلام فقها و بزرگان شیعه، مبنی بر ضرورت منش استغنا برای مبلغین شیعه و نیز اصالت نداشتن ارتزاق از راه دین،

ارائه خدمات رفاهی و تأمین اجتماعی در بنیاد، تحت شرایطی انجام خواهد شد که نقض این دو شرط نباشد.

۱۰- بنیاد دعبل در زمینه‌های:

- شناسایی، احراز استحقاق و صلاحیت مخاطبان
  - شناخت و تحلیل وضعیت موجود عرصه ستایشگری
  - تولید اندیشه و محتوا
  - طراحی روش و اجرای انتقال معرفت
- از روحانیان و دانشمندان علوم دینی همکاری و همراهی جدی طلب خواهد کرد.

## خانه مداحان اهل بیت علیهم السلام

«خانه مداحان اهل بیت علیهم السلام» در سال ۱۳۸۸ ش. به منظور ساماندهی فرهنگی و اجتماعی مداحان اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و برای پرداختن به امور آموزشی و ارائه خدمات به مداحان، شناساندن فعالیت‌های گوناگون آنها و نیز اطلاع‌رسانی و انعکاس مربوط به همایش‌ها، مجالس و هیئات مذهبی با تلاش بنیان‌گذار آن «حاج علی آهی» تأسیس شد.

به گزارش مسئولان خانه مداحان اهل بیت علیهم السلام، این سازمان مستقل است و امروز بیش از ۲ هزار مداح به عضویت آن درآمده‌اند. این مجموعه به منظور عمل به سخنان مراجع، به‌ویژه مقام معظم رهبری و بررسی سرفصل‌های مختلف جنگ نرم در قالب مداحی، مثل چهره‌سازی عناصر ضد ارزشی، الگوهای رسانه‌ای، عرفان‌های کاذب و ... و یافتن راهکارهایی برای مقابله با این موضوع، همچنین بررسی بحث «سبک زندگی» که مقام معظم رهبری در سفر به بجنورد در ۱۹ مهر ماه ۱۳۹۱ ش. به آن پرداختند، فعالیت‌های خود را پیش می‌برد. برخی از اقدامات و خدمات این مجموعه به مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم السلام عبارتند از:

۱- راه‌اندازی اولین استودیوی تخصصی مداحی برای ایجاد امکانات هر چه بهتر و بیشتر در زمینه فعالیت‌های سمعی و بصری

- ۲- کتابخانه تخصصی مداحی با هدف جمع‌آوری کتاب‌هایی در زمینه مقتل شناسی، زندگی‌نامه اطهار علیهم السلام، اشعار آیینی، احکام و سایر کتاب‌های مرتبط با عرصه مداحی
- ۳- تأسیس سایت خانه مداحان که دارای بانک اشعار و بانک اطلاعاتی مداحان است. اطلاعات و مشخصات همه مداحان عضو خانه مداحان در این بانک اطلاعاتی درج و حتی بخش کوتاهی از صدای آنها نیز در آن قرار داده شده است.
- ۴- برگزاری همایش‌های مختلف از جمله همایش سالانه نشست تخصصی مداحان

۵- همکاری گسترده با ستاد تجلیل از پیرغلامان حسینی  
۶- برگزاری مراسم سیاه‌پوشان که هر سال در آستانه ماه محرم با حضور عاشقان و دل‌سوخندگان حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام برگزار می‌شود.

۷- همکاری با ستاد برگزاری دیدار مداحان با مقام معظم رهبری در روز ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها  
۸- چاپ و توزیع فصل‌نامه تخصصی مداحی «ستایشگران نور»

۹- چاپ کتاب‌هایی در زمینه مداحی مانند مقتل تحلیلی سیدالشهدا علیه‌السلام، ساختار گرای در روضه و ...

۱۰- برگزاری آزمون تعیین سطح علمی برای ۲ هزار مداح عضو این سازمان

۱۱- برگزاری کلاس‌های آموزشی ویژه مداحان؛ این کلاس‌ها پنج الی هفت روز در هفته به صورت تخصصی و شامل ردیف‌های آوازی، ادبیات آیینی، مباحث قرآنی، مقتل خوانی و مقتل شناسی است.

۱۲- برگزاری مراسم روضه‌خوانی در روزهای چهارشنبه از ساعت ۷ تا ۱۰ صبح. در این مراسم مداحان روضه‌خوانی می‌کنند و استادان اشکالات آنها را برطرف می‌کنند.

۱۳- آموزش منبرخوانی که در گذشته در حوزه‌ها برگزار

می‌شد.

۱۴- اعزام ۳۰ مداح و مبلغ به خارج از کشور با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

۱۵- تأسیس رشته مداحی در دانشگاه علمی-کاربردی

## سازمان بسیج مداحان

ایده اصلی تشکیل «سازمان بسیج مداحان» از کلاس‌های آموزش مداحی در لانه جاسوسی سابق ایجاد شد، این کلاس‌ها با استقبال بسیار خوبی روبه‌رو شده بود و همین امر باعث شد این سازمان در اواخر سال ۱۳۸۷ ش. برای اجرای منویات رهبر معظم انقلاب و با هدف شناسایی، جذب، آموزش و سازماندهی مداحان بسیجی هیئت‌های مذهبی راه‌اندازی شود. این سازمان مانند سایر اقشار بسیج، مثل بسیج دانش‌آموزی، بسیج هنرمندان، بسیج معلمان و ... زیر نظر سازمان بسیج مستضعفان فعالیت می‌کند. در ابتدا این طرح در تهران اجرا شد؛ ولی در حال حاضر تقریباً در همه استان‌ها در سپاه‌های استانی سازمان بسیج مداحان اجرا شده است.

از وظایف این سازمان می‌توان به بسیج مداحان برای اجرای منویات مقام معظم رهبری در رابطه با مداحان، شاعران آیینی، هیئت‌های مذهبی و گسترش روحیه حماسی، انقلابی و معنوی مداحان اهل بیت علیهم السلام و مدیران هیئت‌های مذهبی و ارتقای سطح کیفی آنها اشاره کرد؛ همچنین تغذیه فکری مداحان و مدیران هیئت‌های مذهبی برای مقابله با انحرافات، بدعت‌ها و آسیب‌ها در دستور کار این سازمان است.

سازمان بسیج مداحان در سراسر کشور کلاس‌های آموزشی ویژه مداحان برگزار می‌کند و استادان بسیاری با این کلاس‌ها همکاری می‌کنند. از جمله تولیدات آموزشی و فرهنگی این سازمان، مجموعه آموزشی «الحن الذاکرین» شامل شش حلقه دی‌وی‌دی و چهار کتاب ۱۰۰۰ صفحه‌ای، نرم‌افزاری حاوی موضوعات شعر شناسی، صدا، لحن، ردیف‌های آوازی، ادبیات، بهداشت شعر شناسی، مبنای شعر، مقتل شناسی، آداب دعا، اخلاق و ... برای تولید و رایانه‌ها و آهنگ‌های مناسب برای مداحان است. کتاب «مقتل شناسی»، کتاب «هیویان وصال» و ویژه‌ماه

رمضان، جزوه «شبهه روضه‌خوانی» و جزوه «نواها و نغمه‌ها» زیر نظر هیئت علمی این سازمان، چاپ بیانات مقام معظم رهبری در قالب جزوه، چاپ کتاب «ابرومندان در گاه حسین» در مقام فضایل مداحان، برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های تخصصی، سازماندهی شعرای هیئت‌ها، شناسایی و تدوین کتاب زندگی‌نامه و آثار مداحان شهید، تعامل با سازمان تبلیغات اسلامی، ایجاد و تربیت ۱۰۰ هزار مداح توانمند هیئت از نظر اخلاق، فنون، سبک، شعر و همه خصوصیات که یک مداح باید داشته باشد، چاپ کتاب‌های «آداب هیئت‌داری و فرصت‌ها و تهدیدهای مداحی» از دیگر آثار این سازمان است.

برخی از اهداف و اقدامات سازمان بسیج مداحان عبارتند از:

۱- تهیه و تدوین نظام تربیتی و آموزشی مداحان، شاعران آیینی و مدیران هیئات مذهبی (در سه مرحله مقدماتی، متوسطه و عالی)

۲- اجرای تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص مداحی، هیئت‌داری و شعر مذهبی

۳- استعداد یابی و کادر سازی از بین مداحان و شاعران آیینی نوجوان و جوان

۴- تولید محصولات فاخر فرهنگی مثل کتاب اشعار و سی‌دی آهنگ‌های مورد نیاز مداحان

۵- ایجاد انگیزه و فرهنگ ارتباط در فضای مجازی و سایبری و بهره‌برداری مناسب از آن برای مداحان، شعرا و هیئات مذهبی

۶- ارتقاء تباط سازماندهی با مداحان و شعرای نخبه، پیشکسوت و تأثیرگذار

۷- سازماندهی همه مداحان بسیجی و انقلابی در قالب مجامع الذاکرین بسیج در سطح کشور

۸- ارائه خدمات رفاهی به مداحان، شعرا و مدیران هیئات مذهبی

۹- تشکیل شورای عالی بسیج مداحان در مرکز و استان‌ها

۱۰- ایجاد دانشکده علمی و کاربردی با عنوان هنر و ادبیات عاشورایی یا رشته مداحی و شعر آیینی در دانشگاه بسیج

۱۱- ایجاد مدرسه مداحی برای دوره متوسطه تحصیلی با هماهنگی آموزش و پرورش

## کانون مداحان اهل بیت علیهم السلام

«کانون مداحان اهل بیت علیهم السلام» مجمعی است از منتخبان مداحان که تحت نظارت سازمان تبلیغات اسلامی به تدبیر امور می‌پردازد. چگونگی فرآیند و شرایط نامزدی و نیز مراحل و چگونگی انتخابات کانون در آیین‌نامه انتخابات کانون مداحان ذکر شده است. در اساسنامه کانون مداحان، مداح (یا ذاکر) به فردی گفته می‌شود که در مراسم مذهبی و آیینی در مدح یا ثناء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام - خصوصاً سالار شهیدان حسین بن علی علیه‌السلام - با تکیه بر متون صحیح و مستند، با لحن و صوت گیرا به قرائت شعر، دکلمه یا سایر سبک‌های ادبی می‌پردازد. مدت زمان فعالیت هر دوره کانون چهار سال است و بر اساس انتخابات در سه سطح شهرستانی، استانی و کشوری تشکیل می‌شود. شروع هر دوره پس از تعیین و ابلاغ از سوی معاونت امور فرهنگی سازمان است.

## اهداف

- ۱- تعیین ضوابط و چارچوب‌های مداحی و نظارت بر عملکرد تخصصی و شأنی مداحی
- ۲- تغذیه فکری و طرح‌های آموزشی با هدف رشد و پرورش نیروهای مستعد مداحی
- ۳- تعیین متولی خاص امور مداحان در رابطه با سایر دستگاه‌ها و نهادهای
- ۴- آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی مداحی از حیث محتوا، الحن، اشعار و ...
- ۵- هدایت فعالیت‌های تبلیغی مداحان در جهت نیل به اهداف انقلاب اسلامی

## مأموریت‌های کانون شهرستان

- ۱- جذب و آموزش نیروهای مستعد مداحی
- ۲- سازماندهی و صدور کارت شناسایی مداحان
- ۳- ارتقاء سطح معرفتی و علمی مداحان از طریق آموزش‌های تخصصی
- ۴- تغذیه فکری مناسب به مداحان
- ۵- نظارت بر نحوه عملکرد و ویژگی‌های تخصصی و شأنی مداحان
- ۶- تعامل با دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در امور مربوطه

## مأموریت‌های کانون استان

- ۱- ایجاد هماهنگی میان کانون‌های مداحان شهرستان‌ها
- ۲- تعیین اولویت‌های فرهنگی و آسیب‌ها و چالش‌های فراروی کانون‌های شهرستان‌ها
- ۳- برنامه‌ریزی جهت تغذیه فکری مداحان استان
- ۴- تصمیم‌سازی و ارائه مشاوره به اداره کل تبلیغات اسلامی استان در راستای تحقق اهداف فرهنگی کانون

## مأموریت‌های کانون کشوری

- ۱- تعیین اولویت‌های فرهنگی و آسیب‌ها و چالش‌های فراروی کانون‌های استان‌ها
- ۲- ارائه راهکار مناسب جهت رفع آسیب‌هایی که دامنگیر مداحی کشور شده است.
- ۳- ظرفیت‌یابی، ظرفیت‌سازی و استفاده بهینه از توانایی‌های افراد و دستگاه‌های دیگر و ایجاد وحدت رویه میان کانون استان‌ها جهت ارتقاء کیفی امر مداحی در کشور
- ۴- برنامه‌ریزی کلان جهت تغذیه فکری فرهنگی و ارتقاء سطح معرفتی و مهارتی مداحان کشور ■

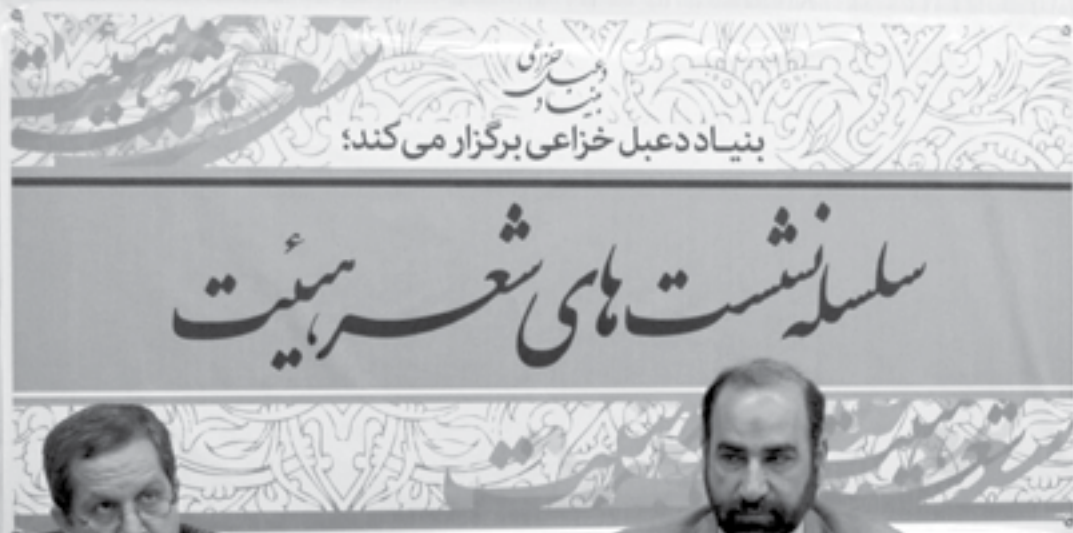


## شعر هیئت، محتوا و درون‌مایه

همان‌طور که در شماره قبلی اطلاع‌رسانی کردیم، برگزاری ۱۰ نشست تخصصی درباره «شعر هیئت» از برنامه‌های علمی و فرهنگی بنیاد دعبل خزاعی در سال پیش رو است. دومین نشست از سلسله نشست‌های علمی شعر هیئت، سی‌ام خرداد برگزار شد. در این نشست دکتر «محمد رضا سنگری» مقاله‌ای را با نام «شعر هیئت، محتوا و درون‌مایه» ارائه کرد؛ سپس استادان و کارشناسان ادبیات آیینی و شعر مذهبی به نقد و بررسی آراء و نظرهای ایشان پرداختند. در بخش ادبیات این شماره نشریه «دعبل»، ضمن ارائه گزیده‌ای از مقاله ارائه شده در دومین نشست تخصصی شعر هیئت، از چند منظر به این موضوع نیم‌نگاهی می‌اندازیم.

از جمله مطالب این بخش، گفت‌وگو با دکتر «اسماعیل امینی» درباره محتوای ادبیات آیینی است. ایشان معتقدند: «بنیان شعر آیینی بر بینش است؛ نه، دانش.»





شعر هیئت، محتوا و درون مایه

# گزیده‌ای از مقاله‌ارائه شده

## در دومین نشست تخصصی شعر هیئت\*

محمد رضا سنگری

هیئت «افزوده است. گاه این فضای تازه چنان شده است که برخی مداحان هیئت، در هیئت چهره‌ای سیاسی شناخته و شناسانده می‌شوند.

این تنوع و تکثر موضوع در هیئت که منجر به گونه‌گونی شعر هیئت شده است، پژوهشگران را برمی‌انگیزد تا نه تنها این قلمروها و گونه‌ها را بررسی و تبیین که آسیب‌ها و ناپایسته‌های این عرصه را نیز دقیق و عمیق و عالمانه رصد کنند و راه کارهای مناسب برای اعتلا و ژرفایابی شعر هیئت را بیابند.

در طول تاریخ تشکیل هیئت‌ها، بهره‌گیری از شعر، رسم و سنت رایج بوده است. هر چند منبر و وعظ پایه‌پای دیگر مراسم در هیئت رونق داشته و اهل منبر از شعر برای وعظ و مدح و مرثیه بهره می‌گرفته‌اند، اما پایگاه و جایگاه اصلی شعر در هیئت، اختصاص به ذاکر و مداح داشته است.

مداح و ذاکر با خواندن قصاید بلند به نوعی قدرت‌نمایی می‌پرداختند. گاه نیز با لباس خاص و با انتساب به شاعری خاص شناخته می‌شدند. شعرها معمولاً به حافظه سپرده می‌شد و گاه خواندن از کتاب

فرهنگی، ملی، قومی حتی تاثیر تحولات جهانی را در آن خواهیم دید.

برای نمونه، تا پیش از انقلاب و به‌ویژه هشت سال دفاع مقدس و پیامدهای آن، برگزاری مراسم شهدا بسیار بسیار اندک یاب بوده است؛ محدودیت‌ها و تنگناهای فرهنگی و سیاسی نیز امکان برگزاری چنین مجالسی نمی‌داده است. اما اکنون یکی از برنامه‌های گسترده و مستمر، برپایی یادها و یادمان‌ها و مراسمی در این زمینه شده است؛ که برپایی چنین مجالسی، مداحان و ذاکران و به تبع آن شاعران را برانگیخته، تا شعر و نوحه و ویژه این مجالس را تهیه کنند.

در شعر هیئت نیایش و تحمیدیه و مواعظ و آموزه‌های اخلاقی و گاه مسائل اجتماعی و سیاسی نیز کاربرد دارد

امروزه هیئات چنان با سیاست پیوند و گره خورده‌اند که برخی مناسبت‌های ملی و سیاسی در آنها بازتاب یافته و سروده‌ها و اشعار ویژه‌ای را بر «حوزه شعر

شعر هیئت شاخه‌ای از شعر دینی و آیینی است. درون مایه و محتوای این گونه شعر را در طول حدود یک سده عمر خویش، مسائل و موضوعاتی چون سوگ و مصائب بزرگان دین - به‌ویژه اهل بیت - و شادی و سرور چون ولادت‌ها و مناسبت‌های بزرگ چون بعثت، غدیر و ازدواج علی علیه‌السلام در بر گرفته است. البته سهم مرثیه و سوگ در شعر هیئت چشم‌گیرتر است. جز سوگ و سوگ بزرگان دین، در چند دهه بعد از پیروزی انقلاب، سروده‌های ویژه شهدا و سرورده‌های جشنهای ملی - دینی مانند پیروزی انقلاب و پیروزی‌های جنگ تحمیلی، حوزه شعر هیئت را بارورتر کرده است. در شعر هیئت، نیایش و تحمیدیه، مواعظ و آموزه‌های اخلاقی و گاه مسائل اجتماعی و سیاسی نیز کاربرد دارد....

همچون هر پدیده‌ای دیگر که در گذر زمان، تغییر و تحول می‌پذیرد، شعر هیئت در طول حیات خویش، مسائل و موضوعات متنوع و متکثری را در خود گنجانده است، اگر دو دوره شعر هیئت - قبل و بعد از انقلاب اسلامی - را با هم مقایسه کنیم تأثیر عناصر سیاسی،



بر زیبایی سطحی چهره و قامت - که در غیر اولیاء نیز هست - آنها را فرو کند و نه چنان آنان را غیر عادی و دست‌نیافتنی و اسطوره‌ای معرفی کند که جای «اسوه» شدن و امکان «افتدا» به آنان سلب شود. به دیگر زبان، نه غلو صورت گیرد و نه وهن.

۳- هدف اولیای دین در توصیف‌ها و خیال‌بندی‌های شاعرانه گم نشود. وقتی از کربلا و عاشورا می‌گوییم، با انگیزه فقط تحریک عواطف - به هر قیمت - کاری نکنیم که هدف گم شود؛ در آن صورت نوع دیگری از مظلومیت برای حسین را رقم زده‌ایم؛ تا این سخن استاد شهید مرتضی مطهری مصداق نیاید که: «امام حسین علیه‌السلام سه مرحله شهادت دارد: شهادت تن به دست یزدی‌دیان، شهادت شهرت و سمعه و نام نیک به دست بعدی‌ها بالاخص متوکل عباسی و شهادت هدف به دست اهل منبر (و ایضا مداح و ذاکر)!

۴- شعر، پس از مطالعه دقیق تاریخ اسلام یا شخصیتی که درباره او شعر سروده شده است، عرضه شود. درست است که شعر گزارش یا منظوم کردن واقعه تاریخی نیست؛ اما نباید با مسلمات تاریخی ناهمخوانی داشته باشد. کم نیستند سروده‌هایی که در آنها جغرافیای وقایع اشتباه است، حوادث پیش آمده برای یک شخصیت به شخصیت دیگر نسبت داده شده و شعر از نظر گاه موضوع، محتوا و مصادیق مخلوط و مخدوش است.

۵- مخاطب‌های خاص یا اندیشیدن به مخاطب عام - سطوح متفاوت مخاطب - ممکن است شاعر را به فرو کشیدن و تنزل افق شعر بکشاند. گاه دیده می‌شود شاعری نامور و توانا، شعری ضعیف عرضه می‌کند و وقتی علت پرسش می‌شود، می‌گوید به تناسب مخاطب و مجلس سرودم.

توجه به مخاطب بسیار مهم است؛ اما باید توجه کرد که سرودن برای معصومین هیچ‌گاه به اعتبار ملاحظات مجلس، سست و ضعیف و سطحی نشود.

۶- نقدپذیری لازمه رشد شعر است و نقدگریزی و نگذاردن شعر از صافی نگاه صاحب‌نظران شعر شناس و موضوع شناس، ممکن است به شعر هیئت و ساخت مقدس اهل بیت، آسیب وارد کند.

یکی از اشکالات شعر هیئت، مخفی کردن شعر تا لحظه خوانش است؛ تا شاعر «لورفته» و «کهنه» نباشد و همین باعث می‌شود که گاه شعر بدون عبور از نقد و نظر صاحب‌نظران عرضه شود. بر این می‌توان «شتاب» و «بلافاصلگی» تولید تا مصرف، را افزود. گاه شاعر در تنگنای زمان شعر را می‌سراید و به مداح می‌سپارد و در نتیجه فرصتی برای بررسی و نقد نمی‌یابد؛ طرفه‌تر آن که شاعر و مداح یکی باشند و این شعر با همان نکته پیش گفته - مخفی کردن برای حفظ تازگی - بی‌هیچ واسطه‌ای از تولید به مصرف برسد؛ در آن صورت «نقد» صورت نگرفته و شعر چه از نظر گاه صورت و چه محتوا ممکن است از لغزش‌ها و کاستی‌ها سرشار باشد، مطالعه سروده‌ها و اشعار مداحان - حتی مداحان بزرگ - گویای چنین کاستی‌هایی است، شگفت آن که گاه لغزش‌های بارز وزنی و قافیهای نیز در آنها یافت می‌شود و در مجالس رسمی و بزرگ، در حضور بزرگان و شعرآشنایان عرضه و اجرا می‌شود. ■

پی‌نوشت:

\*برای مطالعه این مقاله به‌طور کامل به پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد دعبل خزاعی به آدرس: [www.deabel.com/news](http://www.deabel.com/news) مراجعه کنید. این مقاله به همراه سایر مقالات نشست تخصصی شعر هیئت در قالب یک کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

سروده‌های اخلاقی که به قصد عرضه در هیئت سروده شده‌اند، کم و بیش دیده می‌شود.

### شعر سیاسی - اجتماعی هیئت

تاریخ هیئت‌ها در عصر صفویه، با تکیه بر اسناد و مدارک از جمله گزارش جهانگردانی که ایام سوگواری محرم را در اصفهان گزارش کرده‌اند، نشان می‌دهد که در آن روزگار هیئت و دسته‌های عزاداری به شدت دچار بدعت‌ها و خرافات و گاه زد و خورد‌های خونین میان هم بودند؛ گاه نیز باز یحیه حکومت می‌شدند.

اگر دو دوره شعر هیئت قبل و بعد از انقلاب اسلامی را با هم مقایسه کنیم تأثیر عناصر سیاسی فرهنگی ملی قومی حتی تأثیر تحولات جهانی را در آن خواهیم دید.

«پیترو دل‌واله» جهانگرد ایتالیایی در ایران می‌نویسد: «وزیر اصفهان و خزانه‌دار شاه، با عده زیادی از سواران نظارت می‌کنند که در مدخل خیابان‌ها به میدان، دسته‌ها به جان هم نیفتند؛ امری که غالباً پیش آمده و عده‌ای کشته شده‌اند. البته شاه عباس از این درگیری‌ها لذت می‌برد و با قدرت از دسته‌ای جانبداری می‌کند؛ اما پس از درگیری آنان، خود را به یکی از خانه‌ها می‌رساند و از پشت پنجره، تماشاگر این درگیری‌های شوم می‌شود...»

... در سال‌های بعد از انقلاب به‌ویژه سال‌های دفاع مقدس - هیئت‌ها کاملاً در صحنه مسائل سیاسی و اجتماعی بودند. درگیری مستقیم با مسائل جنگ، حضور در جبهه‌ها، حتی برپایی هیئت‌ها در سنگرها و مساجد و حسینیه‌های جبهه، با همان مراسم و آیین و با حضور مداحان - مداحان همراه با کاروان‌های اعزامی - تأمین نیازهای جبهه و پشتیبانی و حمایت از جبهه‌ها و تدارک اقلام مورد نیاز جبهه و پشت جبهه و یاری شهرهای جنگ‌زده، بخشی از فعالیت‌های هیئت محسوب می‌شود. هم‌اکنون با ورود به هیئات، تصویر شهادی هر هیئت، سند همکاری و افتخار هیئت است. در هنگام حرکت هیئت در محرم نیز بخشی از هویت هیئت را همین تصاویر تشکیل می‌دهد. شعر هیئت در سال‌های دفاع مقدس، به چند گونه با مسائل انقلابی و سیاسی جامعه پیوند می‌یابد:

۱- طرح کلی مسائل انقلاب و دفاع مقدس (درج در سروده‌ها) ...

۲- سروده‌های ویژه با طرح مسائل خاص (سروده‌های خاص) ...

آسیب‌شناسی محتوا و درون‌مایه شعر هیئت (توصیه‌ها)

شعر هیئت در دو قلمرو و مرتبه و مدیحه باید در ترازوی نقد مستمر قرار گیرد؛ تا پیرایه‌ها، کژهمی‌ها و تحریف‌ها از ساحت آن زدوده شود. برای رسیدن به این هدف:

۱- شعر - مرتبه یا مدیحه - نباید از هدف روشنگری و شناساندن چهره و شخصیت و حقیقت دین و اهل بیت تهی باشد. شعری که فاقد این ویژگی‌ها باشد نامناسب و حداقل «ناقص» است.

۲- شعر باید از اولیاء و اهل بیت «اسوه» بسازد؛ نه «اسطوره»؛ نه با توصیف‌های صوری و ظاهری و تمرکز

و دفتر و همراه داشتن یادداشت، نوعی ناتوانی و ضعف تلقی می‌شد.

شعر هیئت در گذشته، مساحت‌ها و قلمرو‌هایی بسیار محدود داشته است و چون شکل‌گیری هیئت‌ها برای برپایی مراسم تاسوعا و عاشورا بوده، محورترین سروده‌ها، در باب شهادت جانسوز ابا عبدالله و یاران وی - به‌ویژه شهدای بنی‌هاشم مانند ابولفضل العباس، علی اکبر، قاسم، علی اصغر و به ندرت دیگر صحابه و پس از آن درباره مسائل پس از شهادت مانند اسارت کاروان بازمانده کربلا و ماجراهای کوفه و شام و مدینه و اربعین حسینی بوده است.

در سال‌های پس از انقلاب، نه تنها ساختار هیئت تغییر یافت که محتوا و درون‌مایه شعر هیئت متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی و انقلابی، تغییر چشم‌گیر پیدا کرد و مداحان و ذاکران هم در بهره‌گیری از سبک‌ها و هم نغمات و سروده‌ها، دگرگونی‌های فراوانی را رقم زدند.

با توجه به این تحولات و تغییرات، شعر هیئت، مشحون از نوآوری‌ها در ساخت و محتوا شده است. تبیین و تحلیل محتوای امروز شعر هیئت، پشتوانه تصحیح و تعمیق این راه‌خطیر و اصلاح و ارتقای این گونه شعر است.

درون‌مایه و محتوای شعر هیئت را موضوعات و مسائلی چند تشکیل می‌دهد:

### الف: سوگ و مرثیه

■ سوگ و مرثیه در شعر هیئت با تکیه بر عناصر زیر صورت می‌گیرد.

- مظلومیت و ستم‌دیدگی
- توصیف و طرح مصائب و رنج‌ها
- سوگ سروده‌های فاطمی
- سوگ شهدا

### ب: سر سروده‌ها و مولودیه‌ها

#### ج: شعر عاشقانه - عارفانه هیئت

#### د: نیایش‌ها، تحمیدیه‌ها (نیایش و پرستش)

... نیایش‌های هیئت معمولاً چند گونه‌اند:

- نیایش‌های مشهور شاعران شاخص مانند: شعر الهی سینهای ده آتش افروز از وحشی بافقی. و ملکا ذکر تو گویم از سنایی
- نیایش‌های شاعران معاصر مانند نیایش‌های موسوی گرمارودی، محمدعلی مجاهدی
- نیایش‌های شاعران ذاکر و مداح مانند علی انسانی، غلامرضا سازگار

محتوا و درون‌مایه نیایش‌ها از همان شیوه ادعیه پیروی می‌کند. در ادعیه درون‌مایه و ساختار معمولاً بدین گونه است که نخست صفات جمال و جلال خداوندی مطرح و پس از آن عجز و ناتوانی و گناهکاری بنده و سرانجام درخواست‌ها و نیازها طرح می‌شود. نکته‌ای که قابل طرح و به‌گونه‌ای نوعی آسیب در نیایش‌های هیئت (البته برخی نیایش‌ها) است؛ تنزل و افق پایین خواسته‌هاست ...

### ه: سروده‌های وعظی و تعلیمی و تربیتی

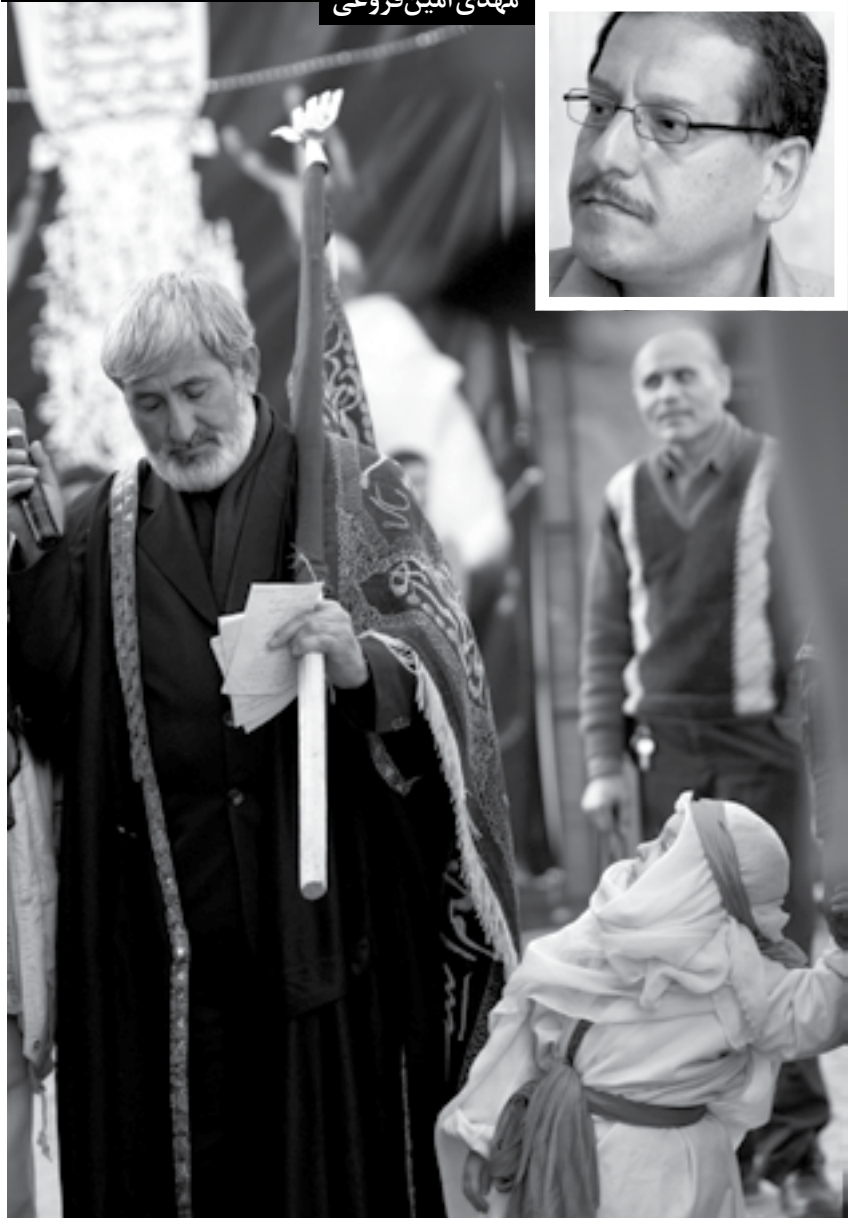
#### (حکمی و تربیتی)

... گاه نکات اخلاقی و تربیتی در سروده‌های مرثیه و مدیحه هست؛ اما «شعر اخلاقی» همانند شعر نیایش، سهم کمتر و حتی اندک‌تر از شعر نیایشی در هیئت دارد. با این همه در مجموعه‌ها و دفاتر شعر آیینی،

سخن از روحيات اولياست و تفاوت آن با احوالات و نگرش ما

# زبان حال در سوگ سروده‌های عاشورایی

مهدي امين فروغي



غلطیدن در دامچاله‌های وادی انحراف ایمن باشیم، چرا که اگر انحرافی در این وادی مقدس، که همانا ستایشگری انوار طبیعه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است پدید آید، خساراتی جبران ناشدنی به همراه خواهد آورد.

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه‌ای برون آی ای کوکب قداست

خداوند در قرآن کریم به صورتی شگفت‌انگیز در قالب الفاظی تهدیدآمیز، مسئله نسبت دادن سخنی را به خویش مطرح می‌کند و امانتدار وحی خویش که در حصن حصین «ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، اِنْ هُوَ اِلَّا وَحیٌ یُّوحی، عَلَّمَهُ شَدِیدُ الْقُوَىٰ» (سوره نجم، آیات ۵-۳) آرمیده است را تهدید می‌کند! ناگفته پیداست که حق تعالی در آیاتی که در ابتدای این نوشته آمد، اهمیت مسئله را گوشزد می‌فرماید و مؤمنان را زنهار می‌دهد و به آنان یادآور می‌شود که، کسی را که ما برای ابلاغ وحی برگزیده‌ایم، هرگز سخنی به مانمی‌بندد و آنچه ما می‌گوییم، می‌گوید. مع ذلک خداوند درباره پیام‌آور امین خود که در پس آینه طوطی صفت‌اش داشته و جز آنچه استاد ازل گفت بگو، نمی‌گفت، می‌فرماید: «اگر به ما دروغ می‌بست و سخنانی را به ما نسبت می‌داد، او را به عقوبت این کار به سختی می‌گرفتیم و شاهرگ حیانتش را قطع می‌کردیم.»

بادرنگ در معنای آیات مذکور و یادآوری حرمت دروغ بستن به خدا و رسول خدا و ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام می‌بایست سختی عنان اندیشه و گفتار را واپس کشید و در باب مطالبی که در عرصه مرثیه‌سرایي و مرثیه‌خوانی تحت عنوان «زبان حال» بیان می‌شود، تأملی کرد. در این درنگ، این سؤال مطرح می‌شود که،

- زبان حال چیست؟
- حدود و ثغور آن کدام است؟
- از چه زمانی در ادبیات عاشورایی وارد شده است؟
- اگر این کار با رعایت حدود آن انجام نشود، مصداق دروغ بستن به معصومین علیهم السلام نیست؟

آیا مطالبی که ما تحت عنوان زبان حال امام بیان می‌کنیم و احساسات و احوالات روحی امام معصوم و سایر اولیا را در سطح احساسات و احوالات روحی خویش تنزل می‌دهیم و نام آن را زبان حال می‌گذاریم، باعث مخدوش کردن شخصیت معصومین علیهم السلام نیست؟

در طی قرون گذشته در عالم تشیع برای ناقلان روایات و احادیث معصومین علیهم السلام از سوی علمای علم حدیث مجوز صادر می‌شد و کسی به سادگی نمی‌توانست روایتی را از معصوم نقل کند. بدین منظور سال‌ها در محضر بزرگان علم حدیث تلمذ می‌کردند و پس از گذراندن سطوح مختلف علمی نهایتاً اگر از طرف اساتید خویش واجد شرایط شناخته می‌شدند، به داشتن اجازه‌نامه جهت نقل حدیث مفتخر می‌شدند.

فی‌المثل در شرح حال مرحوم آیت الله علامه محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) آمده است که ایشان از آیات عظام حاج میرزا حسین نوری طبرسی (محدث بزرگ شیعه و گردآورنده مجموعه روایتی مستدرک الوسائل، سید حسن صدرالدین موسوی، معروف به صدر کاظمی (مؤلف کتاب تأسیس الشیعه)، میرزا محمدباقر اصطهباناتی شیرازی، شیخ احمد شیرازی (شانه‌ساز) و شیخ الشریعه اصفهانی اجازه‌نامه روایتی داشت.

در برخی از کتب حدیث دیده می‌شود که نویسنده در ابتدای کتاب خود اجازاتی را که از مشایخ روایی خود دارد منعکس می‌کند تا خواننده اگر روایتی را در آن کتاب می‌بیند، بداند که نویسنده کتاب، اهلیت نقل آن را داراست.

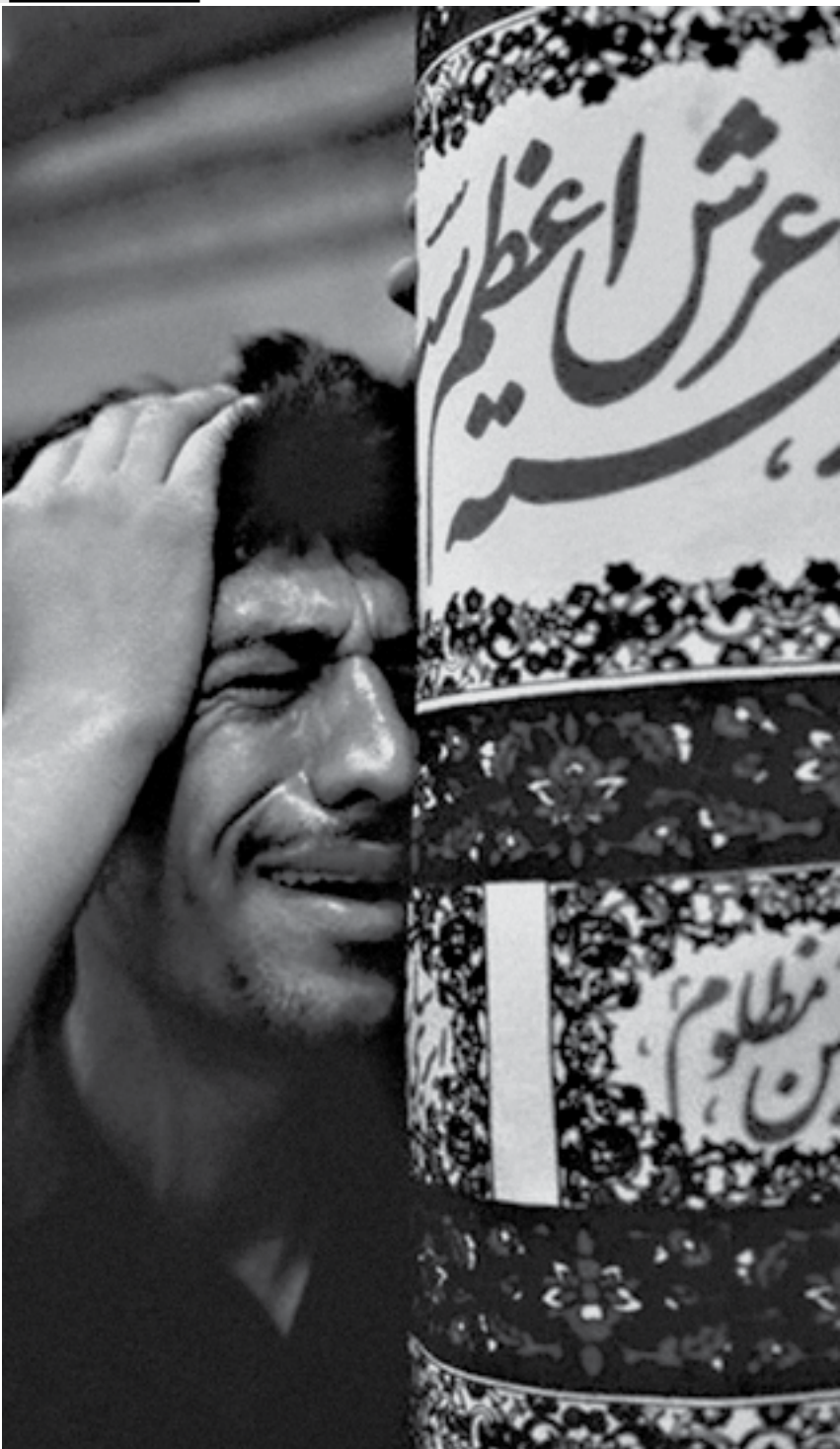
است، به نظر می‌رسد می‌بایست اهل بینش و تحقیق در این عرصه به واکاوی دقیق پدیده‌ها و پژوهش در جزء به جزء آنچه با آن روبه‌رو هستیم بپردازند که مقوله «زبان حال» از آن جمله است.

در این نوشته ما را سر آن نیست که به نفی و اثبات مطالبی بپردازیم و یک‌جانبه نتیجه‌گیری کنیم؛ بلکه این نوشتار تنها فتح بابی است برای اندیشه‌ورزی و دعوتی است تا اندیشمندان و اهل تحقیق و آنان که در این باب صاحب‌نظرند به موضوع مهم زبان حال در مرثیه‌سرایي و مرثیه‌خوانی بپردازند. باشد تا رهاورد هم‌اندیشی‌ها، چراغی باشد فرادست مادحان و ذاکران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و معیاری برای ما تا سره از ناسره بازشناسیم و به ریسمان تحقیق دست یازیم و از فرو

و لَوْ تَقَوْلُ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقْوَابِلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ \* فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ \* و اگر محمد (ص) از دروغ به ما برخی سخنان را می‌بست محققاً ما او را (به قهر و انتقام) از یمنین می‌گرفتیم و شاهرگش را قطع می‌کردیم و شما هیچ یک بر دفاع از او قادر نبودید. (سوره الحاقه، آیات ۴۷-۴۴)

یکی از ابزارهایی که در عرصه ادبیات عاشورایی - و از پی آن ذاکری و مداحی - از آن استفاده می‌شود، مطالبی است که در قالب نظم و نثر بیان می‌شود و به آن «زبان حال» می‌گویند. در سال‌های اخیر که جامعه با شکل جدیدی از مداحی و ذاکری روبه‌روست و رفته‌رفته عزاداری‌ها در بعضی موارد از شکل سنتی خود خارج و مضامین و رویکردهای متفاوتی در اشعار مرثیه‌وارده شده





✽ اگر در عرصه زبان قال مجاز نیستیم حرفی را بر حرف کسی بیفزاییم یا از آن بکاهیم وضعیت در عرصه زبان حال به مراتب دشوارتر است آن هم درباره ذوات مقدسه‌ای که پرده‌نشینان معموره عصمت‌اند

تردید نیست که ما در مقام «زبان قال» مجاز نیستیم سخنی را به خدا و پیامبر و ائمه هدی علیه‌السلام و هیچ بنده‌ای از بندگان خدا نسبت دهیم و تکلیف ما در این باب روشن است. اما سخن از «زبان حال» است.

زبان حال به این معنا که حال یا احساسی را به کسی نسبت دهیم و در قالب اشعاری به کیفیت حال و احساس او پردازیم.

احساسات ما در مواجهه با مسائل مختلف زندگی، اعم از غم‌ها و شادی‌ها منحصر به شخص ماست و اطرافیان ما و سایر مردم در برخورد با مسائل مختلف، عکس‌العمل‌های متفاوت از خود نشان می‌دهند. حتی خود ما در برخورد با یک مسئله، در شرایط مختلف روحی، واکنش‌های متفاوت از خود بروز می‌دهیم و تأثیرپذیری ما همیشه یکسان نیست.

ممکن است احساس من در برخورد با یک مصیبت، امروز به گونه‌ای باشد و در برخورد با همان مصیبت در زمان دیگری، به گونه‌ای دیگر واکنش نشان دهم. در مواجهه با یک خبر ناگوار، عکس‌العمل من با واکنش شخص دیگر متفاوت است و نمی‌توانم احساس خود را تعمیم دهم.

اگر در عرصه زبان قال مجاز نیستیم حرفی را بر حرف کسی بیفزاییم یا از آن بکاهیم، وضعیت در عرصه زبان حال به مراتب دشوارتر است، آن هم درباره ذوات مقدسه‌ای که پرده‌نشینان معموره عصمت‌اند.

ما که در شناخت احوالات درونی و احساسات اطرافیان خویش که با آنها زندگی می‌کنیم عاجزیم و غالباً در این باب مبتلا به سوء تفاهم هستیم، چگونه می‌توانیم آنچه فهم ما حکم می‌کند به حضرات معصومین علیه‌السلام نسبت دهیم؟

آیا می‌توانیم احساسات و احوالات روحی امام معصوم را که از درک شخصیت حضرتش عاجزیم، دریابیم و بر چگونگی آن وقوف حاصل کنیم و این در حالی است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «لایقاس بأل محمد صلی الله علیه و آله من هذه الامة أحد»؛ «هیچ کس از این امت را با آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌توان قیاس کرد.» (نهج البلاغه ص ۴۴)

آیا می‌توانیم در قالب نوحه یا نظم یا نثر بگوییم سیدالشهدا علیه‌السلام - روحی له الفدا - در مواجهه با فلان مصیبت این گونه می‌اندیشید؟

احساس حضرتش این چنین بود،

یا در دل چنین گفت؛

یا با خویش این گونه واگویه داشت؟

باری، سخن از روحيات اولیاست و تفاوت آن با احوالات و نگرش ما. اگر پس از واقعه عاشورا از آنان که شاهد ماجرا بودند، سؤال می‌شد، چه دیدید؟ چه می‌گفتند؟

اما هنوز تاریخ شگفت‌زده است از عظمت جمله‌ای که زینب کبری سلام الله علیها پس از مشاهده آن همه مصیبت فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً».

باندکی تأمل در این باب روشن می‌شود که اصولاً ذائقه اولیای خدا و نوع نگرش ایشان به مسائل با ذائقه و نوع نگرش ما متفاوت است و تردیدی نیست که ما مجاز نیستیم ادراکات خود را تعمیم دهیم، آن هم

کنیم؛ تا برسیم به زمان حاضر و دریابیم مقوله زبان حال از چه زمان و چگونه به وجود آمده است.

در این بررسی تاریخی، نخست از ادبیات عرب شروع می‌کنیم و آثار پدید آمده از قرون اولیه را از نظر می‌گذرانیم و با نگاهی به سیر سنوی اشعار عاشورایی از دهه‌های نخست تا امروز، به دنبال ردپایی از زبان حال به صورتی که امروز در ادبیات ما رایج شده می‌گردیم و از آن پس، به بررسی دوره‌های مختلف در ادبیات فارسی می‌پردازیم.

از میان بازماندگان واقعه کربلا در میان اهل بیت علیه‌السلام از امام سجاد علیه‌السلام، زینب کبری سلام الله علیها، سکینه سلام الله علیها، رباب سلام الله علیها و از سایر منسوبین به ایشان ام‌البینین سلام الله علیها و ام‌لقمان اشعاری در دست است.

در مورد آنان که آسمانی‌اند و دیگر گونه می‌اندیشند. و همان گونه که مجاز نیستیم در زبان قال از خود تصرفی داشته باشیم، در زبان حال نیز به طریق اولی مجاز به برداشت‌های شخصی و قیاس به نفس نیستیم.

در اینجا باز می‌گردیم به سؤال نخست که پس، زبان حال چیست؟

حدود و مرزهای آن کجاست؟

و از چه زمانی وارد ادبیات عاشورایی شده است؟ برای پاسخ به این سؤالات و به منظور بازشناسی این مفهوم که زبان حال از چه زمان در عرصه ادبیات عاشورایی وارد شده است، نخست می‌بایست تاریخ شعر عاشورایی را ورق بزنیم و به عقب برگردیم و نخستین آثار به وجود آمده در این عرصه را بررسی



امام سجاد علیه السلام در اشعاری می فرماید:

ای امت بدکار، خداوند آبادانی را از سرزمین هایتان دور بردارد.

یا امّہ السّوء، لا سقیاً لربکم  
یا امّہ لم نزع جدنا فینا  
لو أنّنا و رسول الله یجمعنا  
یوم القیامه ما کنتم تقولونا؟!  
تسیرونا علی الاقتاب عاریه  
کأنّنا لم نشید فیکم دینا

ای امتی که در رفتار تان با ما، حرمت جد ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را رعایت نکردید. اگر در روز قیامت پیامبر خدا ما را جمع کند و گرد هم آید، شما یان چه جوابی خواهید داشت؟ ما را بر پشت شتران بی جهاز سوار کردید و روانه ساختید. گویا ما به وجود آورنده دین و آیین در میان شما نیستیم و پایه های آن را استوار نکردیم! (ادب الطف، ج ۱، ص ۲۵۴) و نیز می فرماید:

فلاغرو من قتل الحسین فشیخه  
ابوه علی کان خیراً واکرما  
فلا تفرموا یا اهل کوفان بالذی  
أصاب حسیناً کان ذلک اعظما  
قتیل بسط التهر روحی فداؤه  
جزء الذی ارده نار جهنما

عجبی نیست در قتل حسین، چرا که پدرش علی مرتضی که بهتر و بزرگوارتر از او بود را نیز کشتند. ای کوفیان، شاد باشید به آنچه بر حسین از مصائب وارد شد که این خطایی بزرگ بود. بر کرانه فرات کشته بر خاک افتاد که جانم فدای او

باد و بی شک جزای کشنده او آتش دوزخ است. (همان، ج ۱، ص ۲۵۴)

زینب کبری سلام الله علیها نیز در اشعاری می فرماید:  
علی الطف السلام و ساکنیه  
و روح الله فی تلک القیاب  
مضاجع فتیه عبدوا فناموا  
هجوراً فی القوافد و التروابی  
علتهم فی مضاجعهم کعاب  
بأرزان منعهم رطاب  
و صیرت القبور لهم قصوراً  
مناخاً ذات أفنیه رحاب

بر سرزمین کربلا و ساکنانش درود باد که روح و ریحان الهی در میان این آرامگاه هاست.

قبور جوانمردانی شبزنده دار که خدای را در دامان این تپه ها و دشت ها عبادت کردند و از آن پس در خاک آرمیدند.

آنان اگر چه در گور خفته اند و لباس هایشان آغشته به خون است، اما مردمانی عزتمند بودند و شرافت را حیات بخشیدند.

چون نیک بنگری این آرامگاه ها برای ایشان به کاخ هایی وسیع مبدل شده است و آنان در آن جاودانه اند. (نهایه الارج، ج ۷، ص ۲۰۰. ادب الطف، ج ۱، ص ۲۳۶)

از سکنه بنت الحسین سلام الله علیها که بانویی ادیب بود و سخنانش به فصاحت و بلاغت آراسته بود نیز اشعاری در دست است. (اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۲) در شرح حال ایشان آمده که بزرگان شعرا نزد او می آمدند و در باب مباحث علمی و ادبی مباحثه می کردند و شعر خود را در حضور ایشان می خواندند و این بانوی بزرگوار درباره اشعار ایشان داوری می فرمود. این یادگار سیدالشهدا علیه السلام در ربیع الاول سال ۱۱۷ هجری در مدینه رحلت فرمود. (الآغانی، ج ۱۶، ص ۸۹) این ابیات از اوست:

لا تعذلیه فمهم قاطع طرقة  
فعیینه بدموع زرف غدقه  
إن الحسین غداه الأطف یرشقه  
ریب المنون فما أن یخطیء الحدقه  
بکف شر عبادالله کلهم  
نسل البغایا و جیش المرق الفسقه  
یا امّہ السّوء ها تو اما احتجاجکم  
غداً و جلکم بالسیف قد مفقه  
الویل حل بکم الایمن لحقه  
صیر تموه لارماح العدی درقه  
یا عین فاحتلفی طول الحیاه رماً  
لاتبک ولداً و لا اهلاً ولا رفقه  
لکن علی ابن رسول الله فانسکی  
قیحاً و دمعاً و فی اثریهما العلقه

آنکه راه گم کرده است را نکوهش مکن زیرا چشمانش اشکیار است.

در سرزمین کربلا و در روز عاشورا تیری مرگبار به سوی حسین رها شد که از تیررس چشم دور نمی ماند. این کار از بدترین مردمان سرزد که از نسل بغی و در لشکر فسق و فجور بودند.

ای امت بدکار در روز رستاخیز بر این کارتان چه عذری خواهید آورد و این در حالی است که جملگی شما یان او را با شمشیر می زدید.

به جز آنان که به او پیوستند، وای بر شما یان باد که او را در برابر نیزه های دشمنان سپر کردید.

ای چشم تادم مرگ بر این مصیبت خون گریه کن و برای فرزند و خانواده و دوستان نه. (تنها در مصیبت حسین سزاوار است خون گریه کنی.)

(ای چشم) بر فرزند رسول خدا گریه کن و اشک خود را همراه با غصه و خون دل در مرثیه او روانه ساز. (ادب الطف، ج ۱، ص ۱۵۸)

همسر بزرگوار امام حسین علیه السلام رباب، دختر امری القیس بن عدی بن اوس و مادر سکینه و عبدالله



میان زنان بنی هاشم به نوحه سرایی پرداخت و این اشعار را می خوانند:

ماذا تقولون اذ قال النبي لكم  
ماذا فعلتم و انتم آخر الامم  
بعترتي و بأهلي بعد مفتقدی  
منهم اساری و منهم ضرّ جوا بدم  
ما كان هذا جزائي اذ نصحت لكم  
ان تخلفوني بسوء في ذوی رحمی

ای مردم، در جواب پیامبر چه خواهید گفت اگر از شما بپرسد، شما که آخرین امت بودید، با خاندان و اهل بیت من، پس از من چه کردید؟ گروهی را به خاک و خون کشیدید و عده ای را به اسیری بردید!

پاداش نصایح و دلسوزی های من درباره شما این نبود که با خاندان من اینگونه بسا بدی رفتار کنید. (مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۵)

قتلتهم اخی ظلماً فویل لامکم  
ستجزون ناراً حرّاً ینتوقد  
سفکتهم دماء حرم الله سفکها  
و حدمها القرآن ثم محمّد

این اشعار نیز منسوب است به یکی از دختران امیر المؤمنین علیه السلام که در خطاب به کوفیان گفت:

برادرم را ظالمانه کشتید، پس وای بر شما، به زودی به آتشی افروخته و فروزان جزا داده می شوید. خون هایی را بر زمین ریختید که خداوند و کتاب خدا و رسول او، ریختن آن را حرام کرده بودند. (الکامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۳۹. ادب الطف، ج ۱، ص ۶۷)

در نمونه های اشعار آل الله که نخستین سوگ سروده های عاشورایی است، نشانی از زبان حال به صورتی که امروزه در اشعار عاشورایی رایج است دیده نمی شود. ■

ادامه دارد ...

پی نوشتها:

۱. ادب الطف و اشعار الحسين، شبیر، جواد (بیروت، مؤسسه التاريخ، ۱۴۲۲ هـ.ق)
۲. اعیان الشیعه، الامین، سید محسن (تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۵ هـ.ق)
۳. الاغانی، الاصفهانی، ابوالفرج (دارالکتب المصریه، ۱۳۲۷ هـ.ق)
۴. الکامل فی التاريخ، ابن اثیر، عزالدین، علی بن احمد بن ابی الترم (تحقیق مکتب التراث، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق)
۵. عمده الطالب، ابن عنبه، احمد (نجف، ۱۳۸۱ هـ.ق)
۶. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ هـ.ش)
۷. مروج الذهب و معادن الجوهر، المسعودی، علی بن الحسین، تحقیق محی الدین عبدالمحمد (مصر، ۱۹۶۷ م)
۸. مقتل الحسين، المقدم، سید عبدالرزاق (بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۹ هـ.ق)
۹. نهایه الارب فی فنون الارب، نویری، شهاب الدین احمد، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، (تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۵ هـ.ش)
۱۰. نهج البلاغه، شریف رضی، ترجمه عبدالمحمد آیتی (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ هـ.ش)

فاطمه بنت خزام را به واسطه اینکه چهار فرزند دلاور داشت، ام البنین لقب دادند. پس از واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری، ام البنین همه روزه به گورستان بقیع می رفت و صورت چهار قیر درست می کرد و به مرثیه سرایی برای امام حسین علیه السلام و فرزندان دلاورش می پرداخت و مردمان بر گرد او حلقه می زدند و می گریستند. گاه مروان بن حکم نیز او را به نظاره می نشست.

لاتدعونی و یک ام البنین  
تذکرینی بلیوث العرین  
کانت بنون لی ادعی بهم  
والیوم اصحت و لا من بنین  
اربعه مثل نسور الری  
قد واصلوا الموت بقطع الوتین  
تنازع الخرصان اشلاء هم  
فکلهم أمسی صریعاً طعین  
یا لیت شعری اکما اخبروا  
بأن عباساً قطع الوتین!؟

ام البنین می گریست و می گفت:

دیگر مرا ام البنین خطاب نکنید که مرا دیگر سپری نیست. با این کار مرا به یاد شیر بچگانم می اندازید.

روزگاری فرزندان داشتم که مرا به نام آنان می خواندند. اما امروز دیگر سپری ندارم.

چهار پسر داشتم، چونان شهباز شکاری که مرگ از راه در رسید و رگ های گلویشان را بریدند.

همه آنان از ضربات نیزه مجروح شدند و بر خاک و خون غلطیدند.

ای کاش می دانستم، آیا درست به من خبر داده اند که عباس را گلو بریدند؟

و در شعری دیگر می فرمود:

یا من رأی العباس کرّ  
علی جماهیر النقد  
و وراه من ابناء حیدر  
کل لیث ذی لبد  
انیت ان ابنی اصیب  
برأسه مقطوع ید  
ویلی علی شلی أمال  
برأسه ضرب العمد  
لوکان سیفک فی ید  
یک لماندا منک احد

ای کسی که عباس را دیدی در آن هنگام که بر مردمان پست و فرومایه حمله می برد.

و پشت سر او پسران حیدر کرار چون شیران بیشه کارزار می کردند.

شنیده ام که عمود آهن بر فرق سر او اصابت کرده و این در حالی بوده که دست در بدن نداشته است!

وای بر من، آیا بر فرق شیر بچه دلیر و شجاع من عمود آهن فرود آمد؟

عباس من، آه که اگر شمشیر در دستت بود، کسی را یارای رویارویی با تو نبود. (ادب الطف، ج ۱، ص ۱۶)

یکی از دختران عقیل بن ابیطالب زینب است که او را ام لقمان می گفتند. ام لقمان بانوی سخنور و ادیب بود و هنگامی که بشیر بن خدلم خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به مدینه آورد، ام لقمان در

علی اصغر علیه السلام است که شاهد ماجرای شهادت امام علیه السلام و اسارت آل الله بوده است. در شرح حال او آمده است که پس از واقعه عاشورا و مشاهده بدن مطهر امام علیه السلام که بر زمین و زیر تابش آفتاب افتاده بود، دیگر تا پایان عمر هیچ گاه در سایه نشست. (الکامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۴۸۸)

او آنقدر به یاد امام حسین علیه السلام می گریست که تاب و توان از کف می داد و سرانجام در سال ۶۲ هجری از دنیا رحلت فرمود. (مقتل الحسين، ص ۳۷۶)

رباب در اشعاری می فرماید:

ان الذی کان نوراً یستضاء به  
فی کربلا فتیل غیر مدفون  
سبط النبی جزاک الله صالحه  
عنا و جنبت خسران الموازین  
قد کنت لی جبالاً صلداً ألوذ به  
و کنت تصبحنا بالرحم و الذین  
من للیتامی و من للسائلین و من  
یغنی و یاوی الیه کل مسکین؟  
والله لا یتغی صهراً بصهر کم  
حتی أغیب بین الرمل و الطین

آن کس که از وجود او نور می گرفتند در کربلا کشته شده و پیکر او بر خاک بی غسل و کفن مانده است. ای فرزند پیامبر، درود خداوند از جانب ما بر تو و جزای خیرت باد و خداوند پیوسته بر علو درجاتت بیفزاید.

تو برای من مانند کوهی بودی که به تو پناه می بردم و پیوسته با مهر و عطوفت و با رعایت موازین دین خدا با ما رفتار می کردی.

پس از تو چه کسی یار و غمخوار یتیمان و فقیران باشد؟ و چه کس پناه در ماندگان و بی پناهان باشد؟

پس از تو تا پایان عمر و تا آن هنگام که مراد در میان گور بنهند، تنهای تنها خواهم بود. (ادب الطف ج ۱، ص ۱۶)

و در مجلس یزید، رباب سر امام علیه السلام را برداشت و بوسید و در دامان خویش نهاد و گریستن آغاز کرد و گفت:

وا حسینا، فلا نسیت حسینا  
اقصدته استنه الأعداء  
غادروه بکر بلا صریعاً  
لا سقی الله جانبی کربلا

وا حسینا، هرگز حسین را فراموش نمی کنم که چگونه دشمنان قصد او کردند.

پیکر او را بر خاک کربلا افکندند و امیدوارم دیگر هیچ گاه در کربلا باران (رحمت الهی) نبارد. (و روی آبادانی نبیند). (الاغانی، ج ۱، ص ۱۶)

فاطمه بنت خزام بن خالد بن ربیع بن عامر بن کلاب، همسر بزرگوار امیر المؤمنین علیه السلام و مادر والا مقام ابوالفضل العباس علیه السلام و برادرانش عبدالله، عثمان و جعفر بود. پس از شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها، امیر المؤمنین در باب انتخاب همسری که دارای اهل نسل باشد و فرزندان دلیر از او به هم رسد با عقیل که نَسب شناس بود مشورت فرمود و او فاطمه بنت خزام که از خانواده های ریشه دار و اصیل بود را معرفی کرد و امیر المؤمنین علیه السلام با او ازدواج فرمود. حاصل این ازدواج چهار فرزند دلاور بود که جمگی در کربلا شهید شدند و سر آمد ایشان عباس بن علی علیه السلام سالار و علمدار سپاه حسین علیه السلام بود. (عمده الطالب، ص ۳۵۶)

بنیان شعر آیینی بر بینش است نه دانش

# محتوای ادبیات آیینی

گفت‌وگو با اسماعیل امینی

سمیرا شاه‌قلی

❁ ادبیات آیینی با رشد و توسعه‌ای که امروزه در ادبیات داشته نباید به حال خود رها شود بلکه می‌توان با گسترش چشم‌انداز آن و بسط به حوزه‌های مختلف در توسعه و پربارتر شدن آن کوشید

امر به معروف و نهی از منکر را هم شامل می‌شود که ۸۰ درصد حجم ادبیات ما را این موضوعات تشکیل می‌دهد.

**دعبل: آقای امینی اجرا شدن این طرح چه پیش‌زمینه‌هایی لازم دارد؟**

مهمترین ضرورت‌های اجرایی شدن این طرح، تهیه منابع و متون دانشگاهی است؛ البته منابعی در این زمینه تهیه شده است که بیشتر برای مطالعه آزاد مناسب است. اگر بخواهیم در چارچوب درسی این منابع را طرح کنیم، نیازمند تشکیل کارگروهی هستیم که با برنامه‌ریزی و نیازسنجی علمی و آموزشی به تدوین متون مناسب بپردازند. ادبیات آیینی با رشد و توسعه‌ای که امروزه در ادبیات به مفهوم عام خود داشته است، نباید به حال خود رها شود؛ بلکه می‌توان با گسترش چشم‌انداز آن و بسط به حوزه‌های مختلف - برای نمونه ورود به محیط‌های آکادمیک - در توسعه و پربارتر شدن آن کوشید.

**دعبل: وضعیت مدرسان و استادان در این حوزه چگونه است؟ آیا به تعداد کافی استاد شاخص برای تدریس در این حوزه داریم؟**

استادان نیز رکن مهم این موفقیت به‌شمار می‌روند. ما باید استنادی داشته باشیم که علاوه بر آشنایی با متد دانشگاهی و روش‌های تدریس، بر ادبیات به‌ویژه ادبیات آیینی تسلط داشته باشند. برای نمونه اکنون که رشته ادبیات پایدار ایجاد شده، ما منابع را داریم، دانشجوی هم هست؛ اما تعداد استادان آشنا با این نوع ادبیات اندک است؛ بنابراین ورود ادبیات آیینی به دانشگاه به‌تعمیل نیاز دارد و کاری صرفاً تبلیغی و ترویجی نیست؛ حتی می‌توان با حمایت از پایان‌نامه‌های دوره لیسانس و فوق لیسانس که این گرایش را دارند، شروع کرد.

**دعبل: به نظر شما ورود ادبیات آیینی به حیطه آکادمیک چه تأثیراتی بر جای خواهد داشت؟**

طبعاً این گونه اقدامات افق دید را گسترده‌تر خواهد کرد و جنبه اهمیت موضوع را بالاتر می‌برد. نقد و ارزیابی و شناخت و گسترش علم در دانشگاه صورت می‌پذیرد؛ بنابراین حیثیت ادبی شعر آیینی ارتقاء پیدا می‌کند و مطرح شدن آن در مجامع دانشگاهی پیشرفت بیشتری را برای شعر آیینی به همراه خواهد آورد؛ علاوه بر این، به نظر من بینش بیشتری نسبت به شعر آیینی از این طریق ایجاد خواهد شد و این اهمیت بسیاری دارد؛ چرا که بنیان شعر آیینی بر بینش است نه دانش. ■



«اسماعیل امینی» در سال ۱۳۴۲ش. در تهران محله نازی آباد متولد شد و اکنون مدرس ادبیات در دانشگاه‌های آزاد و علوم اقتصادی است. اولین تجربیات ادبی خود را در سنین نوجوانی با شعر گفتن و همکاری با مطبوعات آغاز کرد. پیش از انقلاب با یک نشریه محلی به نام «گزارش» همکاری می‌کرد. امینی مسئول واحد ادب و هنر فرهنگسرای بهمن، مدیر آموزش دفتر شعر جوان و نویسنده ستون نیشتر روزنامه جام جم نیز بوده است. اسماعیل امینی معتقد است: «ادبیات آیینی با رشد و توسعه‌ای که امروزه در ادبیات به مفهوم عام خود داشته است، نباید به حال خود رها شود؛ بلکه می‌توان با گسترش چشم‌انداز آن و بسط به حوزه‌های مختلف برای نمونه ورود به محیط‌های آکادمیک در توسعه و پربارتر شدن آن کوشید.»  
در ادامه گفت‌وگوی «دعبل» با ایشان را بخوانید.

نکنیم. به نظر من، ادبیات آیینی این قابلیت را دارد که به عنوان یکی از گرایش‌های مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته ادبیات ارائه شود. اگر با برنامه‌ریزی عمیق و به‌دور از شتابزدگی عمل کنیم، آسمان ادبیات آیینی بسیار فراخ‌تر و روشن‌تر از وضعیت فعلی خواهد

❁ ادبیات آیینی تنها مدح و منقبت نیست بلکه اخلاقیات، اصول دین، فروع دین، امر به معروف و نهی از منکر را هم شامل می‌شود که ۸۰ درصد حجم ادبیات ما را این موضوعات تشکیل می‌دهد

شد؛ چرا که ادبیات آیینی ما با سابقه هزاران ساله بخش عمده‌ای از ادبیات را به خود اختصاص داده و بزرگانی نظیر عطار، سنایی، حافظ، مولوی و... آثار بزرگی در این عرصه خلق کرده‌اند؛ البته باید گفت، ادبیات آیینی تنها مدح و منقبت نیست؛ بلکه اخلاقیات، اصول دین، فروع دین،

**دعبل: چند سالی است که رشد و گسترش رشته ادبیات در دانشگاه‌ها به یک موضوع جدی تبدیل شده و همواره این دغدغه وجود داشته که در مقاطع تحصیلی مختلف در دانشگاه‌ها، ادبیات را به شیوه‌ای تخصصی‌تر مورد بررسی قرار دهیم. به نظر شما در این میان، ادبیات آیینی از حیث مفهوم و محتوا و وجود گوناگونی که دارد و از حیث میزان و مقداری که تا به حال به آن پرداخته شده، قابلیت ارائه به‌صورت یک رشته تخصصی در دانشگاه‌ها را دارد؟**

ادبیات آیینی به عنوان گونه‌ای از ادبیات که این‌روزها رشد چشمگیری داشته، می‌تواند به عنوان یک یا چند واحد درسی مطرح شده و راه خود را در فضاهای آکادمیک و علمی باز کند؛ البته پیش از هر اقدامی باید توجه داشت که مانند نمونه‌های مشابه، این کار را با شتابزدگی انجام ندهیم و تا مقدمات کار را فراهم نکرده‌ایم، طرح را اجرایی



# رفرف عشق

شاعر: غلامعلی نادعلی زاده

ناشر: مکتب صادق

تاریخ نشر: ۱۳۹۰

دکتر حسن ذوالفقاری نیز در پایان مقدمه مفصل خود بر این کتاب ارزشمند می نویسد: «... اما دیوان مدایح و مرثی همشهری اهل ذوقم جناب آقای نادعلی زاده، متخلص به «نادی»، شاعر اهل بیت و تعزیه خوان و تعزیه شناس و تعزیه نویس دامغانی، نیز یکی از همین موارث مذهبی و اشعار آیینی است. این دیوان پر برگ و سترگ مشتمل است بر انواع قالب های شعری با موضوعات دینی و مذهبی از مدح و منقبت گرفته تا نوحه های سینه زنی و زنجیر زنی و اشعار مناسبتی که خود گویای تنوع مضامین و موضوعات است. اشعار «نادی» ساده و روان، روایی و داستانی است تا توصیف. زبان شعری وی اگر چه در چار چوب همان اشعار سنتی و با همان بیان است، باز به زبان مردم نزدیک شده است. زمینه اشعار همان است که سالیان دراز مداحان اهل بیت بر زبان رانده اند. سوز و گداز و شور حسینی که این سوز و شور، برآمده از دل شاعر است. دیوان نادی تا سالیان دراز در میراث کهن معنوی این بوم و ذیل آثار منظوم و ادبی این سامان به یادگار می ماند...»



بر مدایح و مرثی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت اطهار علیهم السلام، سروده استاد «غلامعلی نادعلی زاده»، شاعر و هنرمند و تعزیه سرای نامی معاصر، که منتشر شده و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. این اثر ارزشمند، حاوی سروده هایی است در قالب های مختلف و با مضامین عالی که از غنای محتوایی بالایی برخوردار است.

استاد حسین معلم دامغانی در مقدمه کتاب می نویسد: «مجموعه حاضر، حاصل طبع شاعری که انگار با شعر زاده است و با سرود زیسته است؛ برآمده از خانواده ای که سخن معمولشان نیز شعر بوده است. آن هم شعری که مبین خیلی از احساسات عالی بشری بوده است. جناب نادعلی زاده در باغ شعر پای به دنیا گذاشته و در این باغ روییده است. او از کودکی دنیایش مزین به این زینت بوده است. حضور در خانواده ای که باید بیان کننده زیباترین صحنه های نمایش متعال زندگی باشد، او را بر این وامی داشته تا از همان زمان، کسوت شاعری را تن پوش جان خود سازد و با این ردا در میانه ای مردمان درآید...»

شاعران فارسی زبان از دیرباز ارزش های الهی و انسانی را پاس داشته اند و زبان به مدح و منقبت پیشوایان دین گشوده اند. چه چامه گویانی که عدالت، آزادی، جوانمردی، انسان دوستی، آزادگی و ظلم ستیزی را مضمون اشعار خود قرار داده و چه سرایندگانی که فضایل بزرگان دین را ستوده اند، در یک صراط مستقیم گام نهاده اند. مگر نه آن است که ستایش خوبی ها، تجلیل از خوبان است و بزرگداشت پاکان، تحسین پاک ها؟ پس هر که به این دو امر دست یازد و عمر و جوانی خود را در این راه ایثار کند، هم از خوبی ها برای خود توشه ای برمی گیرد و هم در اثر مصاحبت با نیکان، خوی ایشان در وی اثر می کند. البته هر آن کسی که از سر خلوص و پاک نیتی، بیت شعری در مناقب اهل بیت علیهم السلام بسراید، خداوند در بهشت، خانه ای به او عطا خواهد کرد چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است.

در این موضوع، چند نکته قابل یادآوری است: - متأسفانه در دهه های اخیر، اشعاری سست و فاقد حد اقل های شعری وارد ادبیات مذهبی و آیینی ما شده است و در مجالس مذهبی خوانده می شود که وهن مذهب است و دور از شأن و منزلت بزرگان دین. هشدار دلسوزان نیز، اگر چه بی تأثیر نبوده است؛ ولیکن تا کنون منجر به حذف کامل این سروده ها از مجالس نگردیده که شاید یکی از علل آن، آشنا نبودن مداحان با اشعار مناسب و شاعران توانا در زمینه های مذهبی بوده است.

- برخی مداحان برای رونق بخشیدن به مجالس خود، به تقلید از آهنگ های نامربوط می پردازند و به علت آشنا نبودن با میراث موسیقی سنتی، نمی توانند از ظرفیت های این حوزه به خوبی بهره برداری کنند.

- گاه به علت ناآشنایی برخی مداحان با تاریخ و فقدان مطالعات در خور و قابل اعتنا، روضه ها و روایت هایی غلط و ضعیف از آن ها شنیده می شود که مایه تأسف است. این روایات ساختگی و غلط، گاه مشتمل بر مفاهیم انحرافی و مضامین تحریف آمیز است که ترویج می شود.

به عللی که گفته شد و برخی علل دیگر، ضرورت آشنایی با مجموعه های غنی اشعار مذهبی، بیش از پیش روشن می گردد.

«رفرف عشق» عنوان کتابی است مشتمل

نمونه شعر:

لب تشنگان بیابید، من ساقی شمایم  
چون بحر بی کرانم، چون ابر با سخایم  
گر دوست هست و دشمن، باب الحوائج من  
حاجت ز من بخواهید، تا من روا نمایم  
افتادگان کجایید؟ تا دستتان بگیرم  
بیچارگان کجایید؟ تا عقده تان گشایم  
ز نهار کز در من، نومید بر نگردید  
ای جمع دردمندان، بر دردتان شفایم  
چون برق آسمان پوی، حاضر شوم به امداد  
در هر کجای عالم، هر کس زند صدایم  
من چاکر حسینم، خود هر چه دارم از اوست  
زین افتخار سر راه، بر طاق عرش سایم  
زهر (اس) به روز محشر، گوید به داد خواهی  
کافی است دست عباس، فرزند با وفایم  
سیل سرشک «نادی»، لوح گناه او شست  
از خون دل چو بنوشت، غمنامه عزایم ■

پی نوشت:

۱- ادیب و اندیشمند بزرگ معاصر، برادر استاد علی معلم دامغانی  
۲- عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و نویسنده پر کار و توانای معاصر

# قدرت نامحدود شعر مداحی

مجید مقدس



بسیاری از معارف و تعالیم آن بزرگواران به خصوص درباره مسائل اخلاقی، مورد غفلت قرار گرفته است و شعر مداحی از آموزه‌های اخلاقی آنان، آن گونه که بایسته است، بهره نبرده است. هر چند شعر مداحی نمی‌تواند از توصیف آن اولیای الهی و نیز ابراز محبت به آن محبوبان آسمان و زمین، جدا شود، اما اکتفا به این موارد، قطعاً محدود کردن قدرت نامحدود شعر مداحی است.

اگر می‌توان از هنر شعر و هنر خوانندگی برای انتقال تأثیر گذار یک پیام اخلاقی به مخاطبان مشتاق استفاده کرد، چرا چنین امری محقق نمی‌شود و مداحان تنها به مدح و وصف ائمه علیهم‌السلام بسنده می‌کنند؟ چرا پیام‌های اخلاقی آن اسوه‌های اخلاق با هنر شعر و خوانندگی در نمی‌آمیزد تا تأثیری شگفت بر جان و روان مخاطبان بگذارد و مجالس حسینی به مکاتب حسینی بدل شود؟

اگر قرار است هیئت‌های دینی، «مدرسه انسان‌سازی» باشد و نه صرفاً «کوره گناه‌سوزی»، یکی از مهمترین قدم‌هایی که باید برداشته شود، بیان نصایح و معارف اهل بیت علیهم‌السلام است که یکی از بهترین جایگاه‌های عرضه این پیام‌های آسمانی، شعر مداحی است.

نمی‌توان مداحی را به شور حسینی محدود کرد و تنها به وصف اهل بیت علیهم‌السلام و ابراز محبت به آنان اکتفا کرد و شعور حسینی را به خطیب و نهاد تا او خود به تنهایی این رسالت سنگین را در یک هیئت دینی بر دوش کشد. مداح می‌تواند در شروع مراسم، به ذکر اشعاری بپردازد که تعالیم اخلاقی اهل بیت علیهم‌السلام را به مخاطبان عرضه دارد و این گونه بر معرفت دینی مستمعان افزوده و آنان را بیش از پیش در پی‌موندن راه اهل بیت علیهم‌السلام یاری دهد.

دست یافتن به این گونه اشعار، چندان دشوار نیست چرا که بسیاری از شاعران ایرانی، همواره بخشی از اشعار خویش را به این مضامین اخلاقی اختصاص داده‌اند و بخش عمده‌ای از ادبیات تعلیمی زبان فارسی، مشتمل بر اشعار اخلاقی است. از جمله شاعرانی که در این عرصه شعر سروده‌اند، می‌توان به سعدی، فردوسی، نظامی، سنایی، ناصر خسرو، صائب تبریزی و واعظ قزوینی اشاره کرد.

ملا رفیع‌الدین محمد واعظ قزوینی (م: ۱۰۵۹ ق.)، صاحب کتاب ابواب‌الجنان، که در مسجد جامع قزوین به خطابه می‌پرداخت، از شاعران صاحب نام سبک هندی است. وی به اقتضای آنکه به وعظ می‌پرداخت دارای اشعار اخلاقی بسیاری است که می‌تواند برای جامعه مداحان قابل استفاده باشد. ■

پی‌نوشت:

۱- رهبر معظم انقلاب، در پاسخ به استفتائی پیرامون استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ و یا طبل و سنج در مراسم عزاداری می‌فرماید: «استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان علیه‌السلام نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده بر گزار شود، البته استفاده از طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد.»

۲- سید حسن سادات ناصری، حال و کار واعظ قزوینی شاعر نامدار سده یازدهم هجری، مجله زبان و ادبیات، شماره ۹۷ و ۹۸

✿ شعر مداحی نمی‌تواند از توصیف آن اولیای الهی و نیز ابراز محبت به آن محبوبان آسمان و زمین جدا شود اما اکتفا به این موارد قطعاً محدود کردن قدرت نامحدود شعر مداحی است

این امر باعث می‌شود که تأثیری که او بر مخاطب می‌گذارد از بسیاری از شیوه‌های دیگر انتقال پیام، بیشتر باشد.

بنابراین، با توجه به استفاده از هنر شعر و هنر موسیقی در مداحی، می‌توان چهار بعد را برای هر مداحی در نظر گرفت: بعد «لفظ» و بعد «مضمون» در هنر شعر مداحی؛ و بعد «آهنگ» و بعد «صدای نیک» در هنر موسیقی مداحی.

هر یک از این ابعاد، به تنهایی و نیز از منظر تعامل با یکدیگر قابل اندیشه‌ورزی هستند و ضعف و کاستی در هر یک از این موارد، باعث ناکارآمدی مداحی در انتقال معارف مد نظر خواهد شد. آسیب‌شناسی هر یک از این ابعاد چهارگانه و نیز روابط آنها با یکدیگر، در این نوشتار نمی‌گنجد، از این رو تنها به آسیب‌شناسی مضمون شعر مداحی می‌پردازیم.

محتوای اشعار مداحی، از زوایای گوناگونی قابل تأمل و فکرورزی است که از جمله آنها نامناسب بودن برخی اشعار با شأن امامان معصوم علیهم‌السلام است که بسیاری نیز بر آن تأکید ورزیده‌اند، اما یکی از نکاتی که در نقد این اشعار کمتر مورد توجه قرار گرفته است، محدود بودن شعر مداحی به حوزه‌هایی خاص است.

شعر مداحی، غالباً به دو بخش «مدح اهل بیت علیهم‌السلام» و «عشق به اهل بیت علیهم‌السلام» محدود مانده است و کمتر دیده می‌شود که قدیمی‌تر از این نهاد باشد. این در حالی است که می‌توان گذشته از مدح‌ها و وصف‌های معصومان، درس‌های معصومان را نیز مورد توجه قرار داد.

«شعر» هنری کهن است که در جوامع گوناگون از اقبال فروانی برخوردار بوده است. این هنر که خود زیر مجموعه هنر ادبیات به شمار می‌رود، به دلیل استفاده از آرایه‌های ادبی و موزون بودن، تأثیری ژرف بر روح و روان آدمی دارد و در این زمینه بر نثر پیشی می‌گیرد.

شعر در گذشته، فارغ از این تأثیر کیفی، این قدرت را نیز داشت که از نظر کمی هم از سخنان منثور پیشی گیرد و به تعداد مخاطبان بیشتری برسد. قالب شعر به مثابه یک رسانه عمل می‌کرد و مضمون خود را تا دورترین نقاط می‌رساند، چرا که اگر مطلبی به صورت شعری زیبا بیان می‌شد، آن شعر دهان به دهان در شهرها و روستاها می‌چرخید و به مناطق دور دست نیز می‌رسید.

در زمانه کنونی که عصر ارتباطات نام گرفته است، هر چند به دلیل پیدایش سه نسل از رسانه‌های فناوری بنیان (مطبوعات، رادیو و تلویزیون و اینترنت)، شعر موقعیت خود را از نظر تأثیر گذاری کمی ندارد، اما تأثیر گذاری کیفی آن کماکان محفوظ است و از این جنبه، همچنان در حال رقابت با دیگر هنرها است. شعر، امروزه نیز ابزار قدرتمندی برای انتقال اثر گذار پیام به شمار می‌رود و پیامی که در این قالب ریخته شود، تأثیری خاص بر مخاطب خواهد داشت.

حال اگر برای انتقال یک پیام، همزمان با استفاده از هنر شعر، از هنر موسیقی نیز بهره برده شود، تأثیر گذاری آن پیام دوچندان خواهد شد. به دیگر بیان، اگر سخنی در قالب شعری زیبا ریخته شود و به مخاطب عرضه شود، تأثیری بیشتر از سخن نثر خواهد داشت و اگر این پیام شعری را نیز، خواننده‌ای با صدایی دلنشین بخواند، تأثیر گذاری آن مضاعف می‌شود.

این تلفیق دو هنر، دقیقاً آن چیزی است که در مداحی رخ می‌دهد. مداح همزمان هنر شعر و هنر موسیقی (به معنای خوانندگی و به کارگیری دستگاه‌های آوازی و نه استفاده از آلات موسیقی) را به کار می‌برد تا معارفی پیرامون اهل بیت علیهم‌السلام را به مخاطبان منتقل کند و





شعر موعود از زیر مجموعه‌های موفق شعر آیینی است و نمونه‌های ارزشمندی از حیث ساختار و محتوا دارد

# انتظار به مثابه یک روش راهبردی

پوریا شیرآشیانی

یا در دسترس مداحان و علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. شوق وصال و خدمت به اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را می‌توان درک کرد؛ اما همین نمونه‌ها هم با صرف دقت و وقت بیشتر و با صیرفی صبر و حوصله و آموزش و پرورش نزد استادان چیره‌دل و چیره‌فکر امکان بهتر و بهترین شدن را دارند و برای این موضوع هم باید کاری کرد.

برای این منظور توجه به این نکته مفید خواهد بود که صر فنظر از اینکه در مرکز ذوق و عقیده‌مان قلمرو شعر آیینی را با چه شعاعی ترسیم کنیم و چستی و چگونگی مضامین شعر آیینی را چگونه تعریف کنیم، آنچه تاکنون از گفت‌وگوها، یادداشت‌ها و مقالات اهل نقد و نظر برمی‌آید، این است که گروهی از اهل ادب و فن، این دایره را آنچنان تنگ ترسیم می‌کنند که جز موضوعات دینی را در بر نمی‌گیرد و گروهی از استادان نیز آنچنان مسامحه می‌کنند که کمتر شعری را می‌توان یافت که موضوع دینی نداشته باشد و شاید بعید نباشد که نوع نگرش به این موضوع به تعداد همه گفت‌وگوها، یادداشت‌ها و مقالات نوشته‌شده و نوشته‌نشده باشد که این خود از موانع برنامهریزی به منظور ارتقاء کیفی شعر آیینی است. این موضوع دربارهٔ زیرمجموعه‌های شعر آیینی هم صادق است؛ مثلاً دربارهٔ شعر موعود یا اشعار مهدوی نیز تقسیم‌بندی‌های متفاوتی در یادداشت‌ها و مقاله‌های استادان می‌بینیم که هر یک حاوی مطالبی ارزشمند و خواندنی است؛ اما این گوناگونی و تنوع در تعریف و تقسیم‌بندی و تجمیع مطالب، گاه انرژی‌ای را که باید صرف آموزش برای ارتقای کیفیت فرم و محتوای اشعار شود، برای به‌منصه قبول نشاندن این و آن تلف می‌کند. جادارد با همدلی و همراهی مشفقانه طرح نوی را در نحوهٔ تعریف و تقسیم‌بندی این اشعار در اندازیم؛ تا زمینهٔ مساعدی برای رفع نواقص موجود در این حوزهٔ ارزشمند ادبی و دینی مهیا شود. ■

پی‌نوشت:

\*هر جا که سیاست تو حضور دارد.

مهدوی دیده می‌شود.

در میان اشعار ترکی نیز نمونه‌های بسیار خوبی وجود دارد که علاوه بر ترک‌زبانان در میان همهٔ علاقه‌مندان به ساحت مقدس اهل بیت علیهم‌السلام جذابیت ایجاد کرده است؛ تا جایی که کمتر کسی است که شعر «ای قلم سوز زل‌زینده اثر بوخ»، اثر «صفایی» که با نوای گرم «ابراهیم رهبر» اجرا شده است را نشنیده باشد.

هنوز منتقدان از کثرت اشعار صرفاً ستایشی و اشعاری با محتوای بسته که فقط جنبهٔ روایی و اشارهٔ تاریخی دارند ناخرسندند اما انصافاً نباید بسیاری از اشعار که در آن از انتظار به مثابه یک روش راهبردی یاد شده و مفهوم اعتراض در آن باطنی تلخ کوتاهی‌ها و ضعف‌های منتظران دروغین را به رخ می‌کشد نادیده گرفته شود

خوشبختانه شعر موعود در سال‌های اخیر از زیرمجموعه‌های موفق شعر آیینی بوده است و نمونه‌های ارزشمندی از حیث ساختار و محتوا در همهٔ گونه‌های شعری شاعران دیده می‌شود؛ البته هنوز منتقدان از کثرت اشعار صرفاً ستایشی و اشعاری با محتوای بسته که فقط جنبهٔ روایی و اشارهٔ تاریخی دارند، ناخرسندند؛ اما انصافاً نباید بسیاری از اشعار باشعور و عمیق که در آن از انتظار به مثابه یک روش راهبردی یاد شده و «مفهوم اعتراض» در آن باطنی تلخ، کوتاهی‌ها و ضعف‌های منتظران دروغین را به رخ می‌کشد و البته بسیاری اشعار عاطفی که در لایه‌های پنهان و زیرین‌شان سعی در تعمیق باورهای دینی دارند، نادیده گرفته شود.

خدا را شکر در حوزهٔ اشعار آیینی، نمونه‌های ارزشمند کم نیست و به مدد اهل دل و بالدسوزی‌های استادان پیگیر، امروز شاعران پیر و جوان موفق به سرایش اشعار بسیار ارزشمندی شده‌اند؛ اما متأسفانه هنوز هم شاهد نمونه‌های ناموفقی هستیم که عجزلانه چاپ می‌شوند

توجه به موضوع مهدویت و امام‌غایب در شعر شاعران پارسی‌گوا از اولین بار که در شعر «حسن عنصری بلخی» (متوفی ۴۳۱ ق.) در قصیده‌ای که در مدح سلطان غزنوی سروده بود و در آن حکومت سلطان غزنوی را علامت و نمونه‌ای از حکومت مهدی موعود معرفی کرده بود:

سیاست تو به گیتی علامت مهدی است  
کجا سیاست تو نیست فتنهٔ دجال

تاکنون فراز و فرودهای زیادی را طی کرده است. گروهی نظیر: ابومنصور (قطران) تبریزی ملقب به امام‌الشعرا، ابوالفرج رونی (متوفی ۵۰۸ ق.)، حکیم انوری ابیوردی (متوفی ۵۸۵ ق.)، حکیم افضل‌الدین خاقانی شروانی معروف به حسان‌العجم (متوفی ۵۹۵ ق.)، حکیم نظامی گنجوی (متوفی ۶۱۴ ق.) و ابوالعطا کمال‌الدین محمود (خواجو)، کرمانی (متوفی ۷۵۳ ق.) این مضمون ناب را دستاویزی برای ستایش ممدوحان خویش قرار داده‌اند و با قیاسی مع‌الفارق از طلا، مس ساخته‌اند.

گروهی دیگر و گاهی همین شعرا در جایی دیگر و با نگاهی پیراسته گوشهٔ دنج بی‌دنیایی، بر منصفهٔ تبیین رسالت‌های جهانی حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و یادآوری وظایف و مسئولیت‌های مسلمانان در عصر غیبت، نشسته‌اند.

البته این تنها دربارهٔ اشعار فارسی مهدوی صادق نیست. موضوعات و گسترهٔ شعر مهدوی ترکی نیز طیف وسیعی از داستان ولادت حضرت، التجاء و طلب دیدار، تبیین رسالت‌های جهانی و جلوه‌های ولایت تکوینی و ... را شامل می‌شود و گسترهٔ جغرافیایی آن از شعر فارسی هم بیشتر است؛ به طوری که امروز علاوه بر شاعران آذری در ایران شاعران ترک زبان دیگری در جمهوری آذربایجان، ترکیه، گرجستان، ترکمنستان و ترک‌های عراق دربارهٔ ساحت مقدس امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف شعر سروده‌اند؛ حتی در کشورهای اتحاد جماهیر شوروی نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پس از فروپاشی شوروی گرایش به سرودن شعر

# عبرات ۱۳

«عبرات» نام مجموعه‌ای از نغمات اصیل مذهبی است که شامل انواع «نوحه»، «مناجات»، «مولودی»، «روضه» و دیگر الحان است که بر اساس موسیقی سنتی مناطق ایران و ردیف - دستگاهی خوانده می‌شوند. این مجموعه با هدف ترویج، آموزش و افزایش دانش نغمات‌مذاهب مداحان گرامی، حفظ و اشاعه مراسم مذهبی اصیل و به‌منظور دستیابی به معقول‌ترین و مطلوب‌ترین الگوی عزاداری - به‌ویژه در مورد نوحه خوانی - تهیه و تنظیم شده و گاهی در قالب لوح فشرده صوتی، ضمیمه نشریه داخلی بنیاد دعبل خزاعی، «دعبل» می‌شود. این مجموعه، پیش از این با نام «جامه‌دران» تقدیم مخاطبان می‌شد. «عبرات» پیشنهاد برخی از مخاطبان است که نام جامه‌دران را بیشتر ناظر بر وجه موسیقایی نوحه‌ها و نغمات می‌دانند؛ در حالی که به لحاظ ساختار و محتوا علاوه بر حیثیت موسیقایی و جوه معنایی، ادبی و ... نیز دارند که ممکن است جامه‌دران گویای این جوه نباشد. پیش از این چهار شماره از مجموعه‌های جامه‌دران در مرکز مطالعات راهبردی خیمه و سه شماره در بنیاد دعبل خزاعی تولید و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. در شماره‌های قبلی - «جامه‌دران (۱ تا ۷)» و «عبرات ۸ تا ۱۲» - نمونه‌هایی از انواع موسیقی مذهبی ایران با صدای پیرغلامان حسینی «مهرداد عباس زادگان»، «حجت‌الاسلام سیدعباس میر حسینی»، «حسین قدوسی»، تعدادی از نوحه‌خوانی‌ها در کشور عراق و همچنین نمونه‌های اصیلی از دهه کرامت و نغماتی درباره مقام الوالی نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و مدایح و مرثی عاشورایی در ماه‌های محرم و صفر و ... تهیه و به استحضار علاقه‌مندان رسیده است.

«بنیاد دعبل خزاعی» در ادامه این مسیر و به همت کارشناس نغمات آیینی بنیاد، آقای «متین رضوانی پور» - که تولید شماره‌های قبلی جامه‌دران، عبرات و تألیف چند کتاب در حوزه نوحه‌ها و نغمه‌های آیینی را در کارنامه علمی و فرهنگی خود دارد - در نظر دارد در این مجموعه‌ها با معرفی راویان، ذکر نام گوشه‌ها و دستگاه‌های الحان انتخاب‌شده و ارائه متن کامل اشعار، زمینه استفاده‌های کاربردی از این نغمات را برای مخاطبان خود فراهم کند. امیدواریم با استفاده مستمر از شماره‌های آتی، گوش علاقه‌مندان به فضاهای دستگاه‌های موسیقی آشنا و مسلط شود. موضوع دیگری که در این مجموعه در نظر داریم بدان بپردازیم، معرفی معیارهای مشترک شعری و موسیقایی بین اقوام و شهرهای گوناگون ایران است که در طول تاریخ و با مراددهای فرهنگی صورت می‌پذیرفت؛ به‌طوری که اشتراکات بسیاری را در سرتاسر ایران و حتی دیگر کشورهای شیعه‌نشین پدید آورده است.

## متین رضوانی پور

اشاراتی به پرده‌های آواز ابو عطا کرده است. مناجات دیگری در زمزمه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نمونه بعدی آمده است. این قطعه را سید علی سادات رضوی در دستگاه همایون، گوشه‌های بیداد، شوشتری، بوسلیک، عشاق و بیات راجع خوانده است. این نمونه که هفتمین نمونه است از سروده‌های «عباس حسینی جوهری» است. سادات رضوی در هنگام خوانش گوشه عشاق اشاراتی نیز به پرده‌های دستگاه شور کرده است. گوشه بوسلیک بیشتر در آواز بیات اصفهان متداول است که در بسیاری موارد، از جمله در این نمونه در دستگاه همایون خوانده می‌شود.

در خوانش هشتمین نمونه حمید منتظر گوشه‌های درآمد، زابل و مخالف دستگاه سه‌گاه را اجرا کرده است. این نمونه شامل شعری از «بهرروز سپیدنامه» است.

سید علی سادات رضوی نهمین قطعه را که مناجاتی از سروده‌های «علی اکبر لطیفیان» در زمزمه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، در گوشه‌های بیات راجع، عشاق آواز دشتی خوانده است. وی در این اجرا اشاره‌ای به گوشه جامه‌دران کرده است.

دهمین نمونه این مجموعه از سروده‌های «سعید بیابانکی» را حمید منتظر در گوشه‌های درآمد، رضایی، فیلی و شکسته دستگاه ماهور در گام‌های پایین و اوج خوانده است.

یازدهمین نمونه را سید علی سادات رضوی در گوشه‌های درآمد، مویه، مخالف و زابل دستگاه سه‌گاه خوانده است. این شعر از سروده‌های «قاسم صرافان» است.

آخرین نمونه این مجموعه را اختصاص داده‌ایم به صلوات خاصه امام رضا علیه السلام که توسط «مرحوم حاج رضا انصاریان» در پرده‌های گوشه‌های درآمد و حجاز آواز ابو عطا خوانده شده است.

مرحوم حاج رضا انصاریان، از پیرغلامان ابا عبدالله الحسین علیه السلام در مشهد مقدس، در روز ولادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام، دار فانی را وداع گفت و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام دفن شده است. در همین شماره نشریه، نیم‌نگاهی به ۴۰ سال خدمت ایشان در آستان اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داشته‌ایم.

در این شماره از عبرات اجراهایی از مولودی و مناجات خوانی و زمزمه درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را با صدای «سید علی سادات رضوی» و «حمید منتظر» در دستگاه‌ها و آوازهای اصیل ایرانی می‌شنویم. در این اثر نمونه‌ای نیز بر اساس فواصل الحان محلی شمال خراسان خوانده شده است که انشاءالله مقبول در گاه خدا و مورد استقبال دوست‌داران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار گیرد.

اولین نمونه این مجموعه مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سروده‌های «امام خمینی (ره)» است. این قطعه را سید علی سادات رضوی در گوشه‌های رضایی، درآمد، فیلی، شکسته، خاوران، دلکش و داد خوانده است.

در نمونه دوم که مولودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سروده‌های «حافظ» است، اجرای حمید منتظر را در آواز بیات ترک می‌شنویم. در این قطعه گوشه‌های درآمد، جامه‌دران و فیلی در گام‌های پایین و اوج اجرا شده است.

نمونه سوم این مجموعه از غزل‌های «فخرالدین عراقی» است که سید علی سادات رضوی آن را در پرده‌های دستگاه شور و آواز دشتی بر اساس موسیقی مقامی منطقه شمال خراسان خوانده است. مطابقت‌های این اجرا با گوشه‌های شهنواز و درآمد از دستگاه شور و بیات راجع و عشاق از آواز دشتی است. لازم به ذکر است ایشان در این اجرا اشارات مختصری نیز به پرده‌های دستگاه نوا و گوشه جامه‌دران دارد.

در ادامه شاهد اجرای حمید منتظر می‌باشیم که شعر انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سروده‌های «علامه میر جهانی» را در گوشه‌های درآمد، جامه‌دران و عراق آواز افشاری اجرا کرده و در ابیات آخر وارد پرده‌های آواز بیات ترک شده است. این قطعه چهارمین نمونه این مجموعه است.

در پنجمین قطعه، گوشه‌های درآمد، جامه‌دران، بیات راجع، نیشابورک و رهاپ دستگاه نوا را با اجرای حمید منتظر بر روی شعری از «مر تزی موحدی» می‌شنویم.

ششمین نمونه خوانش گوشه‌های بیات راجع، بیداد، عشاق، شوشتری و درآمد دستگاه همایون با اجرای حمید منتظر است. شعر این قطعه از «علیرضا قزوین» و مناجات گونه‌ای در زمزمه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. منتظر در این نمونه





**آواز بیات ترک**

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید (گوشه درآمد)  
 که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید (گوشه درآمد)  
 ز غم هجر مکن ناله و فریاد که من (گوشه جامه در آن)  
 زدهام فالی و فریادرسی می آید (گوشه درآمد)  
 ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس (گوشه فیلی)  
 موسی آنجا به امید قیسی می آید (بازگشت به گوشه درآمد)  
 هیچ کس نیست که در کوی توش کاری نیست (گوشه درآمد در اوج)  
 هر کس آنجا به طریق هوسی می آید (گوشه درآمد در اوج)  
 کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست (گوشه جامه در آن در اوج)  
 اینقدر هست که بانگ جرسی می آید (گوشه درآمد در اوج)  
 جرعه ای ده که به میخانه آراب کرم (گوشه فیلی)  
 هر حرفی ز پی ملتسمی می آید (بازگشت به گوشه درآمد)  
 خبر بلبل این باغ بپرسید که من (گوشه فیلی)  
 ناله ای می شنوم کز قفسی می آید (بازگشت به گوشه درآمد)  
 یار دارد سر صید دل حافظ یاران (گوشه جامه در آن)  
 شاهبازی به شکار مگسی می آید (بازگشت به گوشه درآمد)

حافظ

**دستگاه ماهور**

عمری گذشت و راه نبردم به کوی دوست (گوشه رضایی)  
 مجلس تمام گشت و ندیدیم روی دوست (گوشه رضایی)  
 گلشن معطر است سراپا ز بوی بار (گوشه رضایی)  
 گشتیم هر کجا نشنیدیم بوی دوست (فرود به گوشه درآمد)  
 هر جا که می روی ز رخ یار روشن است (گوشه فیلی)  
 خفاش وار راه نبردیم سوی دوست (گوشه شکسته)  
 میخوارگان دلشده ساغر گرفته اند (گوشه خاوران)  
 ما را نمی نصیب نشد از سبوی دوست (فرود به گوشه درآمد)  
 گوش من و تو وصف رخ یار نشنود (گوشه درآمد در اوج)  
 ورنه جهان ندارد جز گفتگوی دوست (گوشه درآمد در اوج)  
 با عاقلان بگو که رخ یار ظاهر است (گوشه دلکش)  
 کاوش بس است این همه در جست و جوی دوست (فرود به گوشه درآمد)  
 ساقی ز دست یار به ما پاده می دهد (گوشه داد)  
 بر گیر می، تو نیز ز دست نکوی دوست (فرود به گوشه درآمد)

امام خمینی (ره)

**دستگاه شور (محللی خراسانی)**

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی (گوشه شهناز)  
 چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی (گوشه شهناز)  
 همه شب نهادم سر چو سگان بر آستانت (گوشه شهناز)  
 که رقیب در نیاید به بهانه گدایی (گوشه درآمد)  
 مژه ها و چشم شوخش به نظر چنان نمایند (گوشه شهناز در اوج)  
 که میان سنبلستان چرد آهوی خطایی (گوشه شهناز در اوج)  
 ز فراق چون نتالم من دلشکسته چون نی (گوشه بیات راجع)  
 که بسوخت بند بندم ز حرارت جدایی (اشاره به پرده های گوشه عشاق)  
 سر برگ گل ندارم ز چه رو روم به گلشن؟ (گوشه عشاق)  
 که شنیده ام ز گل ها همه بوی بی وفایی (گوشه عشاق)  
 به کدام مذهب است این به کدام ملت است این (گوشه جامه در آن)  
 که کشند عاشقی را که تو عاشقم چرایی (گوشه شهناز)  
 به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند (گوشه شهناز)  
 که تو در برون چه کردی؟ که درون خانه آبی  
 (فرود به گوشه رهاب و اشاره به پرده های آواز دشتی در انتها)  
 به قمار خانه رفتم همه پاکباز دیدم (اشاره به پرده های دستگاه نوا)  
 چو به صومعه رسیدم همه زاهد ریایی (فرود به گوشه درآمد)  
 در دیر می زدم من که ندانم در درآمد (گوشه شهناز)  
 که در آ عراقی که تو آشنای مایی (فرود به گوشه درآمد)

فخرالدین عراقی

۴

یارب زغمش تا چند اشکم ز بصر آید  
 بنشسته سر راهش، شاید ز سفر آید  
 تا چند بنالم زار شب تا سحر از هجرش  
 کوکب شمرم هر شب، شاید که سحر آید  
 هر دم که رخس بینم خواهم دگرش دیدن  
 بازش نگرم شاید یک بار دگر آید  
 از دیده نهان اما اندر دل من جایش  
 او را طلبم هر شب شاید که ز در آید  
 با کس نتوانم گفت من راز درون خویش  
 کز درد غم هجرش دل را چه به سر آید  
 می سوزم و می سازم از درد فراق اما  
 تیر غم او بر دل افزون ز شمر آید  
 «حیران» به فغان تا کی با محنت و غم همدم  
 یارب نظری کن شاه از پرده به در آید

علامه میر جهانی

۵

#### دستگاه نوا

ای دل بشارت می دهم خوش روز گاری می رسد (گوشه درآمد)  
 یا درد و غم طی می شود یا شهر یاری می رسد (گوشه درآمد)  
 گر کار گردان جهان، باشد خدای مهربان (گوشه جامه دران)  
 این کشتی طوفان زده هم بر کناری می رسد (گوشه درآمد)  
 اندیشه از سرما مکن سر می شود دوران دی (گوشه بیات راجع)  
 شب را سحر باشد ز پی آخر بهاری می رسد (گوشه درآمد)  
 ای منتظر غمگین مشو قدری تحمل بیشتر (گوشه نیشابورک)  
 گردی به باشد در افاق گویی سواری می رسد (گوشه نیشابورک)  
 یار همایون منظرم آخر در آید از درم (گوشه درآمد)  
 امید خوش می پرورم زین نخل باری می رسد (گوشه درآمد)  
 «مفتون» منال از یار خود، گر بر تو گاهی تلخ شد (گوشه جامه دران)  
 کز گل بدان لطف و صفا که نیش خاری می رسد (گوشه درآمد)

مرتضی موحدی

۸

#### دستگاه سه گاه

سلام ای ماه مهجور زمستان های ابر آلود! (گوشه درآمد)  
 چرا دیگر نمی تابد سرودت از محاق رود (گوشه درآمد)  
 مگر روح اساطیر کهن باران بباراند (گوشه زابل)  
 به روی سرزمین های اسیر حلقه های دود (گوشه درآمد)  
 به روی بامها آینه ها گرم تماشا بیند (گوشه مخالف)  
 افق های تباهی را بر آبی طلعت موعود (گوشه مخالف)  
 نفیر کوزه های تشنه اعصار می گوید (گوشه مخالف)  
 که عشق - این ماه سرگردان - زمانی این حوالی بود (گوشه مخالف)  
 تو را با خوشه پروین همیشه جست و جو کردم  
 (گوشه مخالف با اشاره به پرده های گوشه مغلوب)  
 از آن روزی که از پردیس جاویدان شدم مطرود (گوشه مخالف)  
 دلم را این پرستوی غریب آشیان بر دوش (گوشه مخالف)  
 بهار خاطرات خوانده تا افاق نامحدود (گوشه مخالف)  
 الا ای ماه مهجور زمستان های ابر آلود! (گوشه درآمد)  
 تو را تا کهکشان زخم موزونی دگر بدرود (گوشه درآمد)

بهروز سپیدنامه

۹

#### آواز دشتی

مجنون شدم که راهی صحرا کنی مرا (گوشه بیات راجع)  
 گاهی غبار جاده لیلای کنی مرا (گوشه بیات راجع)  
 کوچک همیشه دور ز لطف بزرگ نیست (گوشه بیات راجع)  
 قطره شدم که راهی دریا کنی مرا (گوشه بیات راجع)  
 پیش طبیب آمده ام درد می کشم (گوشه عشاق)  
 شاید قرار نیست مداوا کنی مرا (گوشه عشاق)  
 من آمدم که این گرها وا شود همین! (گوشه عشاق)  
 اصلاً بنا نبود ز سر واکنی مرا (بازگشت به گوشه بیات راجع)  
 حالا که فکر آخر تم را نمی کنم  
 (گوشه عشاق با اشاره به پرده های دستگاه شور)  
 حق می دهم که بنده دنیا کنی مرا  
 (گوشه عشاق با اشاره به پرده های دستگاه شور)  
 من سال هاست میوه خوبی نداده ام (گوشه عشاق)  
 وقتش نیامده که شکوفا کنی مرا؟  
 (بازگشت به گوشه بیات راجع)  
 آقا برای تو نه! برای خودم بد است (گوشه جامه دران)  
 هر هفته در گناه، تماشا کنی مرا (گوشه بیات راجع)  
 من گم شدم؛ تو آینه ای گم نمی شوی (گوشه عشاق)  
 وقتش شده بیایی و پیدا کنی مرا (بازگشت به گوشه بیات راجع)  
 این بار با نگاه کریمانهات ببین (گوشه درآمد)  
 شاید غلام خانه زهر کنی مرا (فرود به گوشه درآمد دستگاه شور)

علی اکبر لطیفیان



۷

**دستگاه همایون**

ای ولی عصر و امام زمان (گوشه بیداد)  
 ای سبب خلقت کون و مکان (گوشه بیداد)  
 ای به ولای تو تولا می (گوشه بیداد)  
 مهر تو آیین دل های ما (فروید به گوشه شوستری)  
 خیز و ببین ای شه دنیا و دین (گوشه بوسلیک)  
 کفر گرفته همه روی زمین (گوشه بوسلیک)  
 عالم ما عالم دیگر شده (گوشه بوسلیک)  
 آینه دهر مکرر شده (گوشه بوسلیک)  
 شرع نبی یکسره بر باد رفت (گوشه بیداد)  
 دین ز کف بنده و آزاد رفت (گوشه بیداد)  
 شمس فلک شمساً ایوان تست  
 (گوشه عشاق با اشاره به پرده های گوشه درآمد دستگاه شور)  
 جن و ملک بنده در بان تست  
 (گوشه عشاق با اشاره به پرده های گوشه درآمد دستگاه شور)  
 مطلع والشمس بود روی تو (گوشه عشاق)  
 مظهر واللیل دو گیسوی تو (گوشه بیات راجع)  
 دیده خلقی همه در انتظار (گوشه بیداد)  
 کز پس این پرده شوی آشکار (گوشه بیداد)  
 خیز بکش تیغ دوسر از نیام (فروید به گوشه شوستری)  
 ای شه منصور پی انتقام (گوشه شوستری)  
 خیز و جهان پاک ز ناپاک کن (گوشه بیات راجع)  
 روی زمین پاک ز خاشاک کن (گوشه بیات راجع)  
 «ذاکر» بیچاره همه صبح و شام (گوشه شوستری)  
 می کند از دور به کوبت سلام (گوشه شوستری)

عباس حسینی جوهری

۶

**دستگاه همایون**

سرم را می زخم از بی کسی گاهی به در گاهی (گوشه بیات راجع)  
 نه با خود زاده راهی بر دم از دنیا، نه همراهی (گوشه بیات راجع)  
 اگر زاده راهی دارم همین اندوه و فریاد است (گوشه بیداد)  
 «نه بر مژگان من اشکی نه بر لب های من آهی» (گوشه بیداد)  
 غروبی را تداعی می کنم با شوق دیدارش (گوشه عشاق)  
 تماشا می کنم عطر تنش را هر سحر گاهی (گوشه عشاق)  
 دلم یک بار بویش را زیارت کرد ... این یعنی (گوشه عشاق در گام پایین)  
 نمی خواهد گدایی را براند از درش شاهی (گوشه عشاق)  
 نمی خواهم که بر گردد ورق، ابلیس بر گردد (اشاره به پرده های آواز ابوعطا)  
 دعای دست می گوئی، چرا چیزی نمی خواهی؟ (بازگشت به گوشه عشاق)  
 از این سرگشتگی سمت تو پارو می زخم مولا! (اشاره به پرده های آواز ابوعطا)  
 از این گم بودگی سوی تو پیدا می کنم راهی (بازگشت به گوشه عشاق)  
 هلال نیمه شعبان رسید و داغ دل نو شد (گوشه عشاق)  
 دعای آل یاسین خوانده ام با شعر کوتاهی (گوشه عشاق)  
 اگر عصری ست یا صبحی تو آن عصری تو آن صبحی (گوشه عشاق)  
 اگر مهتری ست یا ماهی تو آن مهتری تو آن ماهی (گوشه بیات راجع)  
 دل مصر و یمن خون شد ز مکر نابرا درها (گوشه بیداد)  
 یقین دارم که تو آن یوسف افتاده در چاهی (فروید به گوشه های شوستری و درآمد)

علیرضا قزوه

۱۱

**دستگاه سه گاه**

دل ما و صفای بارانت، از دعای تو سبز و سیراب ایم (گوشه درآمد)  
 «و من الماء کل شیء حی» همه مدیون حضرت آب ایم (گوشه درآمد)  
 از زلال تو روشن ایم ای آب، دل به دریا که می زنیم ای آب (گوشه مویه)  
 موج در موج شرح دلتنگی ست، لب هر جوی اگر که بی تاب ایم (گوشه درآمد)  
 دجله هر شب هزار و یک قصه از نیستان سامرا دارد (گوشه مخالف)  
 مثل ما که هزار و یک سال است زائر غصه های سرداب ایم (گوشه مخالف)  
 بی تو یک روز خوش نبود و نرفت آب خوش از گلویمان پایین (گوشه مخالف)  
 یا سراب ایم بی تو در پوچی با که در خواب خویش مر داب ایم (گوشه مخالف)  
 کی بتابی تو یک شب بی ابر، بر شبستان حوض کوچک مان؟  
 (گوشه مخالف با اشاره ای به پرده های گوشه مغلوب)  
 و ببینیم باز هم با تو، غرق تسبیح موج و مهتاب ایم  
 (گوشه مخالف با فروید به گوشه درآمد)  
 گفته پیری که از بلندی کوه، جویبار دل تو جاری شد (گوشه زایل)  
 ما که یک عمر رفت و در خوابیم «مگر این چند روز در بابیم» (گوشه مخالف)  
 آمدی بغض کوجها و شد، اشکها قطره قطره دریا شد (گوشه مخالف)  
 با شما هر جزیره خضراء شد، در بهارت چه سبز و شاداب ایم  
 (فروید به گوشه درآمد)

قاسم صرافان

۱۰

**دستگاه ماهور**

خدا کند که بهار رسیدنش برسد (گوشه درآمد)  
 شب تولد چشمان روشنش برسد (گوشه درآمد)  
 چو گرد بر سر راهش نشستام شب و روز (گوشه رضایی)  
 به این امید که دستم به دامنش برسد (گوشه درآمد)  
 هزار دست پر از خواهش اند و گوش به زنگ (گوشه رضایی)  
 که آن انارترین روز چیدنش برسد (گوشه رضایی)  
 چه سالها که درین دشت، خوشه چین ماندم (گوشه فیلی)  
 که دست خالی شوقم به خرمش برسد (گوشه درآمد)  
 بر این مشام و بر این جان چه می شود یارب! (گوشه شکسته در گام پایین)  
 نسیمی از چمنش بویی از تنش برسد (گوشه درآمد)  
 خدای من دل چشم انتظار من تا چند (گوشه شکسته در اوج)  
 به دور دست فلک بانگ شیونش برسد؟ (گوشه رضایی)  
 چقدر بر لب این جاده منتظر ماندن؟ (گوشه درآمد)  
 خدا کند که از آن دور توستنش برسد (گوشه درآمد)

سعید بیابانکی

# فرم نظرسنجی دعبل شماره ۱۰

خواننده گرامی!

برای رسیدن به بهترین نمونه یک نشریه فرهنگی - اجتماعی در حوزه ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام، به راهنمایی های شما و آراء و نظرها یتمان نیازمندیم. ان شاءالله به کمک شما، محتوا و فرم این ماهنامه مرضی خاطر مولایمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. برای ارسال این فرم، آن را از نشریه جدا کنید و بدون پاکت پستی و الصاق تمبر، در صندوق پست بیندازید. بهره مندی از آراء ارزشمند شما مایه امتنان این مرکز خواهد بود.

نام: .....

نام خانوادگی: .....

جنسیت:  زن  مرد

سن: ۱-۲: .....

تحصیلات: ۳-۴: .....

ارزیابی شما از کیفیت مطالب چیست؟

خوب  متوسط  ضعیف

انتخاب سوره ها در گفت و گوها، مقالات، گزارش ها و ... تا چه اندازه با مخاطبان نشریه هم خوانی دارد؟

زیاد  متوسط  کم  خیلی کم

حجم مطالب را چگونه ارزیابی می کنید؟

بیش از نیاز  کافی  کم

سبک نوشتاری و ویرایش مطالب چگونه است؟

بسیار خوب  خوب  متوسط  ضعیف

تیترها و سوتیترهای انتخابی تا چه حد شما را برای خواندن مطالب ترغیب می کنند؟

بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم

صفحه آرای مطالب چه طور است؟

بسیار خوب  خوب  متوسط  ضعیف

کدام مورد را برای طرح جلد این نشریه مناسب می دانید؟

طراحی مفهومی  عکس پیرغلامان

توضیح بیشتر: .....

۱۱- به نظر شما انتشار نشریه ای با ویژگی های «دعبل» ضرورت دارد؟

بسیار ضروری است  ضروری است  موازی کاری است

شاید با تغییر در فرم و محتوا، ضرورت آن احساس شود

۱۲- بهترین طرح جلد از نظر شما: شماره .....

بهترین طرح صفحه از نظر شما: صفحه .....

بهترین مطلب از نظر شما: مطلب .....

۱۳- به نظر شما «دعبل» به چه مطالب دیگری باید پردازد؟ .....

.....

.....

۱۴- سایر پیشنهادها و انتقادات خود درباره «دعبل» را بفرمایید؟ .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



نیازی به الصاق تمبر نیست

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۴۱۵۴/۴۸۷ پرداخت شده است.

نام شرکت: بنیاد دعبل خزاعی

شماره صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۸۸۴۸

تلفن و فکس: ۰۲۱-۸۸۵۳۸۷۵۰

نام شهر: تهران

مشخصات فرستنده:

نام و نام خانوادگی: .....

استان: .....

آدرس دقیق پستی: .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....